

***سفــری با عیســی مسیح***

***کتاب شماره‌‌ی یک***

## Michael Gibson

صیّاد انسان­ها

*انجیل متی باب ۴آیه ۱۹" بدیشان گفت: به دنبال من آیید تا شما را صیّاد انسان­ها گردانم"*

سفری با عیسی مسیح کتاب اول

صیّاد انسان­ها

*انجیل متی باب ۴آیه ۱۹" بدیشان گفت: به دنبال من آیید تا شما راصیّاد انسان­ها گردانم"*

نویسنده:

**Michael Gibson**

کمک مترجم: اردلان چاوشی



انجمن بین المللی مسیحیان ایرانی

[**www.iranchristians.org**](http://www.iranchristians.org)

**Instagram ID: masihiat.ici  
Telegram Channel: @****masihiat**

داستان

باورنکردنی­ترین داستان در جهان، رابطه تعاملی خدا با انسان است. این داستان با استفاده از هفت نوع شیوه ادبی مرتبط با هم، در قالب یک حکایت به نام کتاب مقدس به نگارش درآمده است. این هفت شیوه ادبی به سه گروه تقسیم می‌شوند: ۱ـ عهد عتیق، ۲ـ عهد جدید و ۳ـ اناجیل.

عهد عتیق خود متشکل از سه بخشِ شریعت، انبیاء و نوشته‌هاست. ماموریت اصلی این گروه معرفی مسیحِ خداوند، به عنوان منجی عالم است. عهد جدید نیز شامل سه بخشِ اعمال رسولان، رساله‌ها (نامه ها) و مکاشفه عیسی می‌باشد. ماموریت اصلی این گروه آشکار کردن ثمراتی است که از عیسی حاصل می‌شود. گروه آخر، یعنی اناجیل، قسمت اساسی و بخش مرکزی داستانِ کتاب مقدس را تشکیل می­‌دهند، که مربوط به عیسی است و شامل اهدافی است که او برای اجرای آنها، به زمین فرستاده شد. ماموریت اصلی اناجیل، بیان این نکته است که عیسی مسیح خداوند (پسر خدا) حلقه اتصال عهد عتیق و عهد جدید است به نحوی که این دو عهد را در قالب یک تصویر آورده و تحقق می‌بخشد.

|  |  |
| --- | --- |
| شریعت | عهد عتیق |
| انبیاء |
| نوشته­ها |
| عیسی مسیحِ خداوند | اناجیل |
| اعمال رسولان | عهد جدید |
| رساله‌ها |
| مکاشفه عیسی مسیحِ خداوند |

تمرکز کتاب من بر روی قسمت اساسی داستانِ کتاب مقدس، یعنی اناجیل است. این بخش از داستان، توسط چهار شخص، به نامهای متی، مرقس، لوقا و یوحنا، نوشته شده‌است که آنها بصورت جداگانه، به روایت داستان زندگی عیسی پرداخته‌اند و شخصیت و ابعاد زندگی او را در اناجیل بیان کرده‌اند. انجیل متی دارای بیشترین جزئیات می­باشد و همه چیز را از دید یک یهودی عبرانی بررسی می‌کند. انجیل لوقا به ترتیب زمانِ وقوع وقایع به نگارش درآمده است و انجیل یوحنا حقایق روحانی قابل توجهی را آشکار می‌سازد. مرقس نویسنده‌ی اولین کتاب انجیل است وهمانند حلقه‌ی اتصال اناجیل عمل می‌کند. از طریق چشم، گوش و قلبِ این نویسنده‌هاست که هر یک از ما قادر به دیدن اعمالی هستیم که خداوند از طریق عیسی مسیح انجام داد، و قادر به شنیدن­ "خبر خوشی" هستیم که او اعلام می‌کند و نیز قادر به درک عمق محبت او به بشریت می‌­باشیم.

هدف

هدف من از نگارش کتبِ «سفری با عیسی مسیح» این است که چهار کتاب انجیل را در قالب یک داستان یکپارچه، ادغام کنم تا خواننده بتواند وقایع پیرامون عیسی مسیح و آمدنش به زمین را کاملاً درک کند. قصد من این است که به شما این احساس را بدهم که انگار با عیسی مسیح خداوند قدم بر می‌دارید و با سفر در زندگی‌اش به وسیله او تعلیم می‌بینید.

علاوه بر ادغام چهار انجیل در یک داستان، ویژگیهای مهم دیگری نیز برای افزایش آگاهی و درک خواننده گنجانده شده است.

دو ویژگی منحصر به فرد

عیسی درست قبل از صعود به آسمان، به شاگردان خود مأموریتی داد تا قبل از بازگشت دوباره‌اش، آن را انجام دهند. مأموریت بزرگ عیسی این بود: *"پس بروید، همه امّتها را شاگرد سازید و ایشان را به اسم پدر ، پسر و روح القدس تعمید دهید و به آنان تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام حفظ کنند و اینک، من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما خواهم بود*."دراین کتاب پیرو مأموریتی که عیسی به شاگردانش داده است، همه دستوراتِ او، با فونت برجسته تایپ شده است.

تمام دستورالعمل­هایی را که عیسی برای شاگردان خود بیان می‌کرد جزء درسهایی است که او به شاگردان خود می‌داد. پنجاه و شش درسی که عیسی به آنها آموخت را می‌توان در مجموعه آموزشی با عنوان: «سفری با عیسی مسیح» یافت. این مجموعه‌ی آموزشی شامل سه کتاب می باشد: «صیّاد انسان­ها»، «برداشت محصول» و «ساختمان معبد».

ویژگی های دیگر

گاه‌شماری(کرونولوژی): برای محاسبه و شناسایی تاریخِ درستِ روی دادن رخداد هاست. همه رویدادهای این کتاب، به ترتیب زمان وقوعِ آنها می‌باشند و از مقایسه روایت­های چهار انجیل در کنار هم و با ایجاد هماهنگی بین­ آنها حاصل شده است.

تاریخ نگاری: تاریخ وقوع وقایع در این کتاب به خواننده کمک می­کند تا چارچوب­های زمانی را در داستان عیسی مسیح کشف کند.

تقسیم بندی­ها: این کتاب به ۱۸ بخش تقسیم شده‌است تا به خواننده کمک کند «تصویری بزرگِ» از زندگی و خدمات عیسی را ببیند.

سرفصل ها: هر بخش از کتاب به رویدادهای خاصّی که در زندگی عیسی مسیح اتفاق افتاده‌است اشاره می‌کند.

منابع سرفصل ها(داخل پرانتز): آیاتی از کتاب مقدس را که در متن درس مورد استفاده قرار گرفته شده‌است را به ما نشان می‌دهد.

پاورقی: منابع پاورقی در انتهای هر بخش واقع شده­است. کلمات یا عبارات مرجع، به صورت معمولی نوشته شده‌اند. آن قسمت­هایی که منابع آن، کتاب مقدس می‌باشد، به صورت مورّب نوشته شده است .

واژه نامه: واژه‌نامه حاوی توضیحات یا تعاریفی از کلمات یا اصطلاحات رایج مورد استفاده در متن است.

آیات کتاب مقدس : متن آیات از ترجمه‌ی کتب مقدس، عهد قدیم و عهد جدید گرفته شده‌است.

خطاب به خواننده

همه با مواضع این کتاب موافق نخواهند بود، هر چند در تهیه این اثر، منابع ارزشمند بسیاری مورد استفاده قرار گرفته است، این کتاب قرار نیست جایگزین روایت های فردی نویسندگان اناجیل شود، بلکه صرفاً به عنوان مکمّل آنها بکار می‌رود. تنظیم تاریخ رویدادهای مختلف بر اساس اسناد و شواهد تاریخی و تقویم یهودی با چرخه‌های تکراری ۱۹ ساله آن، اعیاد خداوند و آداب و رسومِ قوم یهود می‌باشد. و از زحمات تمام کسانی که مدت زیادی در مطالعه کلام خدا سرسختانه تلاش کرده‌اند و کمک های بسیاری در جهتِ یادگیری و آموزش نموده‌اند، در نام قدوس مسیح تشکر و قدردانی می‌کنم.

امید من

آرزوی قلبی من این است که پدرم در آسمان، با تکریم پسرش در این کتاب جلال یابد و هر یک از شما خوانندگان، به شباهت عیسی مسیحِ خداوند درآیید.

قصد نویسنده

هدف من از تهیه مجموعه‌ی تعلیمی با عنوان «سفری *با عیسی* مسیح» این است که به شما کمک کنم تا بتوانید شاگردی پرثمر، برای عیسی مسیح خداوند باشید. من معتقدم که با توجهِ مستمرِ شما به آنچه که عیسی گفته‌است و تمایل شما به انجام دستورات او، زندگی شما کاملاً دگرگون خواهد شد. پس شما حقیقتاً همانطور که او هست، تبدیل خواهید شد.

هدف تعلیم من این است که اجازه دهم، خودِ آیات کتاب مقدس، با شما صحبت کنند؛ در حالی که، طرز تفکر مسیحی قرن اول را به شما ارائه می دهد و ذهنیت شما، با تکیه بر سنن، آیینها، مفاهیم و بینش های عهد عتیق که شاگردان اصلی عیسی آن را درک کرده بودند توسعه می‌یابد.

گاهی اوقات، ممکن است تعلیم من طوری به نظر برسد که گویی بازگشت به شریعت موسی را نشان می‌دهم، اما بگذارید به شما این اطمینان را بدهم که اینطور نیست! من ایمان دارم که مسیحیان با فیض خدا، از طریق عیسی مسیح خداوند، نجات می‌یابند، نه با اطاعت از شریعت موسی. با این حال، من نیز کاملاً آگاه هستم که برای بسیاری از مردم اصطلاح «نجات یافته بوسیله فیض» به این معنی است که آنها می‌توانند زندگیشان را به روشی که خود انتخاب می‌کنند، ادامه دهند و این درست نیست! مسیحیان به عنوان قوم مقدس خدا فراخوانده شده‌اند، نه برای زندگی نامشروع و یا آنطوری که مطابق فیض خدا نیست. در عوض، آنها باید با شریعت روح زندگی کنند، یعنی محبت به خدا و انسان. عیسی خداوند فرمود: *"اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت*.*"*

*سفری با عیسی مسیح*، به عنوان یک اثر علمی یا گزارش تفسیری بر کتاب مقدس نمی‌باشد، بلکه به گونه‌ای طراحی شده که باعث تبدیل و تغییر زندگی ما می‌شود. این مجموعه برای دریافت فیض و برکات در زندگی یک مسیحی معمولی آماده شده‌است که به روح‌القدس اعتماد می­کند تا او را به سمت جمیع راستی هدایت کند.

دعای من این است که این مجموعه ابزار مفیدی برای کمک به شما در جهت داشتن یک زندگی پرثمر در مسیح باشد.

قدردانی

من از همسرم جانیس به خاطر محبت، تشویق و حمایت پایدار او در طول این سالها سپاسگزارم. بدون کمکهای او این اثر به پایان نمی‌رسید. و می‌خواهم از توانایی های او برای طراحیِ زیبا و الهام بخشِ جلدِ کتابهای سفری *با عیسی* مسیح، بیشتر قدردانی کنم.

شهادت نامه ها

از اینکه کار خدا را در اودیشا(*شرق هند*) به اشتراک گذاشتید سپاسگزارم، و این لحظات باعث تغییرات حقیقی در زندگی من شد. در آموزش و تعلیم شما می‌توانستم قدرت و حضور مطلق خدا را ببینم و احساس کنم. من از مطالعه یادداشت های طراحی شده‌ی شما لذت خاصی می‌برم و آنها را برای شاگردانم و افراد دیگر توضیح می‌دهم‌. من از مطالب شاگردی شما به خوبی در چالشهای زندگی خود استفاده می کنم. من زندگی‌ام را به عیسی سپرده­ و وقف این کرده­ام که در اودیشا، شاگردانی برای عیسی مسیح بسازم.

شبان **Kartik P**. شاگرد ساز و شبان در شرق هند

من به مدت ۱۰سال شبان جوانان و بزرگسالان بودم، در برخی از بهترین دوره های کار آموزی و تعلیمی حضور داشتم. غرق در بهترین دوره های خدمتی بودم که در دنیا ارائه میشد. پس شروع به آموختن مطالب مربوط به شاگردی نمودم و تعالیم عیسی را آموختم. در ابتدا من بی تجربه بودم و مطالبی را که من از طریق مجموعه کتبِ «سفری با عیسی مسیح» آموختم هرگز هیچ کتاب، کلیسا، دوره های تحصیلی، سمینار، سخنرانی و یا انجمنی به من نیاموخت. مسیح براستی به ما چه می‌گفت. و چرا. من برای همیشه تغییر کرده‌ام ، بیدار شده‌ام، تولد دوباره یافته‌ام و بیشتر می‌خواهم!

**Brandon S.** مشاور مالی و شبان سابق جوانان و بزرگسالان

کتابهای شاگردیِ «سفری *با عیسی* مسیح» زندگی من را تغییر داد. اگر واقعاً می‌خواهید یاد بگیرید که چگونه همانند عیسی زندگی کنید و قدم بردارید و بیاموزید که چگونه شاگرد شوید، این مطالعه مخصوص شما می‌باشد و حقیقتاً می‌تواند زندگی شما را تغییر دهد.

**Michelle M.** خانه دار ، مادر و شاگرد ساز

*«سفری با عیسی مسیح» یک* دوره آموزشی کاملاً متمرکز بر عیسی مسیح و تکریم خداست. من افرادی را که تصمیم دارند به عنوان یک ایماندار، از عیسی مسیح پیروی کنند، به خواندن و مطالعه کلام خدا با استفاده از این مجموعه، تشویق می‌کنم.

**Noah G.** کارآفرین و مبشر سابق

اکنون من در حال شاگردسازی دیگران هستم و منبعی سازنده را یافته‌ام که حتی وقتی در پایان دوره یادگیری بودم، برای من بیشتر از یک برکت محسوب میشد. این یک راهنمای عملی و قابل درک برای «شاگردی» است و در کلیسای امروز مورد نیاز است. این یک شیوه عالی برای شروع مأموریت بزرگ در زندگی هر مسیحی می‌باشد.

**Brandon B.** مشاور املاک و شاگرد ساز

# 

# 

# فهرست مطالب

کتاب شماره‌ی یک

سفری با عیسی مسیح خداوند

صیّاد انسان­ها

انجیل متی باب ۴آیه ۱۹"*بدیشان گفت، از عقب من آیید تا شما را صیّاد انسان­ها گردانم*"

[ابراز محبت ۱۳](#_Toc98448936)

[پاسخ به سوالات متداول ۱۵](#_Toc98448936)

[شاگرد به چه معناست؟ ۱۵](#_Toc98448936)

[شاگردی چیست؟ ۱۵](#_Toc98448936)

[چگونه فکر تجدید (احیاء) می شود ؟ ۱۵](#_Toc98448936)

[آیا پروسه شاگردی سیستماتیک است؟ ۱۷](#_Toc98448936)

[نقش روح القدس در روند شاگردی چیست؟ ۱۷](#_Toc98448936)

[عیسی چه تعداد شاگرد داشت؟ ۱۹](#_Toc98448936)

[چه چیزی برای شاگرد عیسی مسیح بودن مورد نیاز است؟ ۱۹](#_Toc98448936)

[برای شاگردسازی از چه فرمتی بهتر است استفاده شود؟ ۲۰](#_Toc98448936)

[آیا شخصی می تواند روند شاگرد شدن را خاتمه داده یا قطع کند؟ ۲۰](#_Toc98448936)

[چقدر طول می کشد که شاگرد شویم؟ ۲۰](#_Toc98448936)

[تاریخچه شاگردی در کلیسا چگونه است؟ ۲۱](#_Toc98448936)

[اهداف این مجموعه کتاب چیست؟ 24](#_Toc98448936)

[فرایند شاگردسازی چگونه انجام می شود؟ ۲۴](#_Toc98448936)

[درس ۱ "به دنبال من بیا" ۲۵](#_Toc98448937)

[درس ۲ چه می بینی؟ ۳۲](#_Toc98448938)

[درس ۳ دیدگاهی جدید ۳۸](#_Toc98448939)

[درس ۴ چراغ های درخشنده ۴۵](#_Toc98448940)

[درس ۵ عیسی، تکمیل کننده شریعت و نوشته های انبیاء ۵۰](#_Toc98448941)

[ده فرمان ۵۹](#_Toc98448936)

[درس ۶ فرونشاندن خشم ۶۰](#_Toc98448942)

[درس ۷ وفادار بودن ۶۷](#_Toc98448943)

[درس ۸ وفا به وعده ها ۷۶](#_Toc98448944)

[درس ۹ دست کشیدن از حقوق خود ۸۱](#_Toc98448945)

[درس ۱۰ دشمنان خود را محبت کنید](#_Toc98448946) ۸۶

[درس ۱۱ دریافت رضایت ۹۰](#_Toc98448947)

[درس ۱۲ دعا ۹۷](#_Toc98448948)

[درس ۱۳ به دست آوردن گنج ۱۰۲](#_Toc98448949)

[درس ۱۴ ترازوی عدالت ۱۰۷](#_Toc98448950)

[درس ۱۵ رشد قوه تشخیص ۱۱۵](#_Toc98448951)

[درس ۱۶ چگونه زیستن تا ابد ۱۲۶](#_Toc98448952)

[درس ۱۷ بررسی میوه ۱۳۲](#_Toc98448953)

[مروری بر نسبتِ عیسی با شاگردانش ۱۴۲](#_Toc98448954)

[تعاریف "تورات" ۱۴۴](#_Toc98448936)

[شریعت به هدف زدن است در حالی که گناه به هدف نزدن است ۱۴۴](#_Toc98448936)

[راه رفتن با خدا به چه معناست ؟ ۱۴۷](#_Toc98448936)

[ای بدکاران ۱۵۰](#_Toc98448936)

ابراز محبت

چگونه دوستت می‌دارم؟ بگذار راه‌های دوست داشتنت را بپندارم.

من، تو را به بلندی ژرفا و وسعتی دوست می‌دارم که روحم می‌تواند به آن‌ها دست یابد .

همینطور، سطرهای آغازینِ غزل عاشقانه الیزابت برت براونینگ برای همسرش، را بخوانید.

مردم به محبت پاسخ می‌دهند. جملات همراه با محبت، برای گوش ما همچون موسیقی هستند. دریافت محبت به زندگی ما شادی می‌دهد. انسانها از طریق محبت رشد می‌کنند زیرا ما به صورت خدا، که محبت است ، خلق شده‌ایم. و هر یک از ما برای ابراز محبت آفریده شده‌ایم.

*"اگر مرا دوست بدارید، احکام مرا نگاه خواهید داشت."*[[1]](#footnote-1)

عیسی مسیح، پسر خدا، این کلمات را شبِ قبل از مرگش، به شاگردان خود گفت. چند ساعت بعد عیسی محبت خود را نسبت به همه انسانها با تبدیل شدن به یک قربانی کامل، بره خدا، که گناه را از جهان بر می‌دارد، ابراز کرد. اما در آن شب عیسی به شاگردانش توضیح داد که چگونه، آنها می‌توانند محبتشان را نسبت به او ابراز کنند. و این همان شیوه‌ای بود که او در طول زندگی خود به پدرش در آسمان، در ابراز محبتش، استفاده می‌کرد.

*"اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبّت من خواهید ماند، چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبّت او می‌مانم".*[[2]](#footnote-2)

*"ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام به‌جا آورند"[[3]](#footnote-3)*

این آخرین کلماتی بود که عیسی قبل از صعودش به آسمان، به پیروان خود گفت. عیسی کلمات خود را با دقت انتخاب کرد، آنها کلماتی مهم، حائز اهمیت و برای تأثیرگذاری ماندگار، در نظر گرفته شده بودند. برای لحظاتی آنها را مطالعه کنید!

مستقیماً، دو سوال به ذهن می‌آید، عیسی به شاگردانش چه فرمانی را داد که انجام دهند؟ چرا آموختن دستورالعمل‌های عیسی به دیگران برای اجرا، بسیار مهم است؟ پاسخ به این سوالات، مرکز فرآیند شاگرد سازی است که توسط عیسی، بکار برده شده است.

عیسیِ خداوند، در طول دوره سه ساله خدمت خود بر روی زمین، از مردان و زنان معمولی که از او پیروی می‌کردند، شاگردانی قدرتمند ساخت. طی بیست سال پس از صعود او به آسمان، آنها در سراسر امپراتوری روم به عنوان **«**کسانی که جهان را متحوّل کردند» شناخته شدند. آنان براستی مظهر محبت خدا بر روی زمین شده بودند.

چطور شاگردان توانستند چنین تأثیر بزرگی را بر جهان بگذارند؟ ساده است، عیسی فقط یک وظیفه به شاگردان خود داد: شاگردان بیشتری بسازید. او دقیقاً برای آنها توضیح داد که چگونه این کار را انجام دهند. آنان هر آنچه که عیسی، برای اجرا، دستور داده بود، را پیروی کردند و او روح‌القدس را برای کمک به آنها در انجام این کار فرستاد و مأموریت او در طول تاریخ ادامه دارد.

فرایند شاگردسازی پنج مرحله‌ایِ عیسی ساده بود؛ صبر کنید تا اقتدار یابید، بروید، موعظه کنید، تعمید دهید و تعلیم دهید. ۱. بمانید و صبر کنید تا وقتی که از اعلی به اقتدار دست یابید.

۲. به کل جهان بروید.

۳. انجیل را به همه خلایق موعظه کنید.

۴. کسانی را که ایمان آورده‌اند به نام پدر، پسر و روح القدس، تعمید دهید.

۵. به همه کسانی که ایمان آورده‌اند و تعمید داده شده­اند، تعلیم دهید تا هر چیزی را که عیسی، برای اجرا، گفته­ شده را انجام دهند.

# پاسخ به سوالات متداول

شاگرد به چه معناست؟

طبق تعریف، شاگرد، یادگیرنده‌است، او هر آنچه را که می‌آموزد، جامه‌ ‌یعمل می‌پوشاند. عیسی دراین باره چنین گفت: *"شاگرد از معلّم خود افضل نیست و نه غلام از آقایش برتر، کافی است شاگرد را که چون استاد خویش گردد و غلام را که چون آقای خود شود*.*"*[[4]](#footnote-4) بنابراین، هدف شاگردِ عیسی مسیح، تبدیل شدن و شبیه شدن به عیسی مسیح است. یعنی داشتن همان ارزشها، شخصیت، اهداف، خواسته ها و خدمات.

شاگردی چیست؟

از دیدگاه مسیحیت، شاگردی، فرآیند شبیه شدن به عیسی است. این فرایندِ تبدیل شدن از **یادگیرنده** به **یاددهنده** است. برخی کلیساها از شاگردی به عنوان رشد، بلوغ یا تحول روحانی یاد می‌کنند، این شامل تغییرِ طرز تفکر و عملکردِ یادگیرنده می‌شود به نحوی که با تصویر معلم مطابقت پیدا می‌کند. پولس رسول گفت: *"و دیگر همشکل این عصر مشوید، بلکه با نو شدن ذهن خود دگرگون شوید. آنگاه قادر به تشخیص ارادۀ خدا خواهید بود؛ ارادۀ نیکو، پسندیده و کامل او."[[5]](#footnote-5)*

چگونه فکر، تجدید(احیاء) می‌شود؟

برای بدست آوردن فکری تازه، نخست باید توبه[[6]](#footnote-6) صورت گیرد. اکثر مسیحیان این کلمه را با نجات خود (توبه و ایمان به انجیل) و یا ترک گناهان خود (توبه از گناهان خود) مرتبط می‌دانند. اما، توبه به زبان ساده یعنی تغییر دادنِ طرز تفکر و باور.

در زندگی روزمره ما، بارها این اتفاق رخ می‌دهد، به عنوان مثال، ما حقایق یا اطلاعات جدیدی در مورد یک موضوع خاص به دست می‌آوریم، که باعث تغییر طرز تفکر ما در مورد آن موضوع می‌شود. گاهی اوقات ما یک عبارت تعجبی مانند «وای، من هرگز در مورد آن، اینطور فکر نمی‌کردم» را می‌شنویم، اما در بیشتر موارد ما روزانه اطلاعاتی را کسب می‌کنیم، که به نوبه خود بر فرآیند باور عمومی ما تأثیر می‌گذارد.

همه ما تا حدودی تحت تأثیر آنچه که می­شنویم هستیم. "عیسیِ خداوند حتی به شاگردان خود هشدار داد که مراقب آنچه می­شنوند باشند"[[7]](#footnote-7) زیرا می‌دانست که این امر بر قلب و ذهن آنها تأثیر می‌گذارد. ما به عنوان مسیحیان باید به خاطر داشته باشیم که هم پادشاهی خدا و هم پادشاهی­های این جهان با کلمات، اداره می‌شوند. شیطان، در شرایطی که مردم سخنانِ دروغ او را باور کنند و آن را انتقال دهند، می‌تواند حکومت و مالکیت این جهان بدست آورد. اما در مقابل، اگر مردم کلام عیسی مسیح را باور کنند و از آن پیروی کنند و آن را به دیگران انتقال دهند، پادشاهی خدا را بر زندگیشان اعلام کرده‌اند و آنرا پیش می‌برند.

در عصر اطلاعاتی که امروزه در آن زندگی می کنیم، ما در طول روز دائماً با کلمات بسیاری مواجه می‌شویم. اگر مسیحیان قصد دارند پادشاهی خدا را پیش ببرند، ضروری است که توبه کنند، یا دروغهایی را که به آن باور داشته­اند را با حقیقت کلام خدا جایگزین کنند. این جایگزینی با فرایند ایمان، نسبت به کلام خدا، صورت می‌گیرد. مراحل تکامل ایمان حقیقی از دیدگاه کتاب مقدس، شامل سه قسمت می‌باشد:

۱. باور کردنِ کلام خدا به عنوانِ حقیقت در قلب

۲. اعتراف به باورمان به کلام خدا در حضور دیگران

۳. انجام دادن آنچه خدا در کلام فرموده است

با استفاده از ترکیبِ سه شیوه‌ی یادگیری شامل: صوتی، تصویری و حرکتی، می‌توان سرعت تجدید افکار را افزایش داد.

ابتدا به شخص می‌گویید که چگونه این کار را انجام دهد (صوتی)، سپس به شخص نحوه انجام آن را نشان می‌دهید (تصویری) و در نهایت، به او اجازه می­دهید این کار را انجام دهد (حرکتی). یکی از نمونه­های بازسازی فکر زمانی است که به کودک می­آموزیم چگونه بند کفش خود را ببندد. ابتدا به او می‌گوییم چگونه گره را انجام دهد، سپس نحوه انجام آن را نشان می­دهیم و در نهایت از او می­خواهیم این کار را انجام دهد. بارها و بارها و بارها، تا زمانی که ملکه ذهن او شود. وقتی کودک، در این فرایند یادگیری، تا حدی رشد ‌کند که به دیگران بیاموزد که چگونه بند کفش هایشان را ببندند، آنگاه شبیه معلم خود شده‌است یا به عبارت دیگر، او شاگرد بوده‌است. عیسی همیشه از این روش، برای تعلیمِ شاگردان خود استفاده می‌کرد.

آیا پروسه شاگردی، سیستماتیک است؟

من معتقدم که پاسخ این سوال، بله است. مردم به طور سیستماتیک فرزندان خود را تربیت می‌کنند. به عنوان مثال: افراد قبل از آموزشِ دویدن، به کودکان راه رفتن را آموزش می‌دهند. ویا قبل از اینکه به آنها مدیریت تیم بیسبال را بیاموزند به آنها بیسبال را آموزش می‌‌دهند. بنابراین، کل فرآیند یادگیری انسان سیستماتیک است و حتی کتاب مقدس نیز با آن موافق است. زیرا خدا می‌فرماید: *"رتبه بر رتبه و رتبه بر رتبه ، سطر بر سطر و سطر بر سطر اینجا اندکی‌ و آنجا اندکی‌ خواهد بود."*[[8]](#footnote-8)

عیسی هرگز در شاگردسازی، رویکردی تصادفی نداشت. او هر کاری را با فکر، انجام می‌داد. از کسانی که او آنها را به عنوان دوازده رسول انتخاب کرد، تا روش ها و ترتیب آموزش آنها، و تا زمانی را که برای تربیت آنها گذاشت و در نهایت، تا تجهیز شاگردان به اقتدار توسط روح‌القدس. مجموعه آموزشی «سفری با عیسی مسیح» به دنبال پیروی از این الگو است.

نقش روح‌القدس در روند شاگردی چیست؟

برای اینکه شاگردِ عیسی مسیح باشید باید توسط او تعلیم داده شوید. این یکی از اصلی ترین دلایلی است که عیسی روح‌القدس را فرستاد تا در مسیحیان ساکن شود تا آنچه را که او در کلام خدا می­گوید، به آنها بیاموزد.

عیسی در مورد روح‌القدس گفت: *"لیکن چون او یعنی روحِ راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد زیرا که او از جانب خود سخن نخواهد گفت، بلکه به آنچه شنیده است سخن خواهد گفت و از امور آینده به شما خبر خواهد داد."*[[9]](#footnote-9)

مسیحیان گاهی اوقات در مورد کار روح‌القدس در زندگی خود ایده‌های عجیبی دارند. بیایید به چند نمونه از باورهای اشتباه نگاه کنیم؛ برخی می‌گویند، نیازی نیست که بدانند کتاب مقدس چه می­گوید زیرا روح‌القدس آنها را هدایت می‌کند و این درست نیست زیرا دوم تیموتائوس باب 3 آیات 16 تا 17 می­گوید: *"تمامی کتب مقدس[[10]](#footnote-10) از الهام خداست و بجهت تعلیم و تنبیه؛ اصلاح و تربیت در پارسایی مفید است، تا مرد خدا کامل و بجهت هر عمل نیکو آراسته بشود."*

برخی از مسیحیان می‌گویند نیازی به کسی ندارند که به آنها آموزش دهد زیرا روح‌القدس این کار را انجام خواهد داد. در برخی موارد این امر صادق است، اما کتاب مقدس همچنین می­گوید که *"عیسی مسیح بخشید برخی را بعنوان رسول، برخی را بعنوان نبی، برخی را بعنوان مبشّر، و برخی را بعوان شبان و معلّم، تا مقَدسین را برای کار خدمت آماده سازند، برای بنای بدن مسیح. تا همه به یگانگی ایمان و شناخت پسر خدا دست یابیم و بالغ شده، به بلندی کامل قامت مسیح برسیم*.*"*[[11]](#footnote-11) بنابراین، تا زمانیکه­ همه ما به یگانگی ایمان و شناخت پسر­ خدا نرسیم، به این افراد و خدمت­هایشان که از جانب خدا تعیین شده نیازمندیم.

بسیاری از مسیحیان انتظار دارند که بدون انجامِ هیچ تلاشی، روح‌القدس آنها را به جایی که لازم است برساند. عیسی فرمود: *"وقتی او یعنی روحِ راستی آید، شما را به جمیع راستی هدایت خواهد کرد*.*"* توجه داشته باشید که عیسی نگفت که روح‌القدس قوم خود را به تمامِ حقیقت خواهد رساند، بلکه آنها را راهنمایی خواهد کرد. این یک تلاش مشترک است؛ روح‌القدس هدایت می­کند و قوم خدا از او پیروی می­کنند. این بدان معناست که پیروی از روح‌القدس، به ایمان و اطاعت نیاز دارد. رومیان باب 8 آیه 14 می­گوید: *"زیرا همه کسانی که از روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدایند*.*"*

عیسی چه تعدادی شاگرد داشت؟

عیسی، شاگردان بسیاری اعم از مرد و زن را داشت. از شاگردان خود، او دوازده مرد را بعنوان رسولانِ خود (فرستاده شدگان)، فراخواند. کـتاب مقدس گزارش می‌دهد که ده روز پس از صعودِ عیسی به آسمان، 120 تن از شاگردان او در عید برداشت محصول (شاووعوت)، که در کلیسا به عید پنطیکاست معروف است، گرد هم آمدند. در آن روز روح‌القدس به شاگردان اقتدار داد تا به زبانِ افرادی صحبت کنند که از سرزمین‌های دیگر به این جشن آمده بودند. سپس پطرس انجیل را به این افراد موعظه کرد. سه هزار نفر به پیام او ایمان آوردند و تعمید یافتند سپس رسولان شروع به رفت و آمد از خانه­ای به خانه‌ ‌یدیگر کردند و به ایماندارانی که در گروه‌های کوچکی جمع می­شدند آنچه را که عیسی خداوند، فرمان داده بود را تعلیم می­دادند.

چه چیزی برای شاگردِ عیسی مسیح بودن مورد نیاز است؟

1. به پیامِ انجیل درباره‌ی عیسی ایمان آورید که او هم خداوند و هم نجات دهنده است. با ایمان آوردن یک شخص، او در خانواده خدا، دوباره متولد می‌شود که این امر مستلزم توبه است، یعنی تغییر، نسبت به آنچه که تفکر و باور قبلی‌اش بود.

2. تعمید بگیرید؛ با این عمل، شخص اعلام می‌کند که بواسطه‌ی روح خدا، دوباره متولد شده است و اکنون نجات یافته است. عیسی فرمود: *"هر که ایمان آورد و تعمید گیرد نجات خواهد یافت*.*"*[[12]](#footnote-12)

3. مایل به دریافت دستورالعمل­های عیسی باشید.

4. برای تعلیم یافتن وقت بگذارید.

5. فرمان­های عیسی را بیاموزید.

6. آنچه را که او می‌گوید، انجام دهید.

7. توسط روح خدا هدایت شوید. به گفته پولس رسول، آنانی که توسط روح خدا هدایت می‌شوند، پسران خدا هستند.

برای شاگردسازی بهتر است از چه فرمتی استفاده شود؟

گروه­های کوچک ۵ تا ۱۵ نفره موقعیت‌های ایده‌آل برای یادگیری و رشد هستند و بهترین فرصت را برای افراد به جهت تمرین با یکدیگر، پاسخگو بودن، یادگیری و انجام وظایف فراهم می‌آورند.

آیا شخصی می‌تواند روند شاگرد شدن را خاتمه داده یا قطع کند؟

پاسخ این پرسش، بله می‌باشد. یک مثال از آن در یوحنا باب 6 آیات 53 تا 66 آمده است. بسیاری از شاگردان عیسی از او جدا شدند؛ آنها به آسانی نمی­توانستند باور کنند که عیسی از آنها خواسته است که "بدنش را بخورند و خون او را بنوشند". امروزه در کلیسا، این خواسته به عنوان «شام خداوند» یا «عشای ربانی» شناخته می شود.

چقدر طول می‌کشد که شاگرد شویم؟

بیایید پاسخ این سال را با گفتن این عبارت آغاز کنیم که: «شاگردی عیسی مسیح یک فرآیند مادام العمر است». اما به نظر می­رسد که میزان قابل توجهی از بلوغ روحانی، در دوره سه ساله‌ی اول پس از مسیحی شدن حاصل می‌شود. موارد زیر را در نظر بگیرید:

1. عیسیِ خداوند، سه سال را صرف تعلیم شاگردانش نمود تا آنها از نظر روحانی به اندازه کافی بالغ شوند و شاگردسازی کنند.

2. در اعمال رسولان باب 1 آیه 8، متوجه می­شویم که عیسی به شاگردان خود فرمود که آنها شاهدان او در اورشلیم، یهودیه، سامره و دورافتاده ترین نقاط زمین خواهند بود. به گفته اکثر مورخان، بین موعظه پطرس در روز پنطیکاست در اورشلیم، تا زمان موعظه او به كُرنِلیوس (یك غیریهودی)در قیصریه ده سال طول کشید. هنگامی که کرنلیوس نماینده روم غسل تعمید گرفت، آغاز پخش انجیل به دورترین نقاط جهان بود. از این سَند ثبت شده‌ی تاریخی، می­توان چنین استنباط کرد که چندین بلوغ روحانیِ قابل توجه، در یک دوره سه ساله، در هر یک از سه منطقه اورشلیم، یهودیه و سامریه به دست آمده است.

3. در غلاطیان باب 1 آیات ۱۵ تا 18، پولس رسول اظهار می‌دارد او پس از مسیحی شدن و قبل از ملاقات با پطرس در اورشلیم، سه سال را در عربستان و دمشق گذراند.

4. در اعمال رسولان باب 28 آیه 31، پولس رسول به بزرگان کلیسای افسُس یادآوری می­کند که مدت سه سال به تعلیم آنها پرداخت.

تاریخچه شاگردی در کلیسا چگونه است؟

بلافاصله در سالهای پس از رستاخیز عیسیِ خداوند، تمرکز اصلی کلیسا، بر فرآیند شاگردی بود. انجیل موعظه میشد، مردم توبه می‌کردند و تعمید می‌یافتند، و کسانی که فرمانهای خداوند را آموخته بودند، مردم را در انجام کار درست راهنمایی می‌کردند. گروه‌های کوچکی از افراد در خانه‌ها آموزش می‌دیدند و سپس فرستاده می‌شدند تا شاگردان بیشتری بسازند.

این گروههای کوچک از مردمِ، مستقل و خودگردان بودند. آنها از طریق ایمان مشترکشان، با گروههای دیگر در ارتباط بودند. رهبری گروه، به مشایخ (ارشدان) آن اعطا میشد . اینها معمولاً مردانی بودند که حداقل سی سال سن داشتند و طبق معیارهای کتاب مقدس، زندگی پاک و منزهی داشتند. پس از مدتی این مشایخ به عنوان شبان شناخته می‌‌شدند (کسانی که مراقب گله بودند و از آنها مراقبت می‌کردند).

در طول قرنهای دوم و سوم، وقتی تعداد گروهها در یک منطقه خاص چند برابر میشد، یک شخص را برای هماهنگی فعالیتهای بین گروهها، با عنوان اسقف انتخاب می‌کردند­. همچنین او به عنوان نماینده و سخنگوی گروههای آن منطقه خدمت می‌کرد. روشهای شاگردی در این دوره از زمان، حتی در میان آزار و اذیتهای شدید، تغییر چندانی نداشت.

اما در آغاز قرن چهارم کلیسا شروع به پیوند خود با قدرت جهانی سکولار کرد، زیرا تصور می‌کرد که این راهی است که پادشاهی خدا در زمین برقرار می‌شود. تمرکز کلیسا از شاگردسازی به توسعه‌ی یک سیستم اعتقادی ارتدوکس تغییر جهت داد. اعتقاد شخصی فرد، ایمان او را تحت الشعاع قرار داد. مسیحیت به دین رسمی امپراطوری تبدیل شد و افراد مجبور به تغییر دین شدند. احداث ساختمانهای کلیسایی شروع شد. قسمتِ عهد جدیدِ کتاب مقدس از نوشته‌های مختلف تشکیل شد و سپس با عهد عتیق ترکیب شد. این نوشته‌ها، در مجموع کتاب مقدس ما می‌باشذ.

مبارزه برای اقتدار سیاسی و ارتدوکسی (باور صحیح) همچنان در حال افزایش بود. اسقف‌ها پس از مشاجره زیاد بین خود، اصول ارتدوکسی را تعیین کردند. اسقف‌های پنج مرکز اصلی مسیحیت (روم، قسطنطنیه، انطاکیه، اسکندریه و اورشلیم) به دلیل پیروان زیاد، دارای اقتدار بیشتری نسبت به سایر اسقف‌ها بودند. این مردان قدرتمند اسقف‌های دیگر را مجبور کردند تا در رأی­گیری در مورد مسائل مربوط به ارتدوکس، به آنها ملحق شوند. این نزاع تا جایی ادامه داشت که فقط دو اسقف اصلی، پیروان خود را داشتند. از این دو یکی اسقف روم بود (که دارای روابط سیاسی با قسمت غربی امپراتوری روم بود) و دیگری اسقف قسطنطنیه بود (که دارای روابط سیاسی با قسمت شرقی امپراتوری روم بود). نزاع بین این دو گروه تا سال ۱۰۵۴ بعد از میلاد ادامه یافت تا اینکه کلیسا اولین تقسیم خود را به شاخه‌های کاتولیک روم و ارتدکس شرقی تجربه کرد.

به منظور حفظ اصول ارتدوکس و کنترل باورهای مردم، کلیسا، گروهی افراد را برای رهبری هر یک از کلیساها آموزش می‌داد. سرانجام این گروه از مردان تحصیل کرده به یک طبقه نخبه تبدیل شدند. آنها به روحانیون معروف بودند. زبانهای لاتین و یونانی به زبانهای کتاب مقدس تبدیل شده بودند و فقط توسط یک روحانی آموزش دیده به درستی قابل درک بود. با ظهور روحانیون حرفه‌ای، دیگر مردان و زنان عادی به تنهایی در کلیسا شاگردسازی نمی‌کردند. آنها کار را به روحانیون آموزش دیده واگذار کردند. اما، مسیحیان بیشتر از آنکه پیروان واقعی عیسی مسیح باشند، به نظام اعتقادیِ ارتدوکس پایبند شدند.

گردهمایی‌های ساده‌ی گروهیِ کلیسای اولیه که شامل مشارکت، عشای ربانی، دعا و تعالیم رسولان در مورد فرمانهای عیسی مسیح بود،

جای خود را به تشریفات پیچیده‌ی مذهبی داد. مراسم شام خداوند که به عشای ربانی، نیز معروف است، به نقطه کانونی این گردهمایی ها تبدیل شد. در طول قرون وسطی، کلیسا در انحطاط اخلاقی فرو رفت و رهبری آن فاسد گردید. اما با وجود این پیچ و خم حوادث، روزنه‌ای از امید وجود داشت.

در اواخر قرن پانزدهم و آغاز قرن شانزدهم سه رویداد مهم رخ داد که آینده کلیسا را رقم می‌زد. در سال ۱۴۵۴ جان گوتنبرگ از اولین دستگاه چاپ متحرک در اروپا برای چاپ کتاب مقدس استفاده کرد و این در نهایت منجر به مالکیت گسترده کتاب مقدس توسط افراد گردید که به زبانهایشان چاپ می‌گردید. در سال ۱۴۹۲ کشف قاره آمریکا توسط کریستف کلمب، به پناهگاهی امن برای مهاجرت کسانی که به دنبال رهایی از آزار و اذیت مذهبی بودند، تبدیل شد. در سال ۱۵۱۷ یک کشیش کاتولیک آلمانی به نام مارتین لوتر آتش اصلاحاتی که در سراسر جهان مسیحیت گسترش یافته بود را شعله ور کرد.

به دلیل اصلاحات، مسیحیان اعتراض خود را نسبت به بسیاری از عمکردهای کلیسا اعلام کردند. آنها می‌خواستند به ایمان خالصتری برسند. این معترضان به دو دسته تقسیم شدند: کسانی که در کلیسای کاتولیک باقی ماندند و کسانی که آنجا را ترک کردند. کسانی که باقی ماندند سعی کردند کلیسا را از درون اصلاح کنند اما آنها، یا کشته شدند ویا مجبور به سکوت شدند. دسته دیگر، کسانی بودند که احساس می‌کرد نباید با «کلیسای کاتولیک روم» صلح کنند و در نتیجه از آن جدا شدند. این گروه اخیر به پروتستان معروف شده است.

اصلاحات، به زمان نیاز داشت. ایمان ساده به عیسی مسیح خداوند و کتاب مقدس به آرامی جای خود را به رسم و رسومات انسانی ‌داد اما ارتدوکس، همچنان کانون کلیساهای پروتستان جدید بود، این گونه شد که ما در حال حاضر صدها فرقه و هزاران کلیسای مستقل داریم. «اعتقاد شخصی افراد» هنوز بر «آن کسی که، شخص به آن ایمان دارد» برتری دارد. اکثر اصلاح طلبان معتقد بودند که برای حفظ باور ارتدوکس، باید مردم را تحت کنترل خود درآورد و با این طرز تفکر افرادِ غیر از روحانیون را نادان می‌دانند. از این رو، روحانیونِ حرفه‌ای، باقی ماندند، با این انتظار که کار خدمت را انجام دهند.

امروزه به نظر می‌رسد که افراد بسیاری در داخل کلیسا، در تلاش‌اند تا به ریشه‌های بنیادی مسیحیت بازگردند. مردم می‌خواهند عیسیِ خداوند را بشناسند! و شاگردی در بسیاری از جماعت­های کلیسایی باب شده‌است. اشتیاقی بین مسیحیان برای مشارکت با یکدیگر و تمایل به خدمت به خداوندشان وجود دارد. آنها می‌خواهند قومی مقدس باشند و از اعلی به اقتدار دست یابند. آنها می‌خواهند شاگردان عیسیِ خداوند باشند و آنها می‌خواهند در دگرگونی زندگی دیگران سهیم شوند.

امید وجود دارد، اما مسیحیان باید عمل کنند. ما باید در گروه های کوچک شرکت کنیم، به یکدیگر محبت کنیم و برای ایجاد تحول در زندگی افراد با هم کار کنیم. وقتی جمع می‌شویم باید شام خداوند را به جا آوریم. دعاها باید به عنوان رایحه‌ای خوشبو برای خدا عرضه شود و مسیحیان باید اموری را که عیسیِ خداوند برای اجرای آنها فرمان داده است را بیاموزند و سپس از آنها پیروی کنند.

اهداف این مجموعه کتاب چیست؟

۱. برای پاسخ به سوالات متداول در مورد شاگردیِ عیسی مسیح.

۲. برقراری رابطه بین عیسی مسیح و کلیسا.

۳. ارائه آگاهی در مورد پروسه شاگردسازی.

۴. در اختیار گذاشتن یک طرح کلی تعلیم برای هر چیزی که عیسی از شاگردانش خواست که انجام دهند.

فرایند شاگردسازی چگونه انجام می‌شود؟

۱. روند شاگردسازی به پنجاه و هشت درس تعلیمی تقسیم می‌شود.

۲. در هر درس، یک یا چند فرمان عملی که عیسی به شاگردانش داده‌است را نشان می‌دهیم. در مجموع ۲۶۳ فرمان جداگانه وجود دارد.

۳. یک تعلیم کوتاه، زمینه‌ی درک فرمان را فراهم می‌کند.

۴. در بحث گروهی، از سوالات برای تأمل در درس استفاده می‌شود.

۵. یک فعالیت برای پیاده سازی آموخته‌های درس پیشنهاد می‌شود.

# درس ۱

به دنبال من بیا

گفتمان گروهی:

با شنیدن کلمات «به دنبال من بیا» چه تصویری به ذهن شما می‌رسد؟

مقدمه:

شاگرد عیسی مسیح شدن، مشابه همان فرآیندی است که کودک برای یادگیری، والدین خود را می‌بیند و از آنها تقلید می‌کند و می‌آموزد. سه کلمه‌ای که معمولاً اول از همه کودک یاد می‌گیرد عبارتند از: مامان، بابا و نه. کلمات «مامان و بابا» افرادی را مشخص می‌کند که کودک تحت سرپرستی آنان است. با استفاده از کلمه‌ی«نه» توسط والدین، اقتدار آنها به کودک نشان داده ‌می‌شود و فرمانی را برای او صادر می‌کند که مستلزم اطاعت از آن می­باشد. با استفاده از این کلمه است که آموزش کودک آغاز می‌شود و اولین درسی که باید یاد بگیرد «اطاعت» است.

پس از اینکه یک شخص «دوباره متولد می‌شود»، معمولاً دو کلمه‌ای که او در آغاز، دوباره یاد می‌گیرد «کلیسا» و «خداوند» هستند. این کلمات به او کمک می‌کند تا کسانی که کفالت او را برعهده دارند را شناسایی کند. کلمات بعدی که باید به او آموزش داده شود عبارت «به دنبال من بیا» است. عیسی در ابتدای تعلیم، این فرمان را به شاگردان خود می‌دهد. این کلمات اقتدار او را ثابت می‌کنند و او فرمانی را صادر می‌کند که مستلزم اطاعت آنهاست. و همچنین مانند یک کودک، اولین فرصت را برای یک شاگرد فراهم می­کند که از کلمه «نه» استفاده کند!

مطالعه آیات کتاب مقدس:

یوحنا باب ۱ آیات ۳۵ تا ۵۱، لوقا باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱ و ۲۷ تا ۲۸، متی باب ۴ آیات ۱۸ تا ۲۲ و باب ۹ آیه ۹، مرقس باب ۱ آیات ۱۶ تا ۲۰و باب ۲ آیه ۱۴

اولین شاگردان

انجیل یوحنا باب ۱ آیات ۳۵ تا ۵۱

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

فردای آن روز، دیگر بار یحیی با دو تن از شاگردانش ایستاده بود. او بر عیسی که راه می‌رفت، چشم دوخت و گفت: "این است برۀ خدا!" چون آن دو شاگرد این سخن را شنیدند، از پی عیسی به راه افتادند. عیسی روی گرداند و دید که از پی او می‌آیند. ایشان را گفت: "چه می‌خواهید؟" گفتند: "رَبّی (یعنی ای استاد)، کجا منزل داری؟" پاسخ داد: "بیایید و ببینید." پس رفتند و دیدند کجا منزل دارد و آن روز را با او به سر بردند. آن وقت، ساعت دهم از روز بود. یکی از آن دو که با شنیدن سخن یحیی از پی عیسی رفت، آندریاس، برادر شَمعون پطرس بود. او نخست، برادر خود شَمعون را یافت و به او گفت: "ما مسیح را (که معنی آن ’مسح شده‘است) یافته‌ایم." و او را نزد عیسی برد. عیسی بر او نگریست و گفت: "تو شَمعونْ پسر یوحنایی، امّا ’کیفا‘ خوانده خواهی شد (که معنی آن صخره است)." روز بعد، عیسی بر آن شد که به جلیل برود. او فیلیپُس را یافت و به او گفت: "از پی من بیا!" فیلیپُس اهل بِیت‌صِیْدا، شهر آندریاس و پطرس بود. او نَتَنائیل را یافت و به او گفت: "آن کس را که موسی در تورات بدو اشاره کرده، و پیامبران نیز درباره‌اش نوشته‌اند، یافته‌ایم! او عیسی، پسر یوسف، از شهر ناصره است!" نَتَنائیل به او گفت: "مگر می‌شود از ناصره هم چیزی خوب بیرون بیاید؟" فیلیپُس پاسخ داد: "بیا و ببین." چون عیسی دید نَتَنائیل به سویش می‌آید، درباره‌اش گفت: "براستی که این مردی اسرائیلی است که در او هیچ فریب نیست!" نَتَنائیل به او گفت: "مرا از کجا می‌شناسی؟" عیسی پاسخ داد: "پیش از آنکه فیلیپُس تو را بخواند، هنگامی که هنوز زیر آن درخت انجیر بودی، تو را دیدم." نَتَنائیل پاسخ داد: "استاد، تو پسر خدایی! تو پادشاه اسرائیلی!" عیسی در جواب گفت: "آیا به‌خاطر همین که گفتم زیر آن درخت انجیر تو را دیدم، ایمان می‌آوری؟ از این پس، چیزهای بزرگتر خواهی دید." سپس گفت: "آمین، آمین، به شما می‌گویم که آسمان را گشوده و فرشتگان خدا را در حال صعود و نزول بر پسر انسان خواهید دید."

"به دنبال من من بیا"

متی باب ۴ آیات ۱۸ تا ۲۲، مرقس باب ۱ آیات ۱۶ تا ۲۰، لوقا باب ۵ آیات ۱ تا ۱۱

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس " به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

هنگامی که عیسی در کنار دریایِ جلیل راه می‌رفت، دو برادر به نامهای شمعون (پطرس) و برادرش آندریاس را دید که تور در دریا می­انداختند، زیرا ماهیگیر بودند و هنگامی که گروهی اطرافش ازدحام کرده بودند تا کلام خدا را بشنوند، در کنار دریا دو قایق را دید، سپس به یکی از آن دو قایق که مال شمعون بود سوار شده، از او خواست که از خشکی اندکی دور شودند. سپس در قایق نشست و به تعلیم مردم پرداخت. و هنگامی که سخنانش تمام شد، به شمعون گفت: "قایق را به جایی عمیق ببر و تورها را برای صید ماهی در آب بیاندز." شمعون در جواب وی گفت: "ای استاد، تمام شب را رنج برده و چیزی نگرفتیم، اما چون تو می‌گویی، تورها را خواهیم انداخت." وقتی چنین کردند، آنقدر ماهی صید کردند که نزدیک بود تورهایشان پاره شود! از این رو از دوستانشان که در قایق دیگر بودند به اشاره کمک خواستند. آنها آمدند و هر دو قایق را بقدری از ماهی پر کردند که نزدیک بود غرق شوند. شمعون پطرس چون این را بدید، بر پاهای عیسی افتاد و گفت: "ای خداوند از من دور شو زیرا مردی گناهکارم!" چون خود و همراهانش از واقعۀ صید ماهی شگفت زده بودند. و همینطور بر یعقوب و یوحنا پسران زبدی که شریک شمعون بودند. عیسی به شمعون گفت: "مترس. از این پس صیاد انسانها خواهی شد." وقتی آنها قایقهای خود را به خشکی رساندند به آنها گفت: "به دنبال من بیایید" تا شما را صیاد انسان­ها گردانم و از آنجا کمی جلوتر رفت، دو برادر دیگر یعنی یعقوب پسر زبدی و برادرش یوحنا را دید که در قایق با پدرشان زبدی تورهای خود را ترمیم می کردند؛ فوراً ایشان را دعوت نمود. پس پدرشان را با کارگران در قایق گذاشتند و به دنبال او رفتند.

متی شاگرد می‌شود

متی باب ۹ آیه ۹، مرقس باب ۲ آیه ۱۴، لوقا باب ۵ آیات ۲۷ تا ۲۸

*گزیده ای از آیات کتاب مقدس از " به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

سپس عیسی از آن خانه بیرون آمد و خَراجگیری را دید، لاوی[[13]](#footnote-13) نام، که در خَراجگاه نشسته بود. او را گفت: "به دنبال من بیا." لاوی برخاسته، همه چیز را ترک گفت و از پی عیسی روان شد.

فرمان:

به دنبال من بیا.

درس:

یادگیری درسِ اطاعت، دشوار است. این امر مستلزم آن است که از دستورات شخص یا مقامی، پیروی کنید و همجنین اراده خود را در برابر اراده او تسلیم کنید. این همیشه آسان نیست به خصوص هنگامی که از شما بخواهند که کاری را انجام دهید که علاقه‌ای به انجام آن ندارید. عیسی اطاعت شما را می‌خواهد و بدون آن، شما نمی‌توانید شاگرد او باشید.

وقتی عیسی شاگردان اصلی خود را فراخواند تا از دستورات او پیروی کنند، آنها می‌توانستند مسیح را ببینند، لمس کنند، ببویند و بشنوند. او از نظر فیزیکی در میان آنها حضور داشت و آنها حضور فیزیکی او را در همه جا دنبال می‌کردند. اما این درسی نبود که او به آنها تعلیم می‌داد.

عیسی به شاگردان خود آموخت که دستورات شفاهی‌ای که تعلیم می‌دهد را اطاعت کنند. او آنها را با مَثَل‌ها راهنمایی می‌کرد و اطاعت خود را از فرمانهای پدرش که در قسمت عهد عتیق کتاب مقدس نوشته شده بود، را نشان داد. او به آنچه که موعظه می‌کرد عمل می‌کرد.

والدین نیز به فرزندان خود می‌آموزند که از دستورات گفته شده اطاعت کنند. کودکان قدرت را در گفتار والدین خود درک می‌کنند و از والدین خود بعنوان الگو پیروی می‌کنند. گاهی اوقات والدین به آنچه که خود می‌گویند عمل نمی­کنند و ما باید بدانیم که کودک تمایل دارد از آنچه والدین انجام می‌دهند تقلید کند نه آنچه آنها می­گویند.

اولین شاگردان[[14]](#footnote-14) یاد گرفتند که از عیسی اطاعت کنند. هنگامیکه او تعلیم دادن آنها را به پایان رساند، به آنها گفت که بروند و دیگران را به پیروی از آنچه که او دستور داده، تعلیم دهند و شاگردان بیشتری بسازند. آنها می­بایست از طریق مَثَل ها تعلیم می‌دادند و با انجام آنچه عیسی به آنها دستور داده بود، الگو سازی می‌کردند. نتایج حیرت‌انگیز بود! کتاب اعمال رسولان به وضوح نشان می‌دهد که معجزات در پی اطاعت این شاگردان بوده و کلیسا با سرعت بالایی، رشد پیدا کرد.

عیسیِ خداوند هنوز این انتظارات را برای کلیسا امروزی دارد و روش او تغییر نکرده‌است. او هنوز مردم را فرا می‌خواند تا به دنبال او باشند و هنوز هم معجزات در پی اطاعت از کلام خدا اتفاق می­افتد. در واقع معجزه‌ی تولد دوباره، در زندگی یک شخص به همین شکل اتفاق می‌افتد. آنها کلام خدا را که در مورد عیسی موعظه شده‌است را می‌شنوند، به آن ایمان می­آورند، او را به عنوان خداوند اعتراف می‌کنند و تعمید می‌گیرند. شیوه‌ای که افراد به دنبال عیسی می‌روند این است که کلام او را بشنوند و از آن پیروی کنند. پولس رسول گفت: *"ایمان از شنیدن است و شنیدن از کلام مسیح."* عیسی فرمود: *"خوشا به حال آنانی که کلام خدا را می­شنوند و آن را بجا می­آورند*.*"*[[15]](#footnote-15) و خدا خودش از آسمان با شاگردان صحبت کرد و اعلام نمود: *"این است پسر محبوب من که از وی خشنودم، به او گوش فرا دهید*.*"*[[16]](#footnote-16)

بحث گروهی:

۱. سه جزء اصلی یک فرمان:

أ) صادر شدن فرمان.

ب) شنیدن فرمان.

ج) اطاعت از فرمان.

۲. چهار اصل در شنیدن یک فرمان مورد نیاز است، قبل از اینکه بتوانیم از آن اطاعت کنیم:

أ) شما باید به طور فیزیکی آن را بشنوید.

ب) شما باید بدانید معنی آن چیست.

ج) باید بدانید که خطاب دستور با شماست.

د) باید بدانید که از طرف رهبر شماست.

۳. در اطاعت عملی از یک فرمان، سه اصل لازم است:

أ) شما باید مایل به اطاعت باشید.

ب) شما باید کاری را که در حال حاضر انجام می‌دهید متوقف کنید.

ج) شما در عمل باید آن را انجام دهید.

۴. در داستان عیسی و پطرس در انجیل لوقا باب ۵ آیات 1 تا 11، اصول مختلفِ شنیدن و اطاعت از یک فرمان را شناسایی کنیم:

أ) ما می‌دانیم که پطرس این فرمان را شنید زیرا او به آن پاسخ داد.

ب) پطرس می‌دانست که این فرمان به چه معناست زیرا او یک ماهیگیر بود.

ج) پطرس می‌دانست که خطاب دستور با اوست زیرا قایق برای او بود.

د) پطرس می‌دانست که آن فرمان از طرف کسی است که دارای اقتدار می‌باشد زیرا او عیسی را استاد خطاب کرد.

ه) گرچه تا حدی از فرمان او دلخور بود ولی مایل به اطاعت بود.

و) پطرس آنچه که در حال انجامش بود را متوقف کرد، یعنی توقف صحبت کردن.

ن) او راهی آبهای عمیق شد.

۵. معجزه کی رخ داد؟ (معجزه پس از اطاعت پطرس رخ داد.)

۶. دلایلی که چرا مسیحیان در راه رفتن به دنبال عیسی مسیح دچار تزلزل می‌شوند:

أ) عدم آگاهی ـ ندانستن آنچه که کتاب مقدس می‌گوید.

ب) بی توجهی ـ به کار نبردن آنچه که کتاب مقدس می‌گوید.

ج) سردرگمی ـ بیشتر نگران رویدادهای روزمره زندگی خود هستند.

د) اطلاعات غلط ـ گوش دادن به دیگران به جای خداوندشان.

نکته درس:

شنیدن و اطاعت از آنچه عیسی، کلام خدا می‌گوید.

فعالیت:

1. یوحنا باب 10 آیه 27 را به خاطر بسپارید *"گوسفندان من به صدای من گوش فرا می‌دهند؛ من آنها را می‌شناسم و آنها از پی من می‌آیند."*

2. از خداوند بخواهید یک فرمان شخصی به شما بدهد تا از آن اطاعت کنید، نتایج را بنویسید و آن را با گروه به اشتراک بگذارید.

# درس 2

چه می‌بینی؟

گفتمان گروهی:

• چه چیزی افراد را با شما متمایز می‌کند؟

• چگونه سعی می‌کنید افکار دیگران را تغییر دهید؟

مقدمه:

دنیای خارج از خانه، برای نوزاد عجیب و متفاوت است. این مکان برای او ناخوشایند است و امنیت خانه را ندارد. نوزاد به راحتی گریه می‌کند، هر چیزی برای او ناآشنا و بیگانه است. اما والدینش او را به این محیط وارد می‌کنند و در این دنیای خصمانه، او باید با محیط اطراف و افرادی آشنا شود که والدینش به آسانی با آنها نشست و برخاست می‌کنند. عیسی شاگردان جدید خود را نیز به آنجا می‌برد.

شاگردان عیسی، یهودیانی از جلیل، در امتداد سواحل شمالی دریای جلیل هستند. آنها مردمی بومی هستند و سه بار در سال به اورشلیم سفر می‌کنند تا در اعیاد خداوند شرکت کنند. مسیر مرسوم آنها، از طریق درّۀ رود اردن است که به آسانی از آن عبور می‌کنند. این درّه وسیع، پرآب و حاصلخیز است. در طول مسیر آنها از کنار سرزمین سامریان[[17]](#footnote-17)، که بین خانه‌های آنها و اورشلیم قرار دارد، می‌گذرند. از نظر آنها، سرزمین سامریان خانه‌ی افراد نفرت انگیزی است که خدای واقعی را نمی­شناسند و یهودیان با آنها معاشرت چندانی ندارند.

در اوایل بهار، شاگردان همراه عیسی می‌روند تا عید فصح را در اورشلیم برگزار کنند. آنها برای مدتی در محیط آشنای اطراف اورشلیم می‌مانند. این منطقه یهودیه است، قسمت جنوبی سرزمین اسرائیل. آنها به مردم بومی منطقه خدمت می‌کنند و برخی را تعمید می‌دهند. این دوره احتمالاً تا زمان عید دوم سال که آنها در اورشلیم حضور می‌یابند ادامه دارد. این جشن "عید هفته‌ها" نامیده می‌شود زیرا هفت هفته پس از عید فصح برگزار می‌شود.

اواخر بهار است. هوا، کم کم گرم می‌شود. عیسی ناگهان تصمیم می‌گیرد به جلیل بازگردد. این بار او شاگردان را از مسیری کوتاهتر، از طریق سامره می­‌برد. سفر از میان کوههای سخت و ناآشنا است. در مقایسه با مسیر درّه‌ای، این منطقه‌ خشک، صخره‌ای با تپه‌هایی است که بوسیله‌ی باد شکل گرفته و سایه و آب کمی دارد. آنها در روستای سوخار توقف می‌کنند. جَرزیم، کوه برکت و عیبال، کوه لعنت بالای آن به سمت غرب قرار دارد. این ِمکان، محلِ چاه یعقوبِ پَطرِیارْخ است. ظهر، زمان استراحت برای ناهار است و زمان آن است که عیسی با زنی که نزد چاه می‌آید برخورد کند و زمان آن است که دید شاگردانش نسبت به جهان تغییر یابد.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

زنی سامری در کنار چاه آمد

انجیل یوحنا باب 4 آیات 1 تا 42

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

چون عیسی دریافت که فَریسیان شنیده‌اند او بیش از یحیی پیرو یافته، تعمیدشان می‌دهد (شاگردان عیسی تعمید می‌دادند نه خودش) یهودیه را ترک گفت و دیگر بار رهسپار جلیل شد. و می‌بایست از سامِرِه بگذرد. پس به شهری از سامِرِه به نام سوخار رسید، نزدیک قطعه زمینی که یعقوب به پسر خود یوسف داده بود. چاه یعقوب در آنجا بود و عیسی خسته از سفر در کنار چاه نشست. حدود ساعتِ ششم[[18]](#footnote-18) از روز بود. در این هنگام، زنی از مردمان سامِرِه برای آب کشیدن آمد. عیسی به او گفت: "جرعه‌ای آب به من بده،" زیرا شاگردانش برای تهیۀ خوراک به شهر رفته بودند. زن به او گفت: "چگونه تو که یهودی هستی، از من که زنی سامِری‌ام آب می‌خواهی؟" زیرا یهودیان با سامِریان مراوده نمی‌کنند. عیسی در پاسخ گفت: "اگر موهبت خدا را درمی‌یافتی و می‌دانستی کیست که از تو آب می‌خواهد، تو خود از او می‌خواستی، و به تو آبی زنده[[19]](#footnote-19) عطا می‌کرد." زن به او گفت: "سرورم، سطل نداری و چاه عمیق است، پس آب زنده از کجا می‌آوری؟ آیا تو از پدر ما یعقوب بزرگتری که این چاه را به ما داد، و خود و پسران و گله‌هایش از آن می‌آشامیدند؟" عیسی گفت: "هر که از این آب می‌نوشد، باز تشنه می‌شود. امّا هر که از آن آب که من به او دهم بنوشد، هرگز تشنه نخواهد شد، بلکه آبی که من می‌دهم در او چشمه‌ای می‌شود که تا به حیات جاویدان جوشان است." زن گفت: "سرورم، از این آب به من بده، تا دیگر تشنه نشوم و برای آب کشیدن به اینجا نیایم." عیسی گفت: "برو، شوهرت را بخوان و بازگرد." زن پاسخ داد: "شوهر ندارم". عیسی گفت: "راست می‌گویی که شوهر نداری، زیرا پنج شوهر داشته‌ای و آن که هم‌اکنون داری، شوهرت نیست. آنچه گفتی راست است!" زن گفت: "سرورم، می‌بینم که نبی هستی. پدران ما در این کوه[[20]](#footnote-20) پرستش می‌کردند، امّا شما می‌گویید جایی که در آن باید پرستش کرد اورشلیم است." عیسی گفت: "ای زن، باور کن، زمانی فرا خواهد رسید که پدر را نه در این کوه پرستش خواهید کرد، نه در اورشلیم. شما آنچه را نمی‌شناسید می‌پرستید، امّا ما آنچه را می‌شناسیم می‌پرستیم، زیرا نجات به واسطۀ قوم یهود فراهم می‌آید. امّا زمانی می‌رسد، و هم‌اکنون فرا رسیده است، که پرستندگانِ راستین، پدر را در روح و راستی پرستش خواهند کرد، زیرا پدر جویای چنین پرستندگانی است. خدا روح است و پرستندگانش باید او را در روح و راستی[[21]](#footnote-21) بپرستند." زن گفت: "می‌دانم که مسیح (که معنی آن ’مسح شده‘ است) خواهد آمد؛ چون او آید، همه چیز را برای ما بیان خواهد کرد." عیسی به او گفت: "من که با تو سخن می‌گویم، همانم." همان دم، شاگردان عیسی از راه رسیدند و تعجب کردند که با زنی سخن می‌گوید. امّا هیچ‌یک نپرسید "چه می‌خواهی؟" یا "چرا با او سخن می‌گویی؟" آنگاه زن، کوزۀ خویش بر جای گذاشت و به شهر رفت و به مردم گفت: "بیایید مردی را ببینید که هرآنچه تا‌کنون کرده بودم، به من بازگفت. آیا ممکن نیست او مسیح باشد؟" پس آنها از شهر بیرون آمده، نزد عیسی روان شدند. در این میان، شاگردان از او خواهش کرده، گفتند: "استاد، چیزی بخور." امّا عیسی به آنان گفت: "من خوراکی برای خوردن دارم که شما از آن چیزی نمی‌دانید." شاگردان به یکدیگر گفتند: "مگر کسی برای او خوراک آورده است؟" عیسی به ایشان گفت: "خوراک من این است که ارادۀ فرستندۀ خود را به جا آورم و کار او را به کمال رسانم. آیا این سخن را نشنیده‌اید که "چهار ماهْ بیشتر به موسم درو نمانده است"؟ امّا من به شما می‌گویم، چشمان خود را بگشایید و ببینید که هم‌اکنون کشتزارها آمادۀ درو است. هم‌اکنون، دروگر مزد خود را می‌ستاند و محصولی برای حیات جاویدان گرد می‌آورد، تا کارنده و دروکننده با هم شادمان شوند. در اینجا این گفته صادق است که "یکی می‌کارد و دیگری می‌دِروَد". من شما را فرستادم تا محصولی را درو کنید که دسترنج خودتان نیست. دیگران محنت کشیدند و شما دسترنج آنان را برداشت می‌کنید." پس در پی شهادت آن زن که گفته بود "هرآنچه تا‌ کنون کرده بودم، به من بازگفت،" بسیاری از سامِریانِ ساکنِ آن شهر به عیسی ایمان آوردند. چون آن سامِریان نزد عیسی آمدند، از او خواستند نزدشان بماند. پس دو روز در آنجا ماند. و بسیاری دیگر به سبب شنیدن سخنانش ایمان آوردند. ایشان به آن زن می‌گفتند: "دیگر تنها به‌خاطر سخن تو ایمان نمی‌آوریم، زیرا خودْ سخنان او را شنیده‌ایم و می‌دانیم که این مرد براستی نجات‌دهندۀ عالَم است."

فرمان:

* چشمان خود را بگشایید و ببینید که هم‌اکنون کشتزارها آمادۀ درو است.

درس:

درسی که عیسی تعلیم می‌دهد به قدرت دید می‌پردازد. شاگردان به دیدن، درک و بکارگیری قوانین فیزیکی در دنیای طبیعی که آنها را احاطه کرده عادت کرده‌اند. عیسی آنها را به چالش می­کشد تا دیدی متفاوت داشته باشند. او می‌خواهد قدرت دید آنها به بعد روح کشیده شود.

عیسی تعلیم خود را با این موضوع شروع می‌کند: " *مگر شما نمی­گویید که چهار ماه دیگر موسم درو است*." دراینجا شاگرد به مزرعه با روندی دنیوی فکر می‌کند، یعنی ماه مِی (اردیبهشت) است، مردم اخیراً پنبه خود را کاشته­اند، چهار ماه دیگر طول می‌کشد تا محصول رشد کند و ماه سپتامبر (شهریور)، ماه برداشت محصول است. اما عیسی می‌گوید: *"چشمان خود را بگشایید و ببینید که هم‌اکنون کشتزارها آمادۀ درو است."*

هنگامیکه شاگردان به مزارع نگاه می‌کنند، محصول پنبه را آماده برداشت نمی­بینند. اما در دوردست در میان مزارع، انسانهایی را می­بینند که لباس­های سفید بر تن کرده و به سوی آنها می­دویدند. عیسی در مورد انسانها صحبت می‌کند، نه پنبه، برداشتی از جان انسانها. برداشت در حال حاضر ‌آغاز می‌شود، نه در پایان عصر در آخرین برداشت بزرگ. افکار شاگردان برای ایجاد ارتباطات روحانی تلاش می­کند.

عیسی ادامه می‌دهد؛ در اینجا این گفته صادق است که "یکی می‌کارد و دیگری می‌دِروَد". من شما را فرستادم تا محصولی را درو کنید که دسترنج خودتان نیست. دیگران محنت کشیدند و شما دسترنج آنان را برداشت می‌کنید.

شاگردان شروع به فکر کاشت و درو می‌کنند. یک دانه در زمین بکارید، یک گیاه به جای آن ظاهر می‌شود. شخصی می‌کارد و شخصی درو می‌کند. گیاهان همیشه حاوی دانه‌های زیادی هستند. ما مقداری از بذر را برای کاشت محصول بعدی ذخیره می­کنیم و بقیه را برای غذا و سایر موارد استفاده می‌کنیم. همه اینها برای ما بسیار آشنا است.

آرام آرام آیات کتاب مقدس به ذهن آنها خطور می‌کند. آنها انسانهایی را دیده بودند که از میان مزارع به سوی عیسی می­دویدند. بله! این موضوع در طومار اشعیا در مورد مسیح گفته شده است: *"به یقین قومهایی را که نمی شناسی فراخواهی خواند، و قومهایی که تورا نمی شناسند نزدت خواهند شتافت ، به سبب یهوه خدایت که قدوس اسرائیل است، زیرا که تو را شکوه و جلال بخشیده است*‌.*"*[[22]](#footnote-22) و بخش کاشت و درو که در کتاب اشعیا نیز وجود دارد. فقط در مورد کلام خدا است. *"چنانکه‌ باران‌ و برف‌ از آسمان‌ می‌بارد و به‌ آنجا باز نمی‌گردد، بلکه‌ زمین‌ را سیراب‌ کرده‌، آن‌ را بارور و برومند می‌سازد و برزگر را بذر و خورنده‌ را نان‌ می‌بخشد، همچنان خواهد بود‌ کلام‌ من‌ که‌ از دهانم‌ صادر می شود؛ بی ‌ثمر نزد من باز نخواهد گشت‌ بلکه‌ آنچه‌ را که‌ خواستم‌ بجا خواهد آورد و در آنچه‌ آن‌ را به انجامش فرستادم‌ کامران‌ خواهد شد*.*"*[[23]](#footnote-23)

اکنون شاگردان شروع به درک سخنان عیسی می­کنند. کسانی که قبل از مسیح آمده بودند، پَطرِیارْخ‌ها ،موسی، داوود و انبیاء، آنها بذر کلام خدا را در مورد مسیح کاشتند. آنها با صحبت از آمدن مسیح، بذر پادشاهی او و نجات مردم را کاشتند. همه کسانی که بعد از مسیح می­آیند، باید محصول جانها را درو کنند.

آنها با شهادت مسیح، پادشاهی خدا و نجات انسانها را درو می‌کنند. و هر دو گروه از افراد (نجات دهنده و نجات یابنده) در پادشاهی خدا با هم شادی خواهند کرد.

بحث گروهی:

1. چه موانعی را باید پشت سر بگذاریم تا مزارع آماده برداشت را ببینیم؟

2. چه راه‌هایی وجود دارد که یک فرد بتواند با دیدن افراد در کارهای روزمره‌شان یک گفتگوی روحانی را آغاز کند؟ (به عنوان مثال: شخصی به ساعت خود نگاه می‌کند تا ببیند چه زمانی از روز است. پرسیدن هر یک از سوالات زیر ممکنه باعث ایجاد یک گفتگوی روحانی ‌شود. «آیا زمانی می‌رسد که خدا مردم را داوری کند؟ جهان چه زمانی به پایان می‌رسد؟ آیا کسی می‌تواند تا ابد زنده بماند؟ چند سال از عمر ما باقی مانده است؟»)

نکته:

با دقت به اطرافیان خود بنگرید شاید بتوان یک رویارویی روحانی با آنها ایجاد کرد.

فعالیت:

1. افراد را در کارهای روزمره­شان نظاره کنید. به مواردی فکر کنید که ممکن است از آنها بخواهید تا یک گفتگوی روحانی را آغاز کنند. مشاهدات خود و سوالاتی که می­توانید از آنها بپرسید را بنویسید. آنها را در جلسه بعدی گروه به اشتراک بگذارید.

2.اگر شخصی را کاملاً نمی‌شناسید، مي‌توانید او را برای صرف ناهار یا شام به کلیسا دعوت کنید.

# درس ۳

دیدگاهی جدید

گفتمان گروهی:

والدین شما بر کدام یک از ارزش های خانوادگی تأکید دارند و چرا؟

مقدمه:

کودکان از طریق تماشاکردن و گوش دادن یاد می­گیرند. شاگردان، عیسی را دیده و از او شنیده بودند. آنها بیش از یک سال با او بوده‌اند.

پس از مدت کوتاهی از مواجه با آن زن سامری در سوخار و درکنارِ چاه، یحیی تعمیددهنده به زندان افکنده می‌شود. عیسی از زادگاهش ناصره به کفرناحوم نقل مکان می‌کند و در آنجا به خدمت خود ادامه می‌دهد. او موعظه می‌کند، بیماران را شفا می‌دهد و دیوها را بیرون می‌کند. پیامی که عیسی موعظه می‌کند این است: "*وقت تمام شد و ملکوت خدا نزدیک است. پس توبه کنید و به انجیل ایمان بیاورید*". عیسی، به هر مکانی که می‌رفت، جمعیت زیادی از مردم نیز به دنبال او می‌رفتند

عیسی شاگردان خود را برای برگزاری عید هفته­ها به اورشلیم می­برد. هنگامی که او یک فلج را نزد حوضِ بِیت­حِسدا در روز سبت شفا می‌دهد، مخالفت­ها علیه او شروع می­شود. وقتی عیسی ادعا می­کند که پسر خداست، رهبران مذهبی را بیشتر عصبانی می‌کند. سپس، وقتیکه شاگردان خوشه­های گندم را از مزارع می‌چینند، پوست می­کنند و می­خورند، متهم به کارکردن در روز سبت می‌شوند.

با بازگشت به جلیل، عیسی از کوه ارموس ( مکان خلوتگاه) بالا می‌رود و شب را در دعا می‌گذراند. او از یک غار در موقعیت جنوبی تپه بعنوان سرپناه برای خود استفاده می‌کند. بامدادان شاگردان نزد عیسی می­آیند و او دوازده نفر از آنها را نام می‌برد تا رسولان (فرستادگان) او باشند. آنها با هم به محلی هموار در پایینِ کوه می­آیند جایی که عیسی شروع به صحبت می‌کند که امروزه، آن صحبتها به عنوان موعظه سر کوه معروف است.

موعظه‌ی سر کوه شریعت مسیح است. این تعلیم عیسی در مورد ارزشهای خانواده خداست و به خوبی با ده فرمانی که موسی دریافت کرد و به قوم خود، اسرائیل تحویل داد مطابقت دارد، رویدادهای پیرامون موعظه سر کوه و ارائه ده فرمان بسیار مشابه است.

هر دو رویداد، ده فرمان و موعظه سر کوه، بلافاصله بعد از عید هفته‌ها رخ داد. موسی و عیسی هر دو قبل از وقوع این رویدادها معجزه کردند. هر دو توسط افراد زیادی دنبال می­شدند. هر دو از کوهی بالا می‌روند تا در آنجا دعا کنند و با خدا وقت بگذرانند. هر دو از کوه پایین می­آیند تا شریعت خدا را به بسیاری از قوم که در پایینِ کوه هستند ارائه دهند. موسی ده فرمان را که با انگشت خدا روی دو لوح سنگی نوشته شده است، ارائه می‌دهد. عیسی احکام خود را می‌گوید و آن احکام با قدرت روح‌القدس بر قلب­های قوم نوشته می­شوند. ده فرمان و موعظه سر کوه هر دو حاوی دستورالعمل­هایی برای زندگی صحیح می­باشند. هر دو شامل برکت و لعنت هستند. موسی با اعلام برکات و لعنت­‌ها نسبت به رعایت فرامین، بر قوم اسراعیل، به شریعت (تورات) پایان می‌ دهد (تثنیه باب 28). عیسی دادن شریعت خود را با اعلام نُه برکت (خوشابحال‌ها) و چهار لعنت (وای­ ها) آغاز می‌کند.

هنگامی که عیسی سراشیبی ارموس را به سمت انبوه جمعیت که در دامنه‌ی کوه منتظرند، پایین می­آید، او برای تأمل وقت دارد. دریای جلیل در مقابل او به سمت جنوب گسترده شده است. زیبایی رنگ آبی نیلگون دریاچه هارپی شکل (به شکل ساز چنگ) بر منظره غالب است. در سمت چپ او، گوی طلایی خورشید بر فراز تپه‌های شرقی طلوع کرده است. در فاصله تقریباً سه کیلومتریِ کفرناحوم خانه او، قرار دارد و در سمت غرب، دشت جنیسارت با خاک غنی از محصول قرار دارد. در بیشتر روزها در این وقت از سال، گرمای تابناک خورشید باعث می‌شود که کل منظره مه­آلود به نظر برسد. سراشیبی ارموس خود پوشیده از علف‌ها و گل‌های وحشی است و صدای جیک جیک گنجشک­ها فضا را پر کرده است. شاگردان، مانند فرزندان، به مرحله بعدی آموزش نیاز دارند، یعنی در مورد ارزشهای خانوادگی.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دیدگاهی جدید (خوشابه‌حال‌ها و وای‌ها)

موعظه سر کوه[[24]](#footnote-24)

انجیل متی باب 5 آیات 1 تا ۱۲ ، انجیل لوقا باب 6 آیات 20 تا 26

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

پس به شاگردان نظر افکنده، گفت: خوشابحال مسکینان در روح، زیرا ملکوت آسمان از آن ایشان است. خوشابحال ماتمیان، زیرا ایشان تسلّی خواهند یافت. خوشابحال حلیمان، زیرا ایشان وارث زمین خواهند شد. خوشابحال گرسنگان و تشنگان پارسایی، زیرا ایشان سیر خواهند شد. خوشابحال رحم‌کنندگان، زیرا بر ایشان رحم کرده خواهد شد. خوشابحال پاکدلان، زیرا ایشان خدا را خواهند دید. خوشابحال صلح‌جویان، زیرا ایشان فرزندان خدا خوانده خواهند شد. خوشا به حال آنان که در راه پارسایی آزار می‌بینند، زیرا پادشاهی آسمان از آنِ ایشان است. خوشا به حال شما آنگاه که مردم به خاطر من، شما را ناسزا گویند و جفا رسانند، و هر سخن بدی به دروغ بر علیه شما بگویند. در آن روز شاد باشید و وجد نمایید زیرا، اجر شما در آسمان عظیم می‌باشد، زیرا که همینگونه پدران ایشان با انبیا رفتار نمودند. اما وای بر شما ای دولتمندان زیرا که تسلّی خود را یافته‌اید. وای بر شما ای سیرشدگان، زیرا گرسنه خواهید شد. وای بر شما که اکنون خندانید زیرا که ماتم و گریه خواهید کرد. وای بر شما وقتی که جمیع مردم شما را تحسین کنند، زیرا همچنین پدران ایشان با انبیای دروغین چنین کردند.

فرمان:

* شاد باشید و وجد نمایید زیرا، اجر شما در آسمان عظیم می‌باشد.

بحث گروهی:

1. ارزشهایی که عیسی در هشت برکت «خوشابه‌حال‌» ذکر کرده است در مقایسه با ارزش مردم در فرهنگ ما چگونه است؟

2. ارزشهای فرهنگی ما چگونه به مردم آموزش داده می‌شود؟

درس:

«خوشابحال­ها» طرز فکر مردم را به چالش می‌کشد. عیسی از شاگردانش می­خواهد سه چیز را بیاموزند: اولاً، ارزشهای درون خانواده خدا با ارزشهای جهان یکسان نیست. دوماً، پاداش حفظ این ارزشها در آینده است. و سرانجام اینکه نگرش اساسی خانواده خدا، وجد و شادی است حتی در صورت آزار و اذیت.

شادی به معنای خوشحالی زیاد است. به وجد آمدن، به معنای شادمانی کردن بیش از حد می­باشد. مردم دلایل زیادی برای به وجد آمدن پیدا می‌کنند و همه آنها مبتنی بر این است که خودشان را در شرایط خوبی ببینند. بعنوان مثال: به دنیا آمدن فرزند، افزایش حقوق کار، برنده شدن بلیط بخت­آزمایی یا تماشای قهرمانی تیم فوتبالشان باشد. وقتی مردم در حال شادمانی هستند معمولاً با هیجان فریاد می‌زنند ویا کاملاً سرحال هستند. این طرز رفتاری است که عیسی می­خواهد شاگردانش داشته باشند.

وقتی افراد در شرایطِ خوب و مُرَفحی قرار می‌گیرند، براحتی خوشحال می‌شوند. اما اگر شخصی در شرایط دشوار یا دردناکی باشد، نیاز به قدرتی خاصی برای شادی و خوشحالی دارد. او باید چیزی فراتر از شرایط را نگاه کند*،* ایمانی لازم است که به فرد این اطمینان را بدهد که خدا این شرایط را به خیریت او ختم می‌کند. همچنین مستلزم امید به وعده­های آینده خدا و داشتنِ علاقه برای تحمل رنج است و این امر نیازمند دیدگاه متفاوتی است.

حَبَقوق نبی، پیش­ بینی کرد که خدا می­خواهد خلقتی جدید بسازد، مردمانی متفاوت که از طریق ایمان راه می­روند نه از طریق دیدن. سه آیه پایانی کتاب حبقوق را در این مورد بخوانید:

*"* *اگرچه درخت انجیر شکوفه نیاورَد، و میوه در موها یافت نشود، محصول زیتون از میان برود، و مزرعه‌ها آذوقه ندهد، گله از آغل منقطع شود، و رمه‌ای در طویله‌ها نباشد، لیکن من در خداوند شادمان خواهم بود و در خدای نجات خویش وجد خواهم کرد. خداوندگارْ یهوه قوّت من است؛ او پاهایم را همچون پاهای آهو می‌گرداند، و مرا بر مکانهای بلندم خرامان می‌سازد. برای سالار سرایندگان، با همراهی سازهای زهی. "*[[25]](#footnote-25)

نبی، نگرش انسانهای این جهان در امور را با نگرشِ خلقتِ جدید مقایسه می‌کند. انسانها نگران کمبود اقلام و اعمال دست خود هستند. وقتی این چیزها حاصل نشود، دلسرد می‌شوند. خلقتِ جدید مانند یک غزال یا آهو ساخته شده است. آنها دید بهتری دارند زیرا در ارتفاع بالاتری زندگی می‌کنند. آهوها نگران طویله‌های خالی یا خرابی محصولات نیستند. ‌آنها نگران شرایط انسانها نیستند زیرا خدا آنها را اینگونه خلق نکرده است. خدا آهوها را می­پوشاند و در شرایط محیطی ناگوار، ملجا و سرپناهی مهیا می‌کند. او آب و غذای آنان را تامین می‌کند و آنها در طول گرمای روز در جاهای خنک استراحت می­کنند.

برخی می‌پرسند: "چرا خدا اجازه می‌دهد که پارسایان به خاطر عیسی مسیح جفا ببینند؟" سه دلیل وجود دارد. دلیل اول این است که «این نشانه­ای از طرف خداست»[[26]](#footnote-26).این نشانه‌ی نجات برای مسیحیان و هلاکت برای کسانی است که با آن مخالف هستند. وقتی مسیحیان به دلیل ایمان به عیسی مسیحِ خداوند مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند، از اراده خدا در مورد نجات خود اطمینان حاصل می­کنند.

دلیل دوم به دلیل اول مرتبط است، آزمایش ایمانِ افراد که آیا حقیقی هست یا نه؟ مرجع این دلیل در اول پطرس باب 1 آیات 3 تا 9 آمده است. دلیل سوم نیز در رساله اول پطرس باب 4 آیات 12 تا 14 بیان شده است که می‌گوید: *"روح جلال و قوت خدا بر کسانی که به خاطر مسیح مورد آزار و اذیت قرار گرفته‌اند، آرام میگیرد."* در حقیقت، کسانی که با این افراد مخالفند و آنها را آزار می‌دهند از خدا، مسیح او و راه نجات متنفرند.

عیسی فرمود: *"خوشا به حال شما آنگاه که مردم به خاطر من، شما را ناسزا گویند و جفا رسانند، و هر سخن بدی به دروغ بر علیه شما بگویند. در آن روز شاد باشید و وجد نمایید زیرا، اجر شما در آسمان عظیم می‌باشد، زیرا که همینگونه پدران ایشان با انبیا رفتار نمودند."* عیسی از شاگردانش می‌خواهد که به خاطر ایمانشان آماده‌ی قرارگرفتن در جفا باشند. تا جایی که از آنها می­خواهد در جفاها خوشحال باشند. عیسی جفا را یک امر عادی می‌دانست. او حتی عبارت «هنگامی که مورد جفا قرار می‌گیرید» را بجای «اگر مورد جفا قرار گرفتید» به کار برد.

از آنجا که عیسی جفا را بعنوان برکت می‌داند، باید پیروانش طریق برخورد با جفاها را بیابند. بسیار ساده است، فقط شروع به اعلام ایمان خود به عیسیِ خداوند کنید. این الگو در سراسر کتاب اعمال رسولان دیده می­شود: ایمانِ به عیسی مسیح خداوند را اعلام کنید، جفاها می­آیند، سپس شروع کنید به شادی کردن.

بحث گروهی:

3. چگونه می‌توانید شادی را ابراز کنید؟

نکته درس:

با شادی زندگی کنید، زیرا که این خواستِ خدا برای شماست و پاداش خواهید گرفت.

فعالیت:

پنج روایت زیر را از الگویِ (موعظه، جفا و شادی) از کتاب اعمال رسولان بخوانید. احساس خود را در مورد این پنج روایت بنویسید و احساسات خود را با گروه در میان بگذارید.

1. پطرس و یوحنا

أ) موعظه کردند (باب 3 آیات 1 تا 26)

ب) جفا دیدند (باب 4 آیات 1 تا 22)

ج) شادی کردند (باب 4 آیات 23 تا 31)

رسولان

د) موعظه کردند (باب 5 آیات 12 تا 16)

ه) جفا دیدند (باب 5 آیات 17 تا 39)

و) شادی کردند (باب 4 آیات 40 تا 42)

2. استیفان

أ) موعظه کرد (باب 6 آیات 8 تا 10)

ب) جفا دید (باب 6 آیه 11 و باب 7 آیه 58)

ج) شادی کرد (باب 7 آیات 59 تا 60)

3. پولس و برنابا

أ) موعظه کردند (باب 13 آیات 14 تا 43)

ب) جفا دیدند (باب 13 آیات 44 تا 50)

ج) شادی کردند (باب 13 آیات 51 تا 52)

4. پولس و سیلاس

أ) موعظه کردند (باب 16 آیات 11 تا 18)

ب) جفا دیدند (باب 16 آیات 19 تا 24)

ج) شادی کردند (باب 16 آیات 25 تا 34)

# درس 4

چراغهای درخشنده

گفتمان گروهی:

از اعضای گروه بخواهید با چشمان بسته در یک اتاق یا چند اتاق حرکت کنند. سپس سوال زیر را از گروه بپرسید: «این تمرین چه احساسی را در شما ایجاد کرد؟»

مقدمه:

وقتی عیسی به موعظه سر کوه ادامه می‌دهد، شاگردان با دقّت گوش می‌دهند. او مستقیماً به آنها نگاه می‌کند و اعلام می‌کند که آنان نمک جهان و نور جهان هستند. سپس عیسی با دست راست خود به سمت غرب اشاره می‌کند. شاگردان به آن سمت، می‌نگرند، تا اینکه چشمان آنها به بالای تپه به شهر «زِفات» خیره می‌شود که در فاصله سیزده کیلومتری آنجاست. در همان حال عیسی به آنها می گوید: " *شهری که بر کوهی بنا شود، نتوان پنهان کرد*."

مطالعه آیات کتاب مقدس:

چراغهای درخشنده

موعظه سر کوه

انجیل متی باب 5 آیات 13 تا 16

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

"شما نمک جهانید. امّا اگر نمک خاصیتش را از دست بده چگونه می‌توان آن را باز نمکین ساخت؟ دیگر به کاری نمی‌آید جز آنکه بیرون ریخته شود و پایمالِ مردم گردد." "شما نور جهانید. شهری را که بر فراز کوهی بنا شده، نتوان پنهان کرد. هیچ‌کس چراغ را نمی‌افروزد تا آن را زیر کاسه‌ای[[27]](#footnote-27) بنهد، بلکه آن را بر چراغدان می‌گذارد تا نورش بر همۀ آنان که در خانه‌اند، بتابد. پس بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا کارهای نیکتان را ببینند و پدر شما را که در آسمان است، بستایند."

فرمان:

* بگذارید نور شما بر مردم بتابد تا اعمال نیکوی شما را دیده، پدر شما را که در آسمان است تمجید نمایند.

بحث گروهی:

1.به نظر شما چرا عیسی شاگردان خود را نمک جهان می‌خواند؟

أ) نمک به عنوان نشانه عهد و پیمان با خدا، استفاده میشد. شاگردان باید نشانه­ای در جهان باشند که خدا با مردم عهد بسته است.

ب) نمک یک ماده نگهدارنده است که از تجزیه و فساد غذا جلوگیری می‌کند. شاگردان می­بایست زندگی مردم را حفظ کرده و به آنها کمک کنند تا از فساد گناه پاک، و عاری از خطا باشند.

ج) نمک چاشنی‌ای است که به زندگی طعم می‌بخشد. شاگردان می­بایست به وسیله برکت دادن، به زندگی دیگران ارزش بدهند.

2.چگونه نمک مزه­اش را از دست می‌دهد؟

أ)نمک طعم خود را بواسطه تماس طولانی مدت با هوا از دست می‌دهد، اما فقط سطح خارجی آن بی مزه می‌شود.

ب)نمکی که در زمین نگهداری می‌شود طعم خود را از دست نمی‌دهد. منبع نمکِ شاگردان باید در خاک قلب پنهان شود.

ج) نمک در قلب نشان دهنده حکمت خداست که در درون یک فرد قرار دارد. نمک در قلب با گفتن کلمات پاشیده می‌شود. کلیسای کاتولیک هنوز بسیاری از کودکان را با قرار دادن نمک روی لب یا دهانشان تعمید می‌دهد تا نشانه این باشد که حکمت خدا در درون آنان ساکن است.

3.چگونه می‌توانید به فردی اطلاع دهید که نابینا است؟

4. برخی از کارهایی که نور انجام می‌دهد چیست؟

أ) نور تاریکی را از بین می‌برد.

ب) نور چیزهای پنهان را آشکار می‌کند.

ج) نور افراد را قادر می‌سازد تا ببینند و فعالیتهایشان را برای دستیابی به نیازهایشان هماهنگ کنند.

د) نور به افراد کمک می‌کند که چیزهای مختلف را تشخیص دهند.

درس:

وقتی عیسی که این جملات را درباره نور می‌گوید، شاگردان گوش می‌دهند و سوالاتی در ذهن آنها شکل می‌گیرد. چرا عیسی آنها را نور جهان می‌­نامد؟ چه نوری دارند؟ چگونه می‌توانند اجازه دهند این نور بتابد تا مردم بتوانند خدا را در آسمان جلال دهند؟ عیسی در مورد چه چیزی صحبت می‌کند؟ شاگردان با پیشرفت در یادگیری، به پاسخ سوالاتشان دست می­یابند.

وقتی عیسی این فرمان را به شاگردانش می‌‌داد، او به «نور شما» اشاره کرد. شاگردان دریافتند که تنها نوری که آنها داشتند، خود عیسی بود. یوحنای رسول در این باره در جملات آغازین انجیل خود نوشت. *"در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛ همان در آغاز با خدا بود. همه چیز به واسطۀ او پدید آمد، و از هرآنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت. در او حیات بود و آن حیات، نور آدمیان بود. این نور در تاریکی می‌درخشد و تاریکی آن را درنیافت. مردی آمد که از جانب خدا فرستاده شده بود؛ نامش یحیی بود. او برای شهادت دادن آمد، برای شهادت بر آن نور، تا همه به واسطۀ او ایمان آورند. او خودْ آن نور نبود، بلکه آمد تا بر آن نور شهادت دهد. آن نور حقیقی که به هر انسانی روشنایی می‌بخشد، براستی به جهان می‌آمد."* یوحنای رسول همچنین مطالبی را که عیسی در مورد خودش بیان کرد ثبت نمود: *سپس عیسی دیگر بار با مردم سخن گفته، فرمود:* *"من نور جهانم. هر که از من پیروی کند، هرگز در تاریکی راه نخواهد پیمود، بلکه از نورِ زندگی برخوردار خواهد بود."*[[28]](#footnote-28)

عیسی شاگردان خود را به این دلیل که به او ایمان آوردند و راه نجات را اعلام کردند نور جهان نامید. پولس رسول این نکته را در نامه خود به فیلیپیان بیشتر توضیح می­دهد:

"*هر کاری را بدون غرغر و مجادله انجام دهید، تا بی‌پیرایه و بی‌آلایش، و فرزندان بی‌عیب خدا باشید، در بین نسلی کج‌رو و منحرف که در میانشان همچون ستارگانْ در این جهان می‌درخشید، همچنان که کلام حیات را استوار نگاه داشته‌اید. در این صورت، می‌توانم در روز مسیح مباهات کنم که بیهوده ندویده و عبث محنت نکشیده‌ام.*"[[29]](#footnote-29)

عیسی به شاگردان خود گفت که باید اجازه دهند نور آنها به گونه‌ای بتابد که مردم اعمال نیک آنها را ببینند و این اعمال نیک به نوبه خود باعث می‌شود که مردم خدا را ستایش کنند. درک اینکه اعمال نیک چیست؟ نیاز به بصیرت دارد، زیرا اگر مردم اعمال نیک خود را انجام دهند، آنها هستند که بخاطرش ستوده می‌شوند نه خدا.

اولین سرنخ برای درک اینکه اعمال نیک چیست، در متی باب 19 آیات 16 تا 17 یافت می شود: *"روزی مردی نزد عیسی آمد و پرسید: «استاد، چه کار نیکویی انجام دهم تا حیات جاویدان داشته باشم؟» پاسخ داد: چرا دربارۀ کار نیکو از من سؤال می‌کنی؟ تنها یکی است که نیکوست. اگر می‌خواهی به حیات راه یابی، احکام را به جای آور*." عیسی نیکویی را فقط با خدا یکی می‌داند! بنابراین، اعمال نیکو آنهایی هستند که خدا آنها را انجام می­دهد نه انسانها.

انسانها وقتی کارهای خدا را اعلام می‌کنند، نیکو عمل می‌کنند و این، نیکی مطلق یا پارسایی است! دو آیه از مزمور این نکته را کاملاً روشن می‌کند. مزمور 73 آیه 28 می‌گوید: *"و امّا مرا نیکوست که به خدا نزدیک باشم. خداوندگار یهوه را پناهگاه خود ساخته‌ام تا همه کارهای تو را بازگویم*.*"*  و مزمور 78 آیه 4 اعلام می‌کند: *"آنها را از فرزندان ایشان پنهان نخواهیم کرد، بلکه کارهای ستوده خداوند را، به نسل آینده باز خواهیم گفت؛ همچنین قدرت او را، و شگفتی‌هایی را که به انجام رسانده است."*

سرنخ نهایی در انجیل یوحنا باب 6 آیات 28 تا 29 یافت می‌شود. جمعیت کثیری از عیسی پرسیدند، *"چه کنیم تا کارهای پسندیدۀ خدا را انجام داده باشیم؟ عیسی در پاسخ گفت: «کار پسندیدۀ خدا آن است که به فرستادۀ او ایمان آورید."*  کتاب مقدس نشان می‌دهد که اعمال نیک شامل: ایمان به عیسی مسیحِ خداوند و اعلام آنچه خدا انجام داده است، می‌باشد.

پولس رسول این نکات را در دوم قرنتیان باب 4 آیات 4 تا 6 خلاصه کرد. *"خدای این عصر ذهنهای بی‌ایمانان را کور کرده تا نورِ انجیلِ جلالِ مسیح را که صورت خداست، نبینند. زیرا ما خود را موعظه نمی‌کنیم، بلکه عیسی مسیح را به عنوان خداوند موعظه می‌کنیم، و از خودْ تنها به‌خاطر عیسی، و آن هم فقط به عنوان خادم شما سخن می‌گوییم. زیرا همان خدا که گفت: «نور از میان تاریکی بتابد،» نور خود را در دلهای ما تابانید تا شناخت جلال خدا در چهرۀ مسیح، ما را منّور سازد."* رسولان اعمال خود را اعلام نکردند، بلکه فقط خادمیِ خود را اعلام کردند. آنها عیسی مسیح، را به عنوان خداوند موعظه کردند و وقتی موعظه کردند، نور درخشید.

بحث گروهی:

5. عیسی در گفتگوی خود با شاگردان درباره نور، این احتمال را داد که نور می­تواند پنهان شود. آیا مسیحیان نور خود را پنهان می‌کنند و اگر چنین است ، چرا؟ (امثال سلیمان باب 24 آیات 11 تا 12)

6. در انجیل یوحنا باب 3 آیات 18 تا 20، عیسی اعلام می‌کند که مردم به طرف نور نمی­آیند بلکه تاریکی را ترجیح می‌دهند زیرا اعمال آنها بد است. با توجه به گفته‌های او، وظایف شما به عنوان نور یا چراغ چیست؟ (افسسیان باب 5 آیات 11 تا 12)

نکته درس:

وقتی عیسیِ خداوند را به دیگران بشارت می‌دهید، نور شما درخشنده می‌شود.

فعالیت:

نور و نمک باشید. شهادت دهید که عیسی مسیح، خداوند است ویا به کسی کمک کنید تا بفهمد کور است. آنچه را که در جلسه بعدی گروه اتفاق افتاد، گزارش دهید.

# درس ۵

عیسی، تکمیل کننده شریعت و نوشته‌های انبیاء

گفتمان گروهی:

سوالات زیر را در گروه مطرح کنید:

* برخی از انواع مختلف قوانین را نام ببرید.(قوانین طبیعت، قوانین اخلاقی یا علمی، قوانین والدین، قوانین حکومتی و قوانین خدا)
* چه کسی قوانین را وضع می‌کند؟ (کسانی که صاحب قدرت یا اقتدار هستند)
* به نظر شما چرا ما قوانین داریم؟ (برای تعیین مرزها، ارائه دستورالعمل‌ها، داشتن توافق در اجتماع، ایمنی شهروندان و ترویج خداپرستی)
* آیا تا به حال قانونی را زیر پا گذاشته‌اید و اگر چنین است نتیجه آن چه بوده است؟
* به چه دلیل، برای نقض قوانین، مجازات وجود دارد؟ (به دلیل برقراری نظم و ترتیب و تأدیب رفتار نامناسب)

مقدمه:

اکثر مردم در باور و ایمان یهودی بزرگ نشده‌اند. بنابراین برای درک اینکه عیسی در مورد چه چیزی صحبت می‌کند و شاگردان چه برداشتی از سخنان او دارند، به برخی اطلاعات اولیه نیاز است. عیسی در موعظه سر کوه تعلیم خود را با صحبت درباره شریعت و نوشته‌های انبیاء ادامه می‌دهد. بگذارید از آنجا شروع کنیم.

کتاب مقدسی که ما امروز می‌شناسیم شامل شصت و شش کتاب است که به دو قسمت تقسیم شده است. این دو قسمت به عنوان عهد عتیق و عهد جدید شناخته می‌شوند. عهد جدید شامل بیست و هفت کتاب است و مجموعه‌ای از نوشته‌های مختلف است که در مدت هفتاد سال پس از مرگ عیسی ایجاد شده است. در سال 397 میلادی، شورای کارتاژ، عهد جدید را هم به عنوان کتاب مقدس تصویب کرد.

عهد عتیق شامل سی و نه کتاب می­باشد. که مجموعه ای از نوشته‌های مختلف است و در طی یازده قرن ایجاد شده است که با توراتِ موسی شروع می‌شود. در زمان عیسی، این سی و نه کتاب، در مجموع کتاب مقدس بود و هر نویسنده در عهد جدید (در زمان عیسی)از کتاب مقدس صحبت می‌کرد، تنها به عهد عتیق اشاره می‌کرد.

یهودیان کتاب مقدس را به سه قسمت تقسیم می کنند. این سه قسمت شامل: ۱ـ تورات ۲ـ نوییم و ۳ـ کتوویم است. در زبان عبری کتاب مقدس «تنخ» نامیده می‌شود که مخففی از حروف اول سه قسمت تشکیل دهنده‌ی کتاب مقدس است.

1. تورات، قسمت اول کتاب مقدس و به معنی «شریعت موسی» است. تورات شامل پنج کتاب موسی یا اسفار پنجگانه (پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تَثنیه) است.

2. نوییم، قسمت دوم کتاب مقدس است و به معنی «کتاب انبیاء» است. این بخش شامل کتابهای تاریخی (یوشَع، داوران، اول و دوم سموئیل و اول و دوم پادشاهان)، انبیاء کبیر (اِشعیا، اِرمیا و حِزقیال)و انبیاء صغیر (هوشَع، یوئیل، عاموس، عوبَدیا، یونس، میکاه، ناحوم، حَبَقوق، صَفَنیا، حَجَّی، زکریا و مَلاکی)است.

3. کـتوویم دسته سوم است و به معنی «مکتوبات یا نوشته‌ها» است. در نوشته­ها، پنج طومار (جامعه، روت، اِستر، غزلِ غزل­ها و مراثیِ ارمیا) و سایر نوشته ها (اول و دوم تواریخ، عِزرا، نِحِمیا، ایوب، مزامیر، امثال سلیمان و دانیال) آمده است.

تورات[[30]](#footnote-30) (شریعت موسی) شامل ششصد و سیزده قانون می­باشد. که سیصد و شصت و پنج مورد، قانون منفی برای نهی کردن است. طبق گفته خاخام های یهودی، این ظاهراً با تعداد سیاهرگ­های بدن یا روزهای یک سال مطابقت دارد و همچنین دویست و چهل و هشت قانون مثبت در آن وجود دارد که با تعداد استخوان­های بدن مطابقت دارد. هدف استخوان‌ها ایجادِ یک ساختار برای اندام بدن است. و هدفِ سیاهرگ­ها حمل خون می‌باشد و "حیات در خون است". قوانین خدا، حیات و ساختار اندام بدن را با هم، برای فرد با شیوه‌ای که بتواند 365 روز در سال زندگی کند را فراهم می‌کند. این قوانین به دو دسته کلی تقسیم می‌شوند: رسومات مذهبی (قوانین مربوط به خدا) و مدنی (قوانین مربوط به رابطه انسانها نسبت به یکدیگر). ده فرمان همه این قوانین را خلاصه می‌کند و در خروج باب 20 آیات 1 تا 17 آمده است.

هنگامی که موسی از کوه سینا پایین آمد، ده فرمان را که روی دو لوح سنگی نوشته شده بود، ارائه کرد. پنج فرمان بر روی هر لوح نوشته شده بود. (به چیدمان دو لوح در انتهای این درس مراجعه کنید) پنج قانون اول به رابطه انسان با خدا و پنج قانون دوم به رابطه انسانها با یکدیگر می­پردازد. هر مجموعه پنج تایی به ترتیب نزولی از بزرگترین به کوچکترین لیست شده است. دلیل این نوع لیست گذاری این بود که اگر شخصی کوچکترینِ احکام را زیر پا بگذارد، در مسیری قرار می‌گیرد که منجر به شکستن بزرگترین فرمان می‌شود.

در اولین مجموعه‌ی پنج تایی، پنجمین فرمان این است: "پدر و مادر خود را احترام‌ نما." اگر شخصی آن فرمان را زیر پا بگذارد منجر به شکستن اولین فرمان می‌شود: "تو را خدایان‌ دیگر غیر از من‌ نباشد." زیرا اگر کسی به والدین خود که خدا بر او مقرر کرده است احترام نگذارد، او به خدا نیز احترام نگذاشته است زیرا خودخواه شده و خود را خدا می‌داند.

در مجموعه دوم پنج تایی، فرمان دهم این است: "به‌ هیچ‌ چیزی‌ که‌ از آن‌ دیگری باشد، طمع‌ مکن‌"

اگر شخصی آن فرمان را زیر پا بگذارد، منجر به نقض فرمان ششم می‌شود، "قتل مکن". ماجرا از این قرار است. وقتی فردی طمع می‌کند، برای بدست آوردن هدف خود دست به هر کاری می­زند. به عنوان یک مثال در این مورد می‌توان به سارق بانک اشاره کرد، که در حین سرقتِ مسلحانه شخصی را می­کشد. او به چیزی که صاحب آن نیست، طمع می‌ورزد، و سپس آنچه را که می­خواهد می­دزدد و سرانجام با به قتل رساندن کسی، برای بدست آوردن آن چیز، نقشه‌اش را به پایان می‌رساند.

ده فرمان را می‌توان در دو فرمان خلاصه کرد. وقتی از عیسی سوال می‌کردند که بزرگترین فرمانها در شریعت کدام است، او با استناد به دو آیه از کتاب مقدس پاسخ داد: تثنیه باب 6 آیه ۵ و لاویان باب 19 آیه 18. *"* ***خداوند خدای خود را با تمامی دل و با تمامی جان و با تمامی فکر خود محبت نما****."* این نخستین و بزرگترین حکم است. دوّمین حکم نیز همچون حکم نخستین، مهم است: *"****همسایه‌ات را همچون خویشتن محبت نما"***. این دو حکم، اساس تمامی شریعت موسی و نوشته‌های پیامبران است.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

عیسی، تکمیل کننده شریعت و نوشته های انبیاء

موعظه سر کوه

انجیل متی باب ۵ آیات 17 تا 20

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

گمان مبرید که آمده‌ام تا تورات و نوشته‌های پیامبران[[31]](#footnote-31) را باطل سازم. نیامده‌ام تا آنها را باطل [[32]](#footnote-32) نمایم، بلکه آمده‌ام تا تحققشان بخشم.[[33]](#footnote-33) زیرا آمین، به شما می‌گویم، تا آسمان و زمین زایل نشود، همزه یا نقطه‌ای از تورات هرگز زایل نخواهد شد، تا اینکه همه واقع شود. پس هر که لغو یا فسخ کند[[34]](#footnote-34) یکی از کوچکترینِ این احکام[[35]](#footnote-35) را و به مردم نیز چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده خواهد شد. امّا هر که این احکام را اجرا کند[[36]](#footnote-36) و آنها را به دیگران بیاموزد، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد. زیرا به شما می‌گویم، تا پارسایی[[37]](#footnote-37) شما بر پارسایی کاتبان و فریسیان افزون نشود، به ملکوت آسمان هرگز داخل نخواهید شد.

فرمان:

* گمان مبرید که آمده‌ام تا شریعت یا نوشته‌های انبیاء را باطل سازم. نیامده‌ام تا باطل نمایم، بلکه تا به انجام برسانم.

بحث گروهی:

1. امروزه بسیاری در کلیسا می‌گویند که مسیحیان دیگر زیر شریعت نیستند، بلکه زیر فیض هستند. شما از این جمله چه چیزی برداشت می‌کنید؟

درس:

عیسی نمی‌خواهد شاگردانش فکر کنند که او همه چیزهایی را که به آنها تعلیم داده شده است را کنار می‌گذارد تا آیین خود را تأسیس کند. او این کار را نمی‌کند! اما مانند پدر و مادر نسبت به فرزندان، می‌خواهد آنها در حکمت و فهم رشد کنند.

هنگامی که عیسی در مورد شریعت و نوشته‌های انبیاء، صحبت می‌کرد، او فقط در مورد چند مورد از قوانین شریعت و نبوت‌ها صحبت نمی‌کرد بلکه او در مورد کل آنچه که در کتاب مقدس نوشته شده بود صحبت می‌کرد. اشاره عیسی به تمام چیزهایی بود که پدرش وضع کرده بود(شریعت) و همه چیزهایی که پدرش می‌خواست به وقوع بپیوندد(نوشته‌های انبیاء). و عیسی اعلام کرد که تنها اوست که آنها را برآورده خواهد کرد!

عیسی پس از رستاخیزش از مردگان، در مقابل دو تن از شاگردان خود در حالی که در راه عِمائوس بودند ظاهر شد. *"سپس از موسی* *و همۀ انبیا آغاز کرد و آنچه را که در تمامی کتب مقدّس دربارۀ او گفته شده بود، برایشان توضیح داد*.*"*[[38]](#footnote-38) هیچ انسان معمولی نمی‌توانست تمام آنچه که در کتاب مقدس نوشته شده بود را به طور کامل انجام دهد، تنها کسی که کتاب مقدس در مورد او شهادت داده است، کلام خدا، خود او، یعنی عیسیِ خداوند می‌باشد.

انجیل به روایت یوحنای رسول با این شهادت از عیسی آغاز می‌شود. «*در آغاز کلام بود و کلام با خدا بود و کلام، خدا بود؛ همان در آغاز با خدا بود. همه چیز به واسطه او پدید آمد،و از هر آنچه پدید آمد، هیچ چیز بدون او پدیدار نگشت.*[[39]](#footnote-39) کلمات یوحنا سرشار از معنی هستند، اما درک آن دشوار است. بیایید سعی کنیم آنها را دریابیم.

آیا به یاد دارید کتاب مقدس چگونه شروع می شود؟ *"در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید"*. به یاد دارید چطور آفریده شدند؟ خدا گفت و آنها هستی یافتند. همه چیز با کلام او به وجود آمد. به گفته یوحنا، عیسی «کلام» خداست. ممکن است بگویید که عیسی نیروی خلق کننده پشت هر یک از افکار و برنامه‌های خداست. او همه چیز را به وجود آورد! خدا همه چیز را از طریق پسرش، کلام خدا خلق کرد.

کتاب مقدس افکار و نقشه‌های آشکار شده‌ی پدر ما، در آسمان است و این به کلام خدا بستگی دارد که آنها را تحقق بخشد. زیرا چیزی غیر از او آفریده نشده است. ما کلام خدا را با نامی که در هنگام تولد به او داده شد، عیسی یا یشوآ یا جاشوآ می‌شناسیم. معنای این اسم «من نجات هستم» یا «نجاتِ خدا» می­باشد. قوم خدا نیز به کلام خدا به عنوان عمانوئیل یا «خدا با ما» اشاره می‌کردند. اما کلام خدا چیزی فراتر از، فقط عیسی یا عمانوئیل است. او پسر خداست، خالق همه چیز و با خدا برابر است، یعنی با پدرش. او مظهر تمام آنچه خدا هست می­باشد.

از آنجایی که کلام خدا و پدر یکی هستند، چگونه می‌توان آنها را از هم جدا کرد؟ آنها از هم جدا شدنی نیستند. کلام خدا همیشه با پدر هماهنگ است و نمی‌تواند کاری جز اراده او انجام دهد. در یوحنا باب 4 آیه 34 عیسی به شاگردان خود می‌گوید: "*غذای من این است که اراده‌ی فرستنده خود را انجام دهم و کار او را به انجام برسانم*."

و این مفهوم یگانگی، اتحاد و هماهنگی را به انسان منتقل می‌کند، زیرا ما به شباهت خدا آفریده شدیم. و چون ما به شکل او آفریده شده­ایم، خدا نمی‌خواهد که ما دروغ بگوییم. دروغ، موجب نابودی هماهنگی، اتحاد و یگانگی می‌شود. عیسی به شاگردانش هشدار داد کاری را انجام دهند که از آنها خواسته است، زمانی که به آنها گفت: "*بله شما بله باشد و نه شما نه*."[[40]](#footnote-40) وقتی شخصی از دستورات خدا اطاعت نمی‌کند، چهره خدا را خدشه­دار می‌کند. هیچ یگانگی، اتحاد و هماهنگی در آن شخص با خدا وجود ندارد زیرا گفتار او با اعمال او همخوانی ندارد.

همانطور که عیسی به صحبت خود ادامه می‌دهد، به شاگردان خود اطمینان می‌دهد که شریعت تا زمانی که همه چیز در آن تحقق نیابد، از بین نخواهد رفت. همه احکام در شریعت روحانی، مقدس و نیک هستند. به این فکر کنید که «کدام یک از قوانین برای مردم خوب نیست؟» اگر قوانین نیکوست، پس خدایی که آنها را داده است نیکوست، و آنها را حذف نمی‌کند.

عیسی در ادامه می‌فرماید: *"پس هر که یکی از کوچکترینِ این احکام را لغو یا فسخ کند و به مردم چنین تعلیم دهد، در ملکوت آسمان کمترین شمرده شود. امّا هر که به آن عمل کند و آنرا تعلیم دهد، او در ملکوت آسمان بزرگ خوانده خواهد شد*.*"* آیا در سخنان او نکته جالبی مشاهده کردید، یک شخص می‌تواند در ملکوت آسمان باشد بااینکه احکام را رعایت نکرده و حتی به دیگران نیز چنین تعلیم داده است، بنابراین رعایت یا عدم رعایت احکام شرط ماندن در ملکوت آسمان نیست. اما رعایت آنها، رتبه شخص را در ملکوت آسمان تعیین می‌کند.[[41]](#footnote-41)

اظهار بعدی عیسی مثل یک بمب صدا کرد! *"زیرا به شما می‌گویم، تا پارسایی شما برتر از پارسایی فَریسیان و کاتبان نباشد، هرگز به پادشاهی آسمان راه نخواهید یافت."* ورود به ملکوت آسمان را نمی‌توان با حفظ قوانین شریعت و احکام به دست آورد. عیسی گفت که پارساییِ بزرگتر از کاتبان و فریسیان، که سعی می‌کردند هر قانون شریعت را به طور کامل رعایت کنند، لازم می­باشد. این پارسایی به چه معناست؟

پولس رسول در رومیان باب 4 آیه 3 و 9 به این سؤال پاسخ می‌دهد. *"****زیرا کتاب چه می‌گوید؟ ابراهیم به خدا ایمان آورد و این برای او پارسایی شمرده شد***.*"* ابراهیم نه تنها ایمان داشت که خدا وجود دارد، بلکه به آنچه خدا گفته بود نیز ایمان داشت. ابراهیم به کلام خدا ایمان آورد. عیسی کلام خداست. ابراهیم به خدا و کلام او(پدر و پسر) اعتماد کرد. این اعتماد، باور یا اطمینان را ایمان می‌نامند. «ایمان برای ابراهیم به عنوان پارسایی شمرده شد».

نکته درس:

عیسی مسیح، تمام الزامات شریعت و نوشته های انبیاء را برآورده نمود. یک فرد با انجام این الزامات وارد ملکوت آسمان نمی‌شود، بلکه با ایمان و توکل به عیسی مسیح، کلام خدا، به ملکوت آسمان وارد می‌شود.

فعالیت:

در جلسه بعدی گروه، هر موردی را که شما از روی محبت، انگیزه‌ی عمل، برای خدا یا شخص دیگری، را داشتید، گزارش دهید.

ده فرمان

**لوح 1. محبت به خدا**

1."تو را خدایان‌ دیگر غیر از من‌ نباشد."

۲."هیچ تمثیلِ تراشیده‌ای برای خود مساز، خواه به شکل هرآنچه بالا در آسمان باشد و یا پایین بر زمین و یا در آبهای زیر زمین. در برابر آنها سَجده مکن و آنها را عبادت منما؛ زیرا من، یهوه خدای تو، خدایی غیورم که جزای تقصیرات پدران را به فرزندان و پشت سوّم و چهارمِ آنان که مرا نفرت کنند می‌رسانم، اما کسانی را که مرا دوست بدارند و فرمانهایم را حفظ کنند، تا هزار پشت محبت می‌کنم.‌"

۳."‌نام یهوه خدایت را به ناشایستگی مبر، زیرا خداوند کسی را که نام او را به ناشایستگی بَرَد بی‌سزا نخواهد گذاشت."

4." روز شَبّات را به یاد داشته باش و آن را مقدس شمار. شش روز کار کن و همۀ کارهایت را انجام بده، اما روز هفتم، شَبّاتِ یهوه خدای توست. در آن هیچ کار مکن، نه تو، نه پسر یا دخترت، نه غلام یا کنیزت، نه چارپایانت، و نه غریبی که درون دروازه‌های توست. زیرا خداوند در شش روز آسمان و زمین و دریا را با هرآنچه در آنهاست بساخت، اما روز هفتم فراغت یافت. از همین رو، خداوند روز شَبّات را برکت داده، آن را تقدیس فرمود."

۵."پدر و مادر خود را گرامی دار تا در سرزمینی که یهوه خدایت به تو می‌بخشد، روزهایت دراز شود."

**لوح 2.محبت به همسایه**

۶. "قتل مکن."

7. "زنا مکن"

۸. "دزدی مکن."

9. "بر همسایه (همنوع) خود شهادت‌ دروغ‌ مده‌"

۱۰."به‌ خانۀ همسایۀ خود طمع‌ مورز، و به‌ زن‌ همسایه‌ات‌، یا غلام و کنیزش‌، یا گاو و الاغش‌، یا هر چیزی دیگر او،‌ طمع‌ مدار."

# درس 6

فرونشاندن خشم

گفتمان گروهی:

در طول زندگی و رشد شما اختلافات در خانواده شما چگونه حل و فصل میشد؟

مقدمه:

مقدمه درس قبل مربوط به شریعت بود. شریعت موسی را می‌توان به ده فرمان خلاصه کرد، که به نوبه خود می‌تواند به دو بخش تجزیه شود: خدا را محبت نما و همسایه خود را محبت کن. در واقع کل شریعت را می‌توان تنها در یک کلمه خلاصه نمود، محبت.

پولس رسول این نظریه را در سخنان خود در مورد شریعت و فیض در رساله‌ای با عنوان غلاطیان ارائه می‌دهد. *"ای برادران،شما به آزادی فراخوانده شده‌اید؛ امّا آزادی خود را فرصتی برای ارضای نفس مسازید، بلکه با محبّت، یکدیگر را خدمت کنید. زیرا که تمامی شریعت در یک حکم خلاصه می‌شود و آن اینکه،* ***همسایه‌ات را چون خویشتن محبّت نما****. ولی اگر به گزیدن و دریدن یکدیگر ادامه دهید، مواظب باشید که بدست یکدیگر از میان نروید. امّا می‌گویم، به روح رفتار کنید، که تمایلات نفس را بجا نخواهید آورد. زیرا تمایلات نفس بر خلاف روح است و تمایلات روح بر خلاف نفس؛ و این دو بر ضد هم‌اند، بگونه‌ای که دیگر نمی‌ توانید هر آنچه را که می‌خواهید، بجا آورید. امّا اگر از روح هدایت شدید، دیگر زیر شریعت نخواهید بود*.*"*[[42]](#footnote-42)

همچنین، پولس در این آیات مستقیماً دو کلمه را به هم مرتبط می‌کند، روح و محبت. آنها برابر و یکی هستند. یوحنای رسول با این نظریه موافق است. انجیل یوحنا باب 4 آیه 24 می‌فرماید: *"خدا روح است و پرستندگانش می‌باید او را در روح و راستی بپرستد."* در اول یوحنا باب 4 آیه 8 او همچنین می‌گوید: "*و کسی که محبّت نمی‌کند، خدا را نشناخته است، زیرا خدا محبّت است*.*"*

پس از رستاخیز عیسی از مردگان، شاگردان، روح القدس را دریافت کردند. از روح خدا پر شدند! آنها پر از محبت بودند! ملکوت خدا یا حکومت خدا آمده بود تا در دل انسانها ساکن شود. آنها روح‌القدس را دریافت کردند زیرا اعتراف کردند که عیسی (کلام خدا) پسر خداست. یوحنای رسول این را در اول یوحنا باب 4 آیات 15 تا 16 به اختصار بیان می‌کند: *"هرکه اقرار می‌کند که عیسی پسر خداست، خدا در وی ساکن است و او در خدا. و ما محبّتی را که خدا در حق ما نموده است*، *دانسته و باور کرده‌ایم. خدا محبّت است و هرکه در محبّت ساکن است در خدا ساکن است و خدا در وی*.*"*

بعد از آنکه شخصی روح‌القدس را دریافت می‌کند از او انتظار می‌رود که در محبت زندگی کند. همانطور که پولس رسول می‌گوید: *"توسط روح هدایت شوید"*. و از آن به بعد دیگر قوانین فردی، بر او حاکم نیست و او تحت شریعت موسی نیست، بلکه تحت حکومت خداست. او فیض را دریافت کرده و محبت خدا در او ساکن می‌شود. او تحت شریعت روح است!

اینکه گفته می‌شود مسیحیان زیر شریعت نیستند، یک گفته نادرست و گمراه کننده است. شخصی که از هیچ قانونی تبعیت نمی‌کند، فردی یاغی است. به عبارت دیگر او برای خودش قانون گذار می­باشد و آنچه را که در نظر خودش درست است انجام می‌دهد. عیسیِ خداوند هشدار داد که در روزهای آخر، شرارت بیشتر خواهد شد و محبت مردم سرد خواهد شد. و پولس رسول هشدار داد که شخصی شریر ظهور خواهد کرد که پسرِ هلاکت است. شیطان یاغی بود او ویرانگر است و کسانی که شرارت می‌کنند فرزندان او هستند. مسیحیان باید زیر شریعت روح باشند، بنابراین، متعهد هستند که با محبت رفتار کنند.

عیسی در سراسر موعظه خود با صبر و حوصله به شاگردان خود مانند کودکان خردسال آموزش می‌دهد. او آنچه را که آنان می‌فهمند را می‌داند و باعث می‌شود که آن را در سطح عمیق‌تری بررسی کنند. عیسی از آنها می‌خواهد که بفهمند چه چیزی پشت شریعت است. شریعتِ روح یا انگیزه آن چیست؟ او از آنها می‌خواهد که گوش کنند و یاد بگیرند، تا به الگو و ارائه دهندگان محبت تبدیل شوند.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

فرونشاندن خشم

موعظه سر کوه

انجیل متی باب 5 آیات 21 تا 26

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده، ”قتل مکن، و هر که قتل کند، سزاوار محاکمه خواهد بود.“ امّا من به شما می‌گویم، هر که بر برادر خود خشم گیرد، سزاوار محاکمه است؛ و هر که به برادر خود ”راقا“[[43]](#footnote-43) گوید، سزاوار محاکمه در حضور شوراست؛ و هر که به برادر خود احمق[[44]](#footnote-44) گوید، سزاوار آتش جهنم بُوَد. پس اگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح، به‌یاد آوردی که برادرت از تو چیزی به دل دارد، هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما. با شاکیِ خود که تو را به محکمه می‌برد، تا هنوز با وی در راه هستی، صلح کن، مبادا تو را به قاضی سپارد و قاضی تو را تحویل نگهبان دهد و به زندان افتی. آمین، به تو می‌گویم که تا قِران آخر را نپردازی، از زندان به‌در نخواهی آمد.

فرمان:

* هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن و سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما.
* با شاکیِ خود که تو را به محکمه می‌برد، تا هنوز با وی در راه هستی، صلح کن.

بحث گروهی:

1. چه چیزی باعث عصبانیت شما می‌شود؟

2. معمولاً چه مدت عصبانی می‌مانید؟

۳. برادر تو چه کسی هست؟ چند مثال بزنید. (برادران کسانی هستند که، چه از طریق تولد ویا از طریق فرزندخواندگی، از نظر فیزیکی ویا از نظر روحانی، دارای پدر یا مادر یکسانی هستند)

درس:

عیسی این درس را با استناد به فرمان ششم، "*قتل مکن*" آغاز می‌کند. برخی از افراد معتقدند که این فرمان می‌گوید: «نباید آدم بکشی» و آن را به این معنا تفسیر می‌کنند که کسی در گرفتن جان دیگری مجاز نیست. اگر فردی این دیدگاه را برای خودش داشته باشد اشکالی ندارد. اما، کتاب مقدس در هر دو عهدِ عتیق و جدید از کلمات متفاوتی برای بیان این دو نظریه استفاده می‌کنند. قتل یک عمل عمدی است و مشمول مجازاتی است که توسط دولت اجرا می‌شود. مجازات ممکن است خودِ مرگ باشد. کشتنِ تصادفی شخصی قتل عمد نیست، قتل غیر عمد است. اگر برای دفاع از خود یا خانواده یا داراییتان مجبور به کشتن کسی شوید، قتلِ عمد نیست، دفاع از خود است. جنگ به خودی خود قتل نیست. اما با توجه شرایط، ممکن است که قتل کسی، در چارچوب جنگ اتفاق بیافتد.

در این درس، عیسی مفهوم مسئولیتِ فردی، را وسعت می­بخشد. او اعلام می‌کند که اعمال و انگیزه‌های یک فرد مورد قضاوت قرار می‌گیرد و اعمال شریرانه، مجازات خاص خود را دارد. در این درس عیسی الگوی مراحل ارتکاب قتل و تأثیراتش بر سه جزء بدن، یعنی «جسم، نفْس و روح» را در یک فرد آشکار می‌کند. سپس با بیان دستوراتی، برای جلوگیری از قتل، به درس پایان می‌دهد.

قتل همیشه از پیش طراحی شده است. مراحل ارتکاب قتل همیشه یکسان است. در برخی موارد، قتل به دلیل احساسات تعصبی شدیدِ قاتل، بسیار سریع اتفاق می‌افتد؛ و چون شخص فرصت کمی برای تامل و بررسی عواقب کار خود برای انصراف از قتل را داشته است، دادگاه‌ها معمولاً این نوع قتل را به عنوان «جنایت تعصبی» توصیف می‌کنند در نتیجه، دادگاه معمولاً در حکم خود آسان‌گیرتر است. در برخی موارد دیگر، قاتل به عمد و باآگاهی قبلی قتل را انجام می‌دهد و روند انجام آن به کندی پیش می‌رود؛ و چون شخص فرصت بیشتری برای تامل و بررسی عواقب کار خود را داشته، در دادگاه «قتل عمد» محسوب می‌شود و با شدت بیشتری با او برخورد می‌شود.

حتی در ارتکاب قتلی که به عنوان"جنایت تعصبی" توصیف می‌شود، شخص در همان فرصت کوتاه، مراحل ارتکاب قتل را حساب کرده است، اما از ارتکاب آن خودداری نکرده است، همانطور که خواهیم دید. به این معنا که آن از قبل برنامه ریزی شده است.

بیایید به مراحل فرآیندی که منجر به قتل می­شود نگاه کنیم. عیسیِ خداوند هر یک از آن مراحل را در متی باب 5 آیه 22 معرفی می‌کند. علائم هشدار دهنده‌ای در هر مرحله از فرآیند قتل وجود دارد و نتیجه‌ی آن مغلوب شدن در برابر گناه است.

اولین علامت هشدار دهنده در این فرآیند، عصبانیت نسبت به یک شخص است. همه چیز از «جسم» در بدن شروع می‌شود، یعنی یک خواهش جسمانی. بر طبق یعقوب باب 4 آیات 1 تا 3 که می‌گوید "*از کجا در میان شما جنگ و جدال پدید می‌آید؟ آیا نه از امیالتان که درون اعضای شما به ستیزه مشغولند؟۲ حسرت چیزی را می‌خورید، امّا آن را به دست نمی‌آورید. از طمع مرتکب قتل می‌شوید، امّا باز به آنچه می‌خواهید نمی‌رسید. جنگ و جدال بر پا می‌کنید، امّا به دست نمی‌آورید، از آن رو که درخواست نمی‌کنید!۳ آنگاه نیز که درخواست می‌کنید، نمی‌یابید، زیرا با نیّت بد درخواست می‌کنید تا صرف هوسرانیهای خود کنید*." دلایل جداگانه‌ای که خشم یک شخص را توجیه می‌کند به تعداد رنگ­های رنگین کمان متنوع است. اما در یک نکته خلاصه می‌شود: «من آنچه را که می‌خواهم ندارم، پس حق دارم عصبانی باشم».

دومین علامت هشداردهنده برای قتل، برای زمانی است که فردِ عصبانی، دیگری را تحقیر می‌کند. عیسی از اصطلاح «راقا» استفاده کرد که به معنای «به تو تُف می‌کنم» یا «تو را تحقیر می‌کنم» است. وسوسه‌ی قتل از طریق حرص در چشمان بوجود می‌آید و با «نفس» در بدن سروکار دارد. شخص خشمگین، با افکار نفسانی، خود را در موقعیتی برتر یا در جایگاهی بالاتر نسبت به دیگری می­بیند. بنابراین او حق دارد که دیگری را تحقیر کند. یعقوب باب 4 آیه 6 و 10 در مورد این موضوع صحبت می کند. "*بنابراین می‌گوید، خدا در برابر متکبّران می‌ایستد، امّا فروتنان را فیض می‌بخشد. در حضور خدا فروتن شوید، تا شما را سرافراز فرماید."*

سومین و آخرین علامت هشداردهنده برای قتل، زمانی است که شخص خشمگین و ناسزاگو، دیگری را به احمق بودن متهم می­کند. طبق کتاب مقدس، احمق فقط یک فرد نادان نیست، بلکه کسی است که در قلب خود می‌گوید خدایی وجود ندارد.[[45]](#footnote-45) وسوسه برای متهم کردن یا قضاوت از جانب «روح**»** می­آید و غرور زندگی نامیده می‌شود. این گناه شیطان است که برادران را به متهم کننده تبدیل می‌کند. شخص خشمگین و ناسزاگو، نقش خدا را بر عهده می­گیرد و در مورد قلب انسانها قضاوت می‌کند. سپس به عنوان قاضی می‌تواند حکمی را اجرا کند. یعقوب باب 4 آیات 11 تا 12 می‌گوید: *"ای برادران، از یکدیگر بدگویی مکنید. هر که از برادر خود بد گوید و یا او را محکوم کند، در واقع از شریعت بد گفته و شریعت را محکوم کرده است. و هر گاه شریعت را محکوم کنی، دیگر نه مجری، بلکه داورِ آن هستی! امّا تنها یک شریعتگذار و داور هست، همان که قادر است برهاند یا هلاک کند. پس تو کیستی که همسایۀ خود را محکوم کنی!"*

عیسی تفسیر خود را با به چالش کشیدن شاگردانش به پایان می‌‌رساند. آنها باید برای فرونشاندن خشم دیگران، در زمانی که علت عصبانیت، کوتاهی شاگرد است، عملکردی صحیح و موثر را انجام دهند. عیسی می‌خواهد که آنها در سازش باشند. و از آنها می‌خواهد که به سرعت صلح کنند و همچنین اشتباه خود را اصلاح کنند.

اولین دستور عیسی این است: "*پس اگر هنگام تقدیم هدیه‌ات بر مذبح، به‌یاد آوردی که برادرت از تو چیزی به دل دارد، هدیه‌ات را بر مذبح واگذار و نخست برو و با برادر خود آشتی کن، سپس بیا و هدیه‌ات را تقدیم نما*." منظور این است که پیش از آمدن به حضور خدا با کسی که از دست شما عصبانی است صلح کنید.

دستور دوم این است که: "*با شاکیِ خود که تو را به محکمه می‌برد، تا هنوز با وی در راه هستی، صلح کن، مبادا تو را به قاضی سپارد و قاضی تو را تحویل نگهبان دهد و به زندان افتی. آمین، به تو می‌گویم که تا قِران آخر را نپردازی، از زندان به‌در نخواهی آمد*." عیسی به سه نکته اشاره می کند: ۱ـ اینکه در هر صورت، صلح برای شما با ارزش خواهد بود، ۲ـ تصحیح اشتباه با اراده‌ی شخصی، باعث فروکش کردن عصبانیت و ایجاد فرصت برای دوستی می‌شود. اما اگر موضوع به دادگاه کشیده شود، عصبانیت فرد فروکش نمی­کند و حتی زمانی که او برنده قضاوت شود، دوست او نخواهید شد. ۳ـ با از بین بردن علت عصبانیت، شخص شما را تحقیر و داوری نمی­کند، بنابراین او را از گناه باز داشته­اید.

فعالیت:

الگوی قتل واضح است. حرص زدن باعث خشم می‌شود، غرور موجب تحقیر می‌شود و قضاوت موجب اتهام می‌شود که منجر به قتل می‌گردد. قتل با عصبانیت شروع می‌شود. کتاب مقدس توصیه‌های عملی ساده‌ای در برخورد با عصبانیت ارائه می‌دهد.

1*. با مرد تندخو معاشرت‌ مکن‌، و با شخص‌ کج‌خلق‌ همراه‌ مباش‌، مبادا راه‌های‌ او را بیاموزی و جان‌ خود را در دام‌ گرفتار سازی‌. (امثال باب 22 آیات 24 تا 25)*

2*. جواب‌ نرم‌ خشم‌ را برمی‌گرداند، اما سخنِ تند غضب را بر‌می‌انگیزد. (امثال باب 15 آیه 1)*

3. عقل *انسان‌ خشم‌ او را باز می‌دارد، جلال او درچشم پوشی از خطاست. (امثال باب 19 آیه 11)*

4. *هدیه‌ای‌ در نهان، خشم‌ را فرو می‌نشاند، و رشوه‌ای‌ زیر قبا‌، غضب‌ سخت‌ را فرو می‌نشاند*.  *(امثال باب 21 آیه 14)*

5. ***خشمگین باشید اما گناه مکنید****؛ مگذارید روزتان در خشم به سر رسد و ابلیس را مجال ندهید. (افسسیان باب 4 آیات 26 تا 27)*

در جلسه بعدی گروه، هر موقعیتی را که در آن مجبور به عصبانیت شدید و نحوه برخورد با آن را گزارش دهید.

# درس 7

وفادار بودن

مقدمه:

عیسی در موعظه سر کوه به تعلیم خود در مورد ارزش های خانواده در ملکوت خدا ادامه می‌دهد و موضوع بعدی خود را در قالب دو مورد زنا و طلاق بیان می‌کند.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

وفادار بودن

موعظه سر کوه

انجیل متی باب 5 آیات 27 تا 32

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

شنیده‌اید که گفته شده،"**زنا مکن**." امّا من به شما می‌گویم، هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است. پس اگر چشم راستت تو را می‌لغزاند، آن را به‌در‌آر و دور افکن،[[46]](#footnote-46) زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود. و اگر دست راستت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور‌افکن،[[47]](#footnote-47) زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود. «همچنین گفته شده که "**هر‌که زن خود را طلاق دهد، باید به او طلاقنامه‌ای بد**هد." امّا من به شما می‌گویم، هر که زن خود را جز به‌علت خیانت در زناشویی طلاق دهد، باعث زناکار شدن او می‌گردد؛ و هر که زن طلاق داده شده را به زنی بگیرد، زنا می‌کند.

درس:

امروزه بسیاری از مردم، درک درستی از مطالب کتاب مقدس در مورد زنا ندارند. در حقیقت طرز تفکر بسیاری از افراد در مورد زنا اینگونه است: «یک فرد متاهل با دیگری که همسر او نیست، رابطه جنسی برقرار می‌کند.» اگرچه این طرز تفکر نیز درست می‌باشد، اما قطعاً، آنچه که عیسی می‌گوید مفهومی فراتر از این عبارت را داراست.

کلمه عبری برای زنا، «نئوف» است و به معنای شکستن پیوند زناشویی می­باشد. و ما می­بینیم که این نقطه تمرکز آموزه عیسی است زیرا او مستقیماً موضوع زنا را با طلاق پیوند می‌دهد، که آن هم شکستن پیوند زناشویی می‌باشد. زنا مفهومی فراتر از روابط جنسی نادرست را شامل می‌شود و شامل شکستن یک عهداست.

بنابراین قبل از وقوع زنا، باید از قبل یک «عهد و پیمان» برقرار باشد. عهد و پیمان انواع مختلفی دارد که ازدواج یکی از آنهاست. کتاب مقدس همچنین از مردم در عهد با خدا صحبت می‌کند، قوم یهود در عهد عتیق و مسیحیان در عهد جدید.[[48]](#footnote-48) در درس بعد خواهیم دید که، عهدها از اصول مختلفی تشکیل شده‌اند.

ازدواج امری رایج است و به طور کلی برای همه قابل درک است. بنابراین عیسی از زنا در امر ازدواج استفاده می‌کند تا نشان دهد که چگونه عهد شکسته می‌شود و شکستن هر عهد معادل زنا است. او مراحل ارتکاب زنا را تشریح می‌کند تا به عنوان علائم هشدار دهنده، برای شاگردان عمل کند.

همانطور که زنا در رابطه زناشویی رخ می‌دهد، در رابطه روحانی نیز می‌تواند رخ دهد. هنگامی که زنا در یک رابطه روحانی رخ می‌دهد به آن «ارتداد»، برگشت از ایمان یا بت پرستی می‌گویند. سه نبی به نام‌های اِرمیا، حِزقیال و هوشَع اعلام کردند که بنی‌اسرائیل در عهدشان با خدا مرتکب زنا شدند. و در کتاب یعقوب مسیحیان نیز به همین موضوع متهم شده­اند. *"ای زناکاران، آیا نمی‌دانید که دوستیِ دنیا، دشمنی خداست؟ پس هرکه می‌خواهد دوست دنیا باشد، دشمن خدا می‌گردد*.‏"(‏یعقوب باب 4 آیه 4)

بیایید نگاهی دقیق‌تر به عهد ازدواج و چگونگی شکستن این عهد بیندازیم.

ازدواج، یک عهدنامه عمومی از یکی شدن است. این عمل، یکی شدنِ زن و مرد، از نظر جسمی، عاطفی و روحانی است و شامل یک توافق یا عهد بین این دو فرد است. آنها زندگیشان را به یکدیگر به ودیعه می‌گذارند و در اتحاد با هم زندگی می­کنند و نسبت به یکدیگر وفادار خواهند بود. ازدواج مستلزم تعهد، قول یا عهد است و خدا بر آن شاهد است.

طلاق نیز یک عهدنامه‌ی عمومی مبنی بر جدایی یا اتمام زندگی‌ دو نفری است که در ازدواج یکی‌شده بودند. انجام طلاق آخرین مرحله از شکست ازدواج و شکست یکی بودن است و نشان می‌دهد که زوجین پس از وقوع آن، دیگر در کنار هم زندگی نمی­کنند یا نسبت به یکدیگر وفادار نیستند.

وقتی شخص متاهلی با دیگری که همسرش نیست رابطه جنسی برقرار ‌می‌کند، آن شخص مرتکب زنا شده است. طبق فرهنگ لغت وبستر، لغت زناکردن به معنای فاسد کردن، تحقیر کردن یا نجس کردن در پیوند با یک ماده خارجی یا پست است. پس هرگاه یکی از زوجین غیر از شریک خود با دیگری همبستر شود ازدواجْ  
ناهمگون یا نجس می‌شود. از آنجایی که ازدواج دیگر در حالت اولیه و پاک نیست، زمینه­ای برای طلاق وجود دارد. اما اگر طرفِ رنجیده شده، طرف دیگر را ببخشد و زن و شوهر با یکدیگر آشتی کنند، لازم نیست ازدواج به طلاق ختم شود. ازدواج آنها به حالت اول بازگشته است و طلاق باعث شکست ازدواج آنها نشده است.

از نظر عیسی ازدواج مجدد با فردی که به هر دلیلی غیر از خیانت در رابطه جنسی طلاق گرفته باشد نیز زنا به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، ازدواج جدید با پیوند با ماده خارجی یا پست؛ فاسد، حقیر و نجس می‌شود. به یاد داشته باشید، اگر زنا دلیل طلاق باشد، آنگاه ازدواج از قبل فاسد، تحقیر و نجس شده است. عیسی فرمود: «*همچنین گفته شده که "****هر‌که زن خود را طلاق دهد، باید به او طلاقنامه‌ای بدهد****" امّا من به شما می‌گویم، هر که زن خود را جز به‌علت خیانت در زناشویی طلاق دهد، باعث زناکار شدن او می‌گردد؛ و هر که زن طلاق داده شده را به زنی بگیرد، زنا می‌کند.»[[49]](#footnote-49) "هر‌که زن خویش را طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است، و نیز هر که زنی طلاق داده شده را به زنی بگیرد، مرتکب زنا شده است*." (لوقا باب 16 آیه 18، مرقس باب 10 آیه 11)

فریسیان به خوبی از نقشی که طلاق در مورد زنا ایفا می‌کرد آگاه بودند و از عیسی در مورد آن سؤال کردند. آنها می‌خواستند بدانند که آیا اصلاً طلاق مرد از همسرش مشروع است؟ شرح کامل پاسخ عیسی در مرقس باب ۱۰ آیات 3 تا 12 یافت می‌شود. «*و عیسی در پاسخ گفت: "موسی چه حکمی به شما داده است؟" گفتند: موسی اجازه داده که مرد* ***طلاقنامه‌ای بنویسد و زن خود را رها کند****.»*

توجه: طبق شریعت موسی چهار دلیل برای طلاق وجود دارد. سه مورد اول کوتاهی کردن در تأمین 1ـ غذا 2ـ لباس 3ـ محبت زناشویی می‌باشد و مورد آخر ۴ـ زنا کردن است. این چهار بندی است که زوجین یهودی در ازدواج به آن متعهد می‌شوند. و این چهار مورد در بیشتر جوامع در زمان عیسیِ خداوند رایج بود.

اما عیسی به آنها فرمود: *"موسی به‌سبب سختدلی شما این حکم را برایتان نوشت. امّا از آغازِ خلقت،* ***خدا ایشان را مرد و زن آفرید. و از همین رو مرد پدر و مادر خود را ترک کرده، به زن خویش خواهد پیوست،و آن دو یک تن خواهند شد****. بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند، بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد.» چون در خانه بودند، شاگردان دیگر بار دربارۀ این موضوع از عیسی سوال کردند. عیسی فرمود: «هر‌که زن خود را طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، نسبت به زن خود مرتکب زنا شده است. و اگر زنی از شوهر خود طلاق گیرد و شوهری دیگر اختیار کند، مرتکب زنا شده است*.*"* پولس رسول این دیدگاه را در اول قرنتیان باب 7 آیات 10 تا 16 استحکام می‌بخشد.

نکته جالب وقتی پیش آمد که علما و فریسیان زنی را که در حین عمل زنا[[50]](#footnote-50) گرفتار شده بود نزد عیسی آوردند. عمل زنای آن چه بود؟ بیشتر بر این باورند که او زنی متاهل بوده که درگیر رابطه جنسی با مردی بوده است. امّا اگر چنین بود، آن مرد نیز باید طبق قوانین بنی‌اسرائیل سنگسار میشد، زیرا در اسرائیل این قانون وجود داشت.[[51]](#footnote-51) محتمل ترین سناریو این است که آن زن احتمالاً از شوهر اول خود طلاق گرفته و در حال ازدواج مجدد با مردی مجرد بوده است. امّا قبل از مراسم عروسی، در حال خیانت به زنا، دستگیر شد.

قسمت دوم این داستان به همان اندازه جالب است. بیایید ببینیم چه اتفاقی افتاد و چگونه عیسی با آن رفتار کرد.

"*موسی در تورات به ما حکم کرده است که چنین زنان سنگسار شوند. امّا تو چه می‌گویی؟ و این را گفتند تا او را بیازمایند و موردی برای متهم کردن او بیابند. امّا عیسی سر به زیر افکنده، با انگشت خود بر روی زمین می‌نوشت*." (انجیل یوحنا باب 8 آیات 5 تا 6)

شاید به همین دلیل عیسی از زبان ارمیا نبی این سخن را بیان کرد و کل اسرائیل را مورد خطاب قرار داد؛ *"زیرا همگی‌ ایشان‌ زناکار و جماعت‌ خیانت‌ پیشه‌اند."* (ارمیا باب 9 آیه 2)

ولی چون آنها همچنان از او سو‌یال می‌کردند، عیسی سر بلند کرد و بدیشان گفت: *"از میان شما، هر آن کس که بی‌گناه است، نخستین سنگ را به او بزند." و باز سر به‌ زیر افکنده، بر زمین ميلآنوشت. (یوحنا باب 8 آیات 7 تا 8)*

و سپس شاید عیسی مزمور باب 32 آیه 1 که از زبان داوود پادشاه نوشته شده، را پس از ارتکاب زنا با بَتشِبَع بیان کرد؛  *"خوشا به حال آن که عصیانش آمرزیده شد، و گناهش پوشانیده گردید."*

*با شنیدن این سخن، آنها یکایک، از بزرگترین شروع کرده، آنجا را ترک گفتند و عیسی تنها به جا ماند، با آن زن که در میان ایستاده بود. آنگاه سر بلند کرد و به او گفت: «ای زن، ایشان کجایند؟ هیچ‌کس تو را محکوم نکرد؟» پاسخ داد: «هیچ‌کس، ای سرورم.» عیسی به او گفت: «من هم تو را محکوم نمی‌کنم. برو و دیگر گناه مکن.»* (یوحنا باب 8 آیات 9 تا 11)

عیسی بلافاصله از موضوع قتل به موضوع زنا می‌پردازد. به نظر می‌رسد که او موضوعات را بکلی تغییر می‌دهد اما اینگونه نیست. موضوعی که او با آن سر و کار داشته، ریشه‌ی ‌غضب و زنا، یعنی طمع می‌باشد و طمع یعنی: آرزوی داشتن چیزی که مال شما نیست. عیسی طمع را به زنا متصل می‌کند زیرا این تمایل نامشروع به دیگری است که منجر به طلاق، شکست ازدواج یا یکی بودن می‌شود.

فرمان:

* اگر چشم راستت تو را می‌لغزاند، آن را به‌در‌آر و دور افکن.
* اگر دست راستت تو را می‌لغزاند،آن را قطع کن و دور‌افکن.

بحث گروهی:

1. اگر ازدواج کرده­اید، چه تعهداتی نسبت به آن دارید؟

2. شکستن ازدواج، ممکنه چه عواقبی را داشته باشد چیست؟

درس:

در مقدمه این درس، به برخی از مسائل حقوقی مربوط به زنا پرداخته شد. اما عیسی از شاگردانش می‌خواهد ریشه عواملی که موجب رخ‌دادن زنا می‌شود را بیابند. داستان داوود پادشاه و بَتشِبَع این علل را روشن می‌سازد و مسائل اخلاقی و حقوقی زنا را در تقابل با هم قرار می‌دهد. در ادامه، خلاصه‌ ‌یاین داستان آمده است.

داوود پادشاه، بَتشِبَع را که زنی متأهل و در حال استحمام بود را تماشا کرد. شریعت این کار را منع نکرده است. سپس داوود شروع به تماس فیزیکی با وی نمود. بعد هم رابطه جنسی برقرار کردند و او باردار شد. طبق شریعت، رابطه جنسی زنا ممنوع بود. داوود سعی کرد عواقب گناه خود، یعنی کودک متولد نشده را پنهان کند. اگر او راهی برای خروج از مخمصه پیدا نمی‌کرد، بَتشِبَع رسوا میشد و به احتمال زیاد طلاق داده مییشد و امکانش بود سنگسار شود.

داوود نقشه‌ای کشید تا اوریا، شوهر بَتشِبَع، که فرمانده ارتش و دور از جنگ بود، را به اورشلیم بازگردد. داوود از اوریا خواست تا زمانی که او در مرخصی ارتش در خانه به سر می­برد با بَتشِبَع رابطه جنسی داشته باشد تا به نظر برسد که نوزادی که در شکم اوست مال اوریاست. اما، اوریا با بتشبع رابطه جنسی برقرار ننمود. داوود متوجه شد درصورتیکه اوریا از بتشبع طلاق بگیرد، و داوود با او ازدواج کند همه خواهند دانست که او مرتکب زنا شده است.

بنابراین داوود نقشه دومی را طراحی کرد. او اوریا را به جنگ بازگرداند و به فرمانده دیگری دستور داد که اجازه دهد اوریا در جنگ کشته شود. در اینصورت به نظر می‌رسید که داوود واقعاً او را نکشته است. همچنین شرایطی بوجود می‌آمد که داوود حق ازدواج با بَتشِبَع را داشت چرا که شوهرش مرده بود و او طلاق نگرفته بود.اما، خدا از نیّت دل داوود آگاه بود و او را مورد داوری قرار داد.

عیسی همانگونه که در مورد موضوع قتل برخورد می‌کند، الگوی مراحلی که منجر به طلاق می‌شود را نیز ارائه می‌دهد، که به شکستن پیوند ازدواج ختم می‌شود. و هر یک از مراحل نیز به عنوان یک هشدار می‌باشد. سپس عیسی دستورالعمل هایی را برای غلبه بر وسوسه در هر مرحله صادر می‌کند. ارتکاب زنا به معنای بی وفایی به عهد است. و همه چیز با یک نگاه شروع می‌شود.

در متی باب 5 آیه 28 عیسی می‌گوید که هر که با شهوت به زنی بنگرد، همان دم در دل خود با او زنا کرده است، او مسئولیت گناه زنا را کاملاً بر دوش مرد می­گذارد. اگر مردی متاهل است یااز همسرش طلاق گرفته است، در وهله اول او نباید به دنبال این باشد که زن دیگری را به عنوان همسر خود انتخاب کند. ثانیاً مرد مجرد قبل از اینکه بخواهد با زنی ازدواج کند باید تحقیق کند که آیا آن زن متاهل است یا ازدواج کرده و یا مطلقه است. او آزاد است از بین زنانی که هرگز ازدواج نکرده‌اند یا زنانی که همسرشان فوت کرده است، زنی برای خود انتخاب کند.

وسوسه‌ای که منجر به انجام گناه زنا می‌شود از طریق شهوت چشم می­آید. این گناه از حسادت یا طمع می‌آید، تمایل داشتن چیزی یا کسی که متعلق به دیگران است و حق او نیست. که از نحوه‌ای که یک شخص به دیگری نگاه می کند، سرچشمه می‌گیرد. در جامعه آمریکایی اصطلاحی برای این نوع نگاه داریم. که می­گویند «چشماش از حسادت سبزه.» عیسی به شاگردانش راه‌حلی برای جلوگیری از نگاه شهوت انگیز می‌دهد. او به آنها دستور می دهد که چشم راست خود را بیرون بیاورند و اگر باعث لغزش آنها شد آن را دور بیندازند. این عبارت در گویش «آرامیک» به سادگی به این معناست: «حسادت یا طمع را کنار بگذارید.»

عیسی در ادامه می‌گوید: *"اگر دست راستت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور‌افکن، زیرا تو را بهتر آن است که عضوی از اعضایت نابود گردد تا آن که تمام بدنت به دوزخ افکنده شود*.*"* گام دوم برای ارتکاب زنا شامل در اختیار گرفتن شخص دیگر است. معمولاً این از طریق لمسی نامناسب اتفاق می­افتد. این یک شهوت نفسانی است. عیسی به شاگردانش دستور می‌دهد‌ که اگر دست راستشان باعث لغزش آنها شد دست راست خودشان را قطع کنند. این اصطلاح به معنای «دست از دزدی برداشتن» است. اکثر افرادی که در مسیر زنا هستند، تصور می­کنند که زنا یعنی با فردی غیر از همسر خود رابطه جنسی نامشروع داشتن. آنها هرگز خود را فردی حسود یا دزد ندانسته­اند.

آخرین مرحله و هشدار، آمیزش جنسی زناکارانه است. عیسی از شاگردانش می‌خواهد که به هر دلیلی غیر از زنا در رابطه، همسر خود را طلاق ندهند. در این مورد همسر با یکی شدن با شخص دیگر خودبه‌خود عهد ازدواج را از قبل شکسته است.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

عیسی درباره طلاق تعلیم می‌دهد

متی باب 19 آیات 1 تا 12 ، مرقس باب 10 آیات 1 تا 12

*گزیده ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

هنگامی که عیسی این سخنان را به پایان رسانید، جلیل را ترک گفت و از آن سوی رود اردن به نواحی یهودیه آمد. جمعیت انبوهی در پی او روانه شدند و او ایشان را در آنجا شفا بخشید. فَریسیان نزدش آمدند تا او را بیازمایند. آنان پرسیدند: "آیا جایز است که مرد زن خود را به هر علتی طلاق دهد؟" عیسی در پاسخ گفت: "مگر نخوانده‌اید که آفرینندۀ جهان در آغاز، **ایشان را مرد و زن[[52]](#footnote-52) آفرید** **واز** **همین رو مرد، پدر و مادر خود را رها کرده، به زن خویش خواهد پیوست و آن دو یک تن[[53]](#footnote-53) خواهند شد**؟ بنابراین، از آن پس دیگر دو نیستند بلکه یک تن می‌باشند. پس آنچه را خدا پیوست، انسان جدا نسازد." به وی گفتند: "پس چرا موسی امر فرمود **که مرد به زن خویش طلاقنامه بدهد و او را رها کند؟***"*[[54]](#footnote-54) ایشان را گفت: "موسی به سبب سختدلی شما اجازه داد که زن خود را طلاق دهید، امّا در آغاز چنین نبود. به شما می‌گویم، هر که زن خود را به علتی غیر از خیانت در زناشویی طلاق دهد و زنی دیگر اختیار کند، زنا کرده است." شاگردان به او گفتند: "اگر وضع مرد در قبال زن خود چنین است، پس ازدواج نکردن بهتر است!" عیسی گفت: "همه نمی‌توانند این کلام را بپذیرند، مگر کسانی که به ایشان عطا شده باشد. زیرا بعضی خواجه‌اند، از آن رو که از شکم مادر چنین متولد شده‌اند؛ بعضی دیگر به دست مردم مقطوع‌النسل گشته‌اند؛ و برخی نیز به‌خاطر پادشاهی از ازدواج چشم می‌پوشند. هر که می‌تواند این را بپذیرد، بگذار چنین کند."

ادامه درس:

زنای روحانی با خدا نیز همین مسیر را طی می‌کند. در مرحله اول، شخص به خدایان دیگر نگاه می‌‌کند یا به آنها تمایل پیدا می‌کند. در مرحله دوم آنها را خدمت می‌کند. در مرحله سوم نزد آنها دعا می‌کند. این عمل را ارتداد که به معنی دور شدن یا جدا شدن از خداست، می‌نامند. در کتاب مقدس به ما گفته شده است که اسرائیل زنا نمود. آنها به دنبال خدایان بیگانه رفتند و آنها را خدمت کردند.

خدا از اسرائیل خشنود نبود و حتی به پادشاهی شمالی حکم طلاق داد.[[55]](#footnote-55) با این وجود او با جایگزین نکردن قومی دیگر بجای اسرائیل، برای آنها شوهری وفادار باقی ماند. و صبورانه منتظر روزی بود که به سوی او بازگردند. خدا خود را به عنوان یک شوهر وفادار نشان داده است. در دوم تیموتائوس باب 2 آیات 11 تا 13، پولس در مورد وفاداری عیسیِ مسیح خداوند می‌نویسد: "*این سخن در خور اعتماد است که، اگر با وی مردیم، با او زیست هم خواهیم کرد. و اگر تحمّل کنیم، با او سلطنت هم خواهیم کرد؛ و هرگاه او را انکار کنیم، او نیز ما را انکار خواهد کرد. اگر بی‌وفا شویم، او وفادار خواهد ‌ماند، از آن رو که خود را انکار نتواند کرد*." راه و روش عشق وفاداری در روابط است.

بحث گروهی:

3. چگونه تعالیم عیسیِ خداوند درباره زنا، با دیدگاه‌های جامعه ما در تضاد است؟

نکته درس:

از نگاه شهوت انگیز بپرهیزید.

# درس 8

وفای به وعده‌ها

گفتمان گروهی:

اگر کسی به شما وعده‌ای داده و به آن عمل نکرده‌است را بگویید و چه احساسی در این مورد داشتید؟

مقدمه:

عیسی به آرامی بحث را از زنا به قسم خوردن به پیش می‌برد. او با اشاره به «بی وفایی» هم در ازدواج و هم در وفای به عهد، این دو موضوع را به هم پیوند می‌دهد.

برای یادگیری بهتر آنچه که عیسی در این درس درباره آن صحبت می‌کند، درک برخی از اصطلاحات مرتبط با کتاب مقدس، ضروری خواهد بود.

تعاریف

1. «سوگند خوردن» به معنای گفتن یا شهادت دادن به حقیقت یا راستی است.

2. «وعده دادن» به معنای سوگند خوردن برای انجام کاری یا بخشیدن چیزی است.

3. «تعهد دادن» به معنای قول دادن برای انجام وعده.

4. «گِرو» به معنای یک چیزِ بارز یا مشهود است که در ازای عهدو پیمان و یا وعده به شخص دیگر داده شده است. گرو به عنوان ضمانت یا وثیقه برای وفای به عهد عمل می‌باشد.(وثیقه گذاشتن برای گرفتن وام، یک مثال برای درک این مطلب است.)

5. «بیعت» به معنای عهد یا قولی است که برای چیز ارزشمندی داده می‌شود. در زبان عبری برای بیعت نیز به عدد هفت اشاره می‌شود. هفت، عددِ خداوند محسوب می‌شود و او را با مفهوم قسم پیوند می‌دهد. یعنی چیزی که در هفت ضرب شده و به تمام و کمال رسیده است. منظور این است که با عجله یا سهل انگاری گفته نشده است، بلکه هفت بار تکرار شده است.

6. «لعنتها یا جزاها»، برای تحکیمِ سوگند، وعده، تعهد، گرو و بیعت گذاشته می‌شود. لعنت کردن یعنی درخواست از خدا که در

صورت عدم وفای به وعده، بلایی را بر سر فردی که وعده می‌دهد نازل کند. کلمه "خدا لعنتت کنه" نمونه‌ای از این موارد است. ممکن است لعنت یا جزا با درخواست فردی که به او وعده داده می‌شود، یا با پیشنهاد خود شخصی که یک وعده را می‌دهد، (در صورت انجام نشدن وعده) باشد

7. «عهد یا پیمان»، یک توافق نامه رسمی بین دو یا چند نفر است و ممکن است شامل همه موارد فوق باشد.

برای دیدن کاربرد اصطلاحات بالا، به داستانی در پیدایش باب 21 آیات 22 تا 33 مراجعه می کنیم:

*"در آن زمان، اَبیمِلِک و فیکول، فرماندۀ سپاهش، به ابراهیم گفتند: «خدا در هرآنچه می‌کنی، با توست. اکنون در اینجا برای من به خدا سوگند یاد کن که به من و فرزندان و نوادگانم خیانت نکنی؛ بلکه چنانکه من به تو محبت کردم تو نیز با من و سرزمینی که در آن غربت گزیده‌ای، همان‌گونه رفتار کنی.» ابراهیم گفت: «سوگند می‌خورم.» آنگاه ابراهیم دربارۀ چاه آبی که خادمان اَبیمِلِک از او غصب کرده بودند، اَبیمِلِک را سرزنش کرد. اَبیمِلِک گفت: «نمی‌دانم چه کسی این کار را کرده است. تو به من چیزی نگفتی و تا امروز این را نشنیده بودم.» باری، ابراهیم گوسفندان و گاوان برگرفت و به اَبیمِلِک داد، و آن دو با هم پیمان بستند. ابراهیم هفت برۀ ماده از گله جدا کرد، و اَبیمِلِک به ابراهیم گفت: «این هفت برۀ ماده که جدا کردی، چیست؟» او پاسخ داد: «این هفت برۀ ماده را از دست من بپذیر، تا شهادتی باشد بر این که من این چاه را کنده‌ام.» پس آن مکان را بِئِرشِبَع نامید، زیرا که آن دو مرد در آنجا برای یکدیگر سوگند خوردند. پس از بستن آن پیمان در بِئِرشِبَع، اَبیمِلِک با فرماندۀ سپاه خویش فیکول، به سرزمین فلسطینیان بازگشتند. ابراهیم در بِئِرشِبَع درختچۀ گزی کاشت، و در آنجا نام خداوند، خدای سرمدی، را خواند. و ابراهیم مدتی دراز در سرزمین فلسطینیان غربت اختیار کرد."*

بحث گروهی:

1. چهار اصطلاح از هفت اصطلاحی که پیشتر توضیح داده شد در این داستان استفاده شده است، کدام یک هستند؟ (سوگند، عهد یا پیمان، بیعت و گرو)

مطالعه آیات کتاب مقدس:

وفای به وعده ها

موعظه سر کوه

انجیل متی باب 5 آیات 33 تا 37

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

باز شنیده‌اید که به پیشینیان گفته شده است که، **قسم دروغ مخور، بلکه به قسم‌های خود به خداوند وفا کن.** امّا من به شما می‌گویم، هرگز قسم مخورید، نه به آسمان زیرا که عرش خداست، و نه به زمین چون که کرسی زیر پای اوست، و نه به اورْشلیم، زیرا که **شهر آن پادشاه بزرگ است**. و به سر خود نیز قسم یاد مکن، زیرا که حتی مویی را سفید یا سیاه نمی‌توانی کرد. پس "بلهِ شما همان بله باشد" و" نهِ شما نه " زیرا افزون بر این، از شریر است.

فرمان:

* هرگز قسم مخورید.
* بلهِ شما همان بله باشد و نهِ شما نه

درس:

سوگند خوردن، وعده دادن و تعهد دادن مقدس هستند و نباید آنها را ساده پنداشت. خدا بر آنچه مردم می‌گویند شاهد است و آنان با گفتارشان داوری خواهند شد. عیسی هنگامی که با فریسیان صحبت می‌کند این حقیقت را تأیید می‌کند. در متی باب 12 آیات 36 تا 37 اعلام می‌کند: " *به شما می‌گویم که مردم برای هر سخن پوچی که بر زبان برانند، در روز داوری حساب خواهند داد. زیرا با سخنان خود تبرئه خواهید شد و با سخنان خود محکوم خواهید گردید."*

عیسی به شاگردان می‌گوید که نباید سوگند یاد کنند، وعده یا تعهد بدهند. همه اینها به انجام کاری درآینده مربوط می‌شوند. سوگندها وعده‌ها و تعهدها، خودسرانه و مبتنی بر غرور هستند. هیچ کس جز خدا نمی‌داند که ما چقدر عمر خواهیم کرد یا منابع لازم برای تحقق وعده‌های خود را خواهیم داشت یا نه. تعهدات در ازدواج به بهترین شکل این موضوع را نشان می‌دهد. اکثر تعهدها در ازدواج به این جمله ختم می شوند: «تا زمانی که مرگ ما را از هم جدا کند».

عیسی به شاگردان می‌گوید که نباید به آسمان، زمین یا اورشلیم سوگند یاد کنند، زیرا این چیزها متعلق به خداست، نه برای کسی که آنها را به عنوان وثیقه یا گرو ارائه می‌دهد. هیچ کس حق ندارد دارایی دیگری را به عنوان وثیقه‌ی خود عرضه کند.

کسى که به خدا سوگند یاد می‌کند، مى‌خواهد او را مدیون کند و در واقع می‌گويد که بر خدا قدرت دارد و می‌تواند از خدا مطالبه کند که اراده شخصی خودش را انجام دهد. اگر شخصی که سوگند خورده از وفای به آن کوتاهی کند، دیگری چگونه از خدا آن را وصول کند؟ سوگند خوردن به این شکل فقط رابطه یک شاگرد با خدا را بی اعتبار می‌کند و اگر او به سوگند خود عمل نکند، شهادت خود درباره‌ی عیسی مسیح را بی‌اعتبار می‌سازد.

در جمله بعد عیسی از اصطلاح «قسم به سرِ خود» برای نشان دادن قسم به نام خود استفاده می‌کند. کسی که اين قسم را می‌خورد، جان خود را به عنوان وثيقه ارائه می‌‌کند. او اعلام می‌کند که خداست یا حداقل از نظر قدرت و اقتدار با او برابر است. نمونه‌ای از این نوع قسم در عبرانیان باب 6 آیه 13 آمده است. «*هنگامی که خدا به ابراهیم وعده داد، چون بزرگتری از خودش نبود که به او سوگند خورَد، پس به خود سوگند خورد*.»

كسى كه اين گونه سوگند ياد كند، اگر به سوگند خود وفا نكند، مديون ديگرى است و بايد به او خدمت كند نه خدا. سوگند خوردن به جان خود، این حقیقت را پنهان می‌کند که انسانها خدا نیستند، در حالی که در واقعیت ضعیف هستند و به کمک او نیاز دارند. اگر شاگردی به این ترتیب سوگند یاد کند و به سوگند خود عمل نکند، شهادت او درباره عیسی مسیح و توانایی او در نجات مردم نیز در شک و تردید قرار خواهد گرفت.

با گفتن «بله شما بله باشد و نه شما نه»، عیسی اعلام می‌کند که از شاگردانش انتظار دارد به قول خود عمل کنند! تا کاری را که وعده داده‌اند را انجام دهند. اگر شاگردان به قول خود عمل نکنند به عنوان دروغگو شناخته می‌شوند و نمی­توان روی آنها حساب کرد که راست می‌گویند یا مورد اعتماد هستند. پس مردم چگونه به پیام انجیلی که آنها موعظه می‌کنند ایمان بیاورند؟ به قول قدیمی­ها که می‌گویند: "مرد به اندازه قولش نیکوست." پس خدا نیکوست. او همیشه کاری را که وعده داده است را انجام می‌دهد.

بحث گروهی:

2. چرا مردم قول می‌دهند؟

3. نتیجه شکستن قول چیست؟

4. فکر می‌کنید عدم انجام قولها چه تاثیری بر کودکان دارد؟

5. آخرین قولی که دادید و آن را بیاد می‌آورید چه بود؟ آیا انجامش دادید؟

6. یکی از قول هایی که آرزو می‌کردید هرگز نمی‌دادید یا انجامش برایتان با سخت ترین شرایط بوده، کدام است؟

7. کدام یک از وعده‌های خدا مورد علاقه شماست و چرا؟

نکته درس:

خودتان را در موقعیتی قرار ندهید که دروغ بگویید.

فعالیت:

در جلسه بعدی گروه، هر موقعیتی را که در آن مجبور به قول دادن شدید رابیان کنید و نحوه برخورد با آن را گزارش دهید.

# درس 9

دست کشیدن از حقوق خود

گفتمان گروهی:

برخی از حقوقی را که به عنوان یک شهروند در کشورتان دارید را لیست کنید؟

مقدمه:

در موعظه سر کوه، عیسی همچنان ارزش‌های خانوادگی خداپسندانه را به شاگردانش منتقل می‌کند. در موضوع بعدی او به حق و حقوقِ مربوط به آسیب­های شخصی می‌پردازد. آن را با عبارات «چشم در برابر چشم» و «دندان در برابر دندان» معرفی می‌کند. این عبارات در خروج باب 21 آیه 24، لاویان باب 24 آیه 20 و تثنیه باب 19 آیه 21 یافت می شود.

در فرهنگ غربی، برداشت ما از این عبارات اینگونه است که فرد می‌تواند به دنبال آسیب رساندنِ شخصی، برای انتقام باشد. امّا، در متن کتاب مقدس، به وضوح نشان می‌دهد که خدا دستور مجازات نمی‌دهد. او صرفاً محدودیت‌هایی برای میزان مجازاتی که لازم است انجام شود را تعیین می‌کند. مثلاً اگر شخصی چشم خود را بر اثر صدمه فرد دیگر از دست بدهد، حق ندارد شخصی که به او صدمه زده را بکشد و اموال او را بگیرد. طبق شریعت، مجازات باید محدود به میزان آسیب وارد شده، باشد.

فرض کنیم شخصی که چشمش آسیب دیده، بتواند به فردی که او را آسیب رسانده، همان صدمه‌ را وارد کند اما در این صورت با از دست رفتن چشمِ دو نفر به چه نتیجه‌ی خوب و درستی می‌توانیم برسیم؟

به طور کلی، دادگاه یهود برای پنج نوع آسیب متفاوت، غرامت صادر می‌کرد: ۱ـ خسارت دیدن، ۲ـ درد کشیدن، ۳ـ درمان شدن ۴ـ از دست دادن زمان برای کار و ۵ـ مورد توهین قرار گرفتن. هدف قانون این بود که خوب، منصف و درستکار باشیم.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دست کشیدن از حقوق خود

موعظه سر کوه

متی باب 5 آیات 38 تا 42 - لوقا باب 6 آیات 29 تا 30

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

نیز شنیده‌اید که گفته شده، ”**چشم به عوض چشم و دندان به عوض دندان**.“ امّا من به شما می‌گویم، در برابر شخص شریر ایستادگی نکنید. اگر کسی به گونۀ راست تو سیلی زند، گونۀ دیگر را نیز به سوی او بگردان. و هر گاه کسی بخواهد تو را به محکمه کشیده، قبایت را از تو بگیرد، عبایت را نیز به او واگذار. اگر کسی مجبورت کند یک میل(معادل 1478 متر) با او بروی، دو میل همراهش برو. اگر کسی از تو چیزی بخواهد، به او بده و از کسی که از تو قرض خواهد، روی مگردان.

فرمان­ها:

* دربرابر فرد شریر ایستادگی مکنید.
* گونه دیگر را نیز به سوی او بگردان.
* عبایت را نیز بدو واگذار.
* دو میل همراه او برو.
* هر کس از تو چیزی بخواهد، بدو ببخش.
* از کسی که قرض از تو خواهد، روی خود را مگردان.

بحث گروهی:

1. پس از شنیدن آنچه که عیسی تعلیم داد، چه افکاری از ذهن شما می‌گذرد؟

درس:

عیسی تعلیم خود را در مورد جبران خسارت عادلانه برای آسیب شخصی واردشده، با بیان عبارتی در مورد آسیب جسمانی، «چشم در برابر چشم و دندان در مقابل دندان» شروع می‌کند. سپس شاگردانش را به چالش می‌کشد تا دیدگاه متفاوتی داشته باشند. عیسی با اشاره به چهار نوع از آسیبهای شخصی، می‌خواهد به شاگردانش بیاموزد که افرادی سخاوتمند باشند، کسانی که حقوق خود را مطالبه نمی‌کنند.

مورد اول شامل «آسیب های احساسی و روانی» است که توسط یک شاگرد دریافت می‌شود. عیسی فرمود: *"امّا من به شما می‌گویم، در برابر شخص شریر ایستادگی نکنید. اگر کسی به گونۀ راست تو سیلی زند، گونۀ دیگر را نیز به سوی او بگردان."* یک سیلی و یک مشت گره کرده دو چیز متفاوت هستند. مشت گره کرده نشان می‌دهد که دعوا در حال وقوع است. ولی سیلی با دست باز انجام می‌شود و باعث توهین به شخص می­شود و برای تحقیر کسی یا برانگیختن دعوا استفاده می‌شود. در گویش «آرامیک» چرخاندن گونه، به معنای «درگیری یا خصومت را شروع نکنید» می‌باشد. برای درگیری یا خصومت، دو نفر لازم است. اگر شخص آسیب دیده تلافی نکند، دیگر نزاعی بوجود نمی‌آید. امثال سلیمان باب 17 آیه 14 می‌گوید: *"آغاز مشاجره همچون‌ رخنه‌ی‌ آب‌ است‌؛ پس‌، از آن دست بردار، ‌پیش از آنکه‌ به‌ منازعه‌ بیانجامد*.*"* امثال در جایی دیگر می‌گوید: *"دوری از نزاع، عزّت آدمی است اما تن هر نادان برای مجادله می‌خارد!"*[[56]](#footnote-56) عیسی از شاگردانش می‌خواهد که از حق خود صرف نظر کنند. خدا پارسایان را محفوظ می‌دارد.

مورد دوم شامل «آسیبی است که توسط یک شاگرد ایجاد می‌شود». عیسی فرمود: *"و هرگر کسی بخواهد تو را به محکمه کشیده و قبایت را از تو بگیرد، عبایت را نیز به او واگذار*.*"* در این مورد، شخص آسیب دیده در پی غرامت تعیین شده برای آسیب است، اما هنوز برای دریافت آن به دادگاه مراجعه نکرده است. عیسی به شاگردان می‌گوید که غرامت خواسته شده را تهیه کنند و حتی بیشتر از آن را بدهند. زیرا این طریقی، برای محبت به شخص آسیب دیده است. عیسی همین استدلال را قبلاً در موعظه سر کوه بیان نمود.[[57]](#footnote-57) عیسی از شاگردانش می‌خواهد که وقتی به کسی ظلم کرده‌اند، از حق حمایت قانونی شخصی، چشم‌پوشی کنند (قبل از اینکه موضوع به دادگاه کشیده شود، صلح کنند). خدا می‌داند که عدالت به انجام رسیده است.

مورد سوم شامل عدم پرداخت مزد و غرامت، در برابر خدمات ارائه شده توسط شاگردان است. عیسی فرمود: «*هرگاه کسی تو را برای یک میل مجبور سازد، دو میل همراه او برو*.» رفتن میل دوم یک عبارت رایج است و به معنای انجام بیش از آنچه لازم است می­باشد. عیسی از شاگردانش می‌خواهد که از دریافت مزد و حق غرامت به خاطر استفاده از وقت و استعداد خود صرف نظر کنند. خدا پاداش خواهد داد.

مورد چهارم قرض دادنِ آن چیزی است که شاگرد دارد و به کسی که آن را می‌طلبد، می‌دهد. در ظاهر این کار نسبتاً آسان به نظر می‌رسد، امّا انجیل متی درکی کامل از این موضوع را به ما نمی‌رساند. لوقا باب 6 آیه 30 حقیقت موضوع را اعلام می‌کند. «*اگر کسی چیزی از تو بخواهد به او بده، و اگر مال تو را غصب کند، از او بازمخواه*.» این شامل از دست رفتن دارایی شاگرد است.

درک اصلی نهفته در این تعلیم از کتاب تثنیه می­آید:[[58]](#footnote-58)

*زیرا یهوه خدایتان شما را چنانکه گفته است، برکت خواهد داد؛ و شما به اقوام بسیار قرض خواهید داد، ولی خود از کسی قرض نخواهید گرفت؛ بر اقوامِ بسیار حکم خواهید راند، اما ایشان بر شما حکم نخواهند راند. «اگر در میان شما، در یکی از شهرهای سرزمینی که یهوه خدایتان به شما می‌بخشد، یکی از برادرانتان نیازمند باشد، دل خود را سخت مسازید و دست خویش را به روی برادر نیازمند خود مبندید، بلکه با گشاده‌دستی، به قدر کفایت، هرآنچه نیاز دارد به او قرض بدهید. به هوش باشید که این فکرِ ناشایست به دل شما راه نیابَد که، ”سال هفتم، یعنی سال بخشودگی نزدیک است،“ تا بر برادر نیازمند خود با خساست نگریسته، چیزی به او ندهید، و او از دست شما نزد خداوند فریاد برآورد، و این برایتان گناه محسوب شود. بلکه باید بی‌مضایقه به او بدهید و دل شما در دادنش خساست نورزد، تا یهوه خدایتان نیز شما را در همۀ کارهایتان و هرآنچه دست بر آن می‌گذارید، برکت دهد. زیرا نیازمند از سرزمین شما رخت نخواهد بست. از همین رو، شما را فرمان داده می‌گویم: ”دست خویش را بر برادران فقیر و نیازمند خود که در سرزمین شمایند، بگشایید!“*

عیسی از شاگردانش می‌خواهد که از حق استرداد اموال خود صرف نظر کنند. خدا مالک همه چیز است.

در هر مورد، عیسی از شاگردانش می‌خواهد که بیش از آنچه لازم است انجام دهند. به عبارت دیگر، آنها باید به دیگران بخشش کنند یا برکت برسانند. عیسی می‌خواهد شاگردانش مانند پدرشان در آسمان، سخاوتمند و مردمی گشاده دست باشند. آنها نباید طمع چیزهای این جهان را داشته باشند یا برای دریافت حق و حقوق خود مجادله کنند، زیرا پدرشان در آسمان به آنان پاداش خواهد داد.

بحث گروهی:

2. اگر شاگردان عیسی، بیش از آنچه که از آنها خواسته شده‌است‌ را انجام بدهند مردم چه فکری می‌کنند؟

3. به نظر شما این رفتار مسیح‌گونه، چگونه بر دیگران تأثیر می‌گذارد؟

4. دوستی ها چگونه شکل می‌گیرد؟

نکته درس:

بیش از آنچه لازم است انجام دهید.

فعالیت:

در جلسه بعدی گروه، هر موقعیتی که مجبور بودید با دست کشیدن از حقوق خود سخاوتمند باشید را گزارش دهید.

# درس 10

دشمنان خود را محبت کنید

گفتمان گروهی:

کلمه محبت برای شما چه معنایی دارد؟

مقدمه:

در کتاب مقدس قسمت عهد جدید که به زبان یونانی بوده از دو کلمه اصلی برای توصیف محبّت استفاده شده است: ۱ـ فیلئو ۲ـ آگاپه

این دو کلمه معانی متمایز دارند. دانستن اینکه کدام یک از این دو کلمه، در یک قسمت خاص از کتاب مقدس استفاده شده، برای فهم درست متن ضروری است.

کلمه‌ی یونانیِ فیلئو به احساس محبّت می­پردازد. و ابراز احساس محبّت است! فیلئو، علاقه داشتن به چیزی را نشان می‌دهد. چند نمونه از علاقه به یک موضوع عبارتند از:

1. محبّت مادر نسبت به فرزندش.

2. محبّت شوهر نسبت به همسرش.

3. برادران و خواهران نسبت به یکدیگر محبّت دارند.

4. فریسیان دوست داشتند که در بازار از آنها استقبال شود.

5. مردم پول را دوست دارند.

کلمه‌ی یونانیِ آگاپه به روح محبّت می­پردازد. این خدمت محبّت است! آگاپه به انجام کار نیک اشاره می‌کند و شبیه کلمه نیکوکاری است. این کلمه خود را در شخصیت و اعمال زیر مکشوف می‌کند:

1. آگاپه شخصیت خودِ خداست. در کتاب مقدس آنجا که می‌گوید: "*خدا محبّت است*" [[59]](#footnote-59) از کلمه آگاپه استفاده شده است.

2. آگاپه نحوه رفتارِ محبّت آمیز است. پولس در اولین رساله به قُرِنتیان، باب 13 رفتار آگاپه را تشریح می کند.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دشمنان خود را محبت کنید

موعظه سر کوه

متی باب 5 آیات 43 تا 48 - لوقا باب 6 آیات 27 تا 36

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

شنیده‌اید که گفته شده است، **همسایه خود را محبّت نما** و با دشمنت دشمنی کن. امّا من به شما می‌گویم که دشمنان خود را محبّت نمایید و با کسانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید و هر که شما را لعن کند، برای او برکت بطلبید و برای هر کس را که آزارتان دهد دعای خیر کنید، با مردم همان‌گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند. تا پدر خود را که در آسمان است فرزندان باشید، زیرا او آفتاب خود را بر بدان و نیکان می‌تاباند و باران خود را بر پارسایان و بدکاران می‌باراند. زیرا هرگاه آنانی را محبّت نمایید که شما را محبّت می‌نمایند، چه پاداشی خواهید داشت؟ آیا حتی خراجگیران[[60]](#footnote-60) چنین نمی‌کنند؟ و اگر تنها برادران خود را سلام گویید چه برتری بر دیگران دارید؟ مگر حتی اقوام بت‌پرست چنین نمی‌کنند؟ و اگر فقط به کسانی نیکی کنید که به شما نیکی می‌کنند، چه برتری دارید؟ حتی گناهکاران نیز چنین می‌کنند. و اگر فقط به کسانی قرض دهید که امید عوض از آنان دارید، چه برتری خواهید داشت؟ حتی گناهکاران نیز به گناهکاران قرض می‌دهند تا روزی از ایشان عوض بگیرند. امّا شما، دشمنانتان را محبّت کنید و به آنها نیکی نمایید، و بدون امیدِ عوض، به ایشان قرض دهید، زیرا پاداشتان عظیم است، و فرزندان خداوند خواهید بود، چه او با ناسپاسان و بدکاران مهربان است. پس شما باید کامل [[61]](#footnote-61) باشید چنانکه پدر شما که در آسمان است کامل است.

فرمان­ها:

* دشمنان خود را محبّت نمایید.
* و با کسانی که از شما نفرت کنند، احسان کنید.
* برای کسانی که شما رو لعنت می‌کنند، برکت بطلبید.
* برای آنانی که آزارتان می‌دهند دعای خیر کنید.
* نیکی نمایید، و بدون امیدِ عوض، به ایشان قرض دهید.
* همان‌گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند.
* پس باید کامل باشید.

درس:

عیسی تعلیم خود را با این جمله آغاز می‌کند: *"شنیده‌اید که گفته شده است،* ***همسایه خود را محبّت نما*** *و با دشمن خود دشمنی کن*.*"* فقط بخش اول نقل قول از کتاب مقدس است. در هیچ کجای عهد عتیق، نفرت از دشمن آموزش داده نشده است. ظاهراً برخی از رهبران در زمان عیسی این برداشت را تعلیم می‌دادند.

عیسی به شاگردان خود دستور می‌دهد که دشمنان خود را محبّت کنند و این نحوه رفتار آگاپه[[62]](#footnote-62) است.

عیسی خداوند، اعلام می‌کند که شاگردانش باید «با دشمنان خود به درستی رفتار کنند». علاقه به آنها لازم نیست، فقط رفتار خداپسندانه کفایت می‌کند و سپس شش راه عملی برای محبّت کردن به دشمنان را شرح می دهد:

1. دشمنان خود را خدمت کنید.

2. برای دشمن خودت اعمال نیک انجام بده، نه اعمال بد.

3. با دشمن خودت همان گونه رفتار کن که دوست داری با تو رفتار شود.

4. او را برکت دهید، خوب صحبت کنید یا او را تحسین کنید.

أ) به نظر می‌رسد که معنای اصلی کلمه برکت که در اینجا استفاده می‌شود مربوط به خوب صحبت کردن در مورد دشمن خود است که شما را نفرین می‌کند.

ب)امّا، معنای واقعی کلمه برکت «زانو زدن یا خم کردن زانو است».

ج) تصویری که در این کلمه بیان می‌شود این است که شتری به زانو در می‌آید تا باری بر دوشش گذاشته شود.

د) مثال الاغ بلعام را در اعداد باب 22 آیات 21 تا 34 بخوانید.

5. برای او دعا کنید.

6. آنچه را که نیاز دارد به او قرض دهید، حتی اگر نتواند یا نخواهد بازپرداخت کند.

عیسی با به چالش کشیدن شاگردان خود آنان را ترغیب می‌کند تا مانند پدر خود در آسمان شوند. او اعلام می‌کند که خدا هم به پارسایان و هم به بدکاران نیکی می‌کند. او بر هر دو آفتابش را می‌تاباند و بارانش می‌باراند. محبّت آنطور نیست که برای عده‌ای به گونه­ای رفتار ‌کند و برای برخی دیگر به گونه­ای دیگر. همیشه ثابت است و تغییر نمی‌کند. برای کسانی که فراخوانده شده‌اند تا شاگرد خدا باشند، یادآوری این نکته مفید است که ما زمانی دشمنان او بودیم. اما به دلیل محبّتِ پایدار ابدی خدا نسبت به ما، اکنون دوستان او هستیم.

بحث گروهی:

1. چه چیزی یک شخص را دشمن شما می‌کند؟

2. از چه جهاتی محبّت کردن دشمنان برای شما سخت است؟

3. چند راه کاربردی را فهرست کنید که می‌توانید دشمنان خود را محبّت کنید

نکته درس:

به همه نیکی کن.

فعالیت:

در جلسه بعدی گروه، موقعیتهایی را که درآن مجبور شدید تا به دشمن خود محبت کنید را گزارش دهید و نتیجه آن چه بوده است

# درس 11

دریافت رضایت

مقدمه:

عیسی در تعلیم قبلی خود در مورد محبّت صحبت کرد. شخصیت خدا، محبّت واقعی است. ذاتِ محبّت، انجام کار نیکوست و اِعمال محبت‌ به نفع دیگران است. عملکرد محبّت واقعی با هر کسی چه خوب و چه بد، متفاوت نیست. و مبتنی بر احساساتی نیست که در معرض تغییر باشند.

عیسی از محبّتی صحبت می‌کند که شاگردان باید آنرا به عنوان یک اصل، بی‌وقفه و به صورت متوالی انجام دهند. عیسی عمل محبت آمیز را در سه مورد بیان می‌کند: ۱ـ صدقه، ۲ـ دعا و ۳ـ روزه. اما، اینها مسائل ثانویه هستند. مسئله واقعی که او به آن می‌پردازد، نیت یا روح پشت اعمال است. چرا انسان این اعمال محبّت آمیز را انجام می‌دهد و از چه کسی رضایت را دریافت می‌کند؟

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دریافت رضایت

موعظه سر کوه

متی باب 6 آیات 1 تا 18

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

آگاه باشید که پارسایی خود را در برابر دیدگان مردم به جا میاورید، به این قصد که شما را ببینند، وگرنه نزد پدر خود که در آسمان است، پاداشی نخواهید داشت. "پس هنگامی که صدقه می‌دهی، جار مزن، چنانکه ریاکاران در کنیسه‌ها و کوچه‌ها می‌کنند تا مردم آنها را بستایند. آمین، به شما می‌گویم، اینان پاداش خود را به تمامی یافته‌اند. پس تو چون صدقه می‌دهی، چنان کن که دست چپت از آنچه دست راستت می‌کند، آگاه نشود، تا صدقۀ تو در نهان باشد؛ آنگاه پدرِ نهان‌بینِ تو، به تو پاداش خواهد داد." "هنگامی که دعا می‌کنی، همچون ریاکاران مباش که دوست می‌دارند در کنیسه‌ها و سَرِ کوچه‌ها ایستاده، دعا کنند تا مردم آنها را ببینند. آمین، به شما می‌گویم، اینان پاداش خود را به تمامی یافته‌اند. امّا تو، هنگامی که دعا می‌کنی به اتاق خود برو، در را ببند و نزد پدر خود که در نهان است، دعا کن. آنگاه پدرِ نهان‌بینِ تو، به تو پاداش خواهد داد." "همچنین، هنگام دعا، عباراتی توخالی تکرار مکنید، آن‌گونه که اقوام بت‌پرست می‌کنند، زیرا می‌پندارند به سبب زیاده گفتن، دعایشان مستجاب می‌شود. پس مانند ایشان مباشید، زیرا پدر شما پیش از آنکه از او درخواست کنید، نیازهای شما را می‌داند." پس شما این‌گونه دعا کنید: "ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدّس باد. پادشاهی تو بیاید. ارادۀ تو، چنانکه در آسمان انجام می‌شود، بر زمین نیز به انجام رسد. نان روزانه‌ی ما را امروز به ما عطا فرما. و قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از آن شریر رهاییمان ده. [زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آنِ توست. آمین.]" زیرا اگر خطاهای مردم را ببخشید، پدر آسمانیِ شما نیز شما را خواهد بخشید. امّا اگر خطاهای مردم را نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید. "هنگامی که روزه می‌گیرید، مانند ریاکاران تُرشرو مباشید، زیرا آنان حالت چهرۀ خود را دگرگون می‌کنند تا نزد مردم، روزه‌دار بنمایند. آمین، به شما می‌گویم، که پاداش خود را به تمامی یافته‌اند. امّا تو چون روزه می‌گیری، به سر خود روغن بزن و صورت خود را بشوی[[63]](#footnote-63) تا روزۀ تو بر مردم عیان نباشد، بلکه بر پدر تو که در نهان است، و پدرِ نهان‌بینِ تو، به تو پاداش خواهد داد."

فرمان­ها:

* پارسایی خود را در برابر دیدگان مردم بجا میاورید، به این قصد که شما را ببینند.
* جار مزن.
* چنان کن که دست چپت ازآنچه دست راستت می‌کند، آگاه نشود.
* همچون ریاکاران مباش.
* به اتاق خود برو، در را ببند و نزد پدر خود که در نهان است، دعا کن.
* عبارات توخالی تکرار مکنید، آن‌گونه که بت‌پرستان می‌کنند.
* مانند ریاکاران تُرشرو مباشید.
* به سر خود روغن بزن و صورت خود را بشوی تا روزۀ تو بر مردم عیان نباشد.

درس:

آیات کتاب مقدس در مورد مسائل صدقه، دعا و روزه شامل پنج اصل مشترک است:

۱. عیسی در مورد هر یک از مسائل دستورات خاصی می‌دهد.

۲. اعمال نیک انجام ‌شود: صدقه، دعا و روزه.

۳. با ریاکاری نباشد.

۴. در برابر دیدگان مردم نباشد

۵. پدری که در نهان تو را می بیند پاداش می‌دهد.

عیسی ابتدا به تشریح عمل نیکِ صدقه‌دادن می‌پردازد. معنای کلمه صدقه، بخشش و رحمت است، با دادن پول به فقرا همراه است و نباید آن را با ده‌یکی که متعلق به خداست اشتباه گرفت. صدقه می‌تواند مستقیماً به یک فرد اهدا شود یا در یک صندوق جمع‌آوری شود تا بین فقرا توزیع گردد.

عیسی به شاگردان خود دستور می‌دهد که صدقه دادن را در خفا انجام دهند. او از آنها می­خواهد که این کار را به گونه‌ای انجام دهند که دیگران متوجه آن نشوند. وقتی شخصی از فرد دیگری که می‌شناسد صدقه می‌گیرد، همیشه یک احساس بدهکاری نسبت به آن فرد دارد. وقتی فردِ بخشنده برای فقیر ناشناخته باشد، او در برابر تنها کسی که می‌تواند شکرگزاری کند، خداست.

دستور دوم این است که در هنگام صدقه دادن، جار نزنید. در زمان عیسی، افراد ثروتمندی که پر از غرور بودند، معمولاً قبل از صدقه دادن، عملاً آن را جار می‌زدند و تظاهر می­کردند که انسان‌های خیّری هستند. عیسی به این نکته اشاره می‌کند که مردم نباید بخشش خود را علنی کنند. و این استدلال را با دستور بعدی خود تقویت می‌کند: *"دست چپت از آنچه دست راستت می‌کند، آگاه نشود*.*"* ما می‌دانیم که غیرممکن است که دست چپ نداند دست راست چه می‌کند، اما منظور این است که با احتیاط رفتار کنیم.

عیسی در مبحث خود در مورد اعمال نیک‌، توجه‌ی ما را به موضوع «ریاکاری» جلب می‌کند. این اولین کاربرد از این کلمه است که در کتاب مقدس ثبت‌ شده است. بنابراین، باید از مفهوم آن درک روشنی را به دست آورد تا بتوان آن را به درستی در محتوای بعدی به کار برد. ریاکاری، نقش بازی کردن، تحت یک شخصیت غیر واقعی است. او در حال ایفای نقش است و آنچه که از بازی آنها می‌بینیم حقیقت نیست و ساختگی است.

عیسی فرمود، ریاکاران را می‌توان در کنیسه‌ها و خیابان‌ها یافت. آنها همچنین در کلیساها و سایر مکانهای عمومی یافت می­شوند. هر زمان که مخاطبانی جمع می­شوند، نقش آفرینی آنها شروع می­شود. آنها بازیگرانی هستند که روی صحنه عمومی نقش اجرا می‌کنند. و برای نقشی که بازی می‌کنند منتظر تحسین مردم هستند.

در انگیزه‌ی یک شخص ریاکار غرور وجود دارد. او می‌گوید: «ببینید، من چقدر خوبم» و برای عملکردش مایل به دریافت تحسین و اعتبار است. شخص ریاکار اعمال نیکوی خود را از روی محبّت به خود، انجام می­دهد نه دیگران.

دومین عمل نیکویی را که عیسی برای شاگردان بیان می‌کند دعا کردن است. او به آنها می‌گوید که از مردم دور شوید، به اتاق های خود بروید و در را ببندید تا مردم دعای شما را نشنوند. ریاکاران، علنی دعا می‌کنند زیرا می­خواهند مردم فکر کنند که آنان پارسا هستند. اما دعا، یک گفتگوی خصوصی بین انسان و خدای خود است.

او همچنین به شاگردان می‌گوید که مانند اقوام بت‌پرست از عبارتهای تکراری استفاده نکنند، زیرا مرثیه و عبارات آنها بی‌ارزش است. شاید امت­­ها یا غیرایمانداران فکر می‌کنند که خدا خوب نمی‌شنود یا شاید در آن لحظه خدا خواب است و یا گوش نمی‌دهد و باید توجه او را جلب کنند، بنابراین مجبورند وردهای خود را تکرار کنند. یا ممکن است انگیزه آنها این باشد که بارها و بارها او را با همین درخواست خسته کنند تا دعای آنها را مستجاب کند؟ در کتاب اِشعیای نبی، باب 65، آیه 24 آمده است: "*و قبل‌ از آنکه‌ بخوانند من‌ جواب‌ خواهم‌ داد، و پیش‌ از آنکه‌ سخن‌ گویند من‌ خواهم‌ شنید*."

سومین کار نیک، در مبحث عیسی، به روزه مربوط می‌شود. اکثر مردم فکر می‌کنند که روزه به مفهوم پرهیز از غذا است. اما، این معنای واقعی این کلمه نیست. برای اینکه عمل شخصی، روزه محسوب شود باید چهار شرط را رعایت کند. آن شخص ۱ـ چیزی را ۲ـ که مطلوب یا مورد میل اوست ۳ـ برای مدتی ۴ـ صرفاً به‌منظور به‌انجام رساندن کاری بزرگتر انجام نمی‌دهد. خدا می‌خواهد قومش روزه بگیرند، اما به گفته اِشعیای نبی این صرفاً برای غذا[[64]](#footnote-64) نیست. مرجع آن در اشعیا باب 58 آیات 6 تا 14 می­باشد:

*"آیا روزه‌ای که من می‌پسندم این نیست که زنجیر بی‌عدالتی را بگشایی، و بندهای یوغ را باز کنی؟ مظلومان را آزاد سازی، و هر یوغ را بشکنی؟ که نان خود را با گرسنگان قسمت کنی و فقیرانِ بی‌خانمان را به خانۀ خویش آوری؟ و چون برهنه‌ای بینی، او را بپوشانی و از آن که از گوشت تن توست، خود را پنهان نسازی؟ آنگاه نور تو همچون فجر طلوع خواهد کرد، و صحت تو به‌زودی خواهد رویید؛ پارسایی‌ات پیشاپیش تو خواهد خرامید، و جلال خداوند از پشت نگاهبان تو خواهد بود. آنگاه دعا خواهی کرد و خداوند تو را اجابت خواهد نمود؛ یاری خواهی طلبید و او خواهد گفت: ”اینک حاضرم!“ «اگر یوغ ستم و انگشت اشاره را از خود دور کنی، و از بدگویی بپرهیزی؛ اگر تمامی هَمّ خود را وقف گرسنگان کنی و جان ستمدیدگان را سیر سازی، آنگاه نور تو در تاریکی خواهد درخشید و شبِ تو همچون نیمروز روشن خواهد بود. خداوند پیوسته تو را هدایت خواهد کرد، و جان تو را در بیابان سوزناک سیر خواهد نمود؛ به استخوانهایت قوّت خواهد بخشید، و تو چون باغی خواهی بود سیراب و چشمه‌ای که آبش کم نشود. قوم تو ویرانه‌های کهن را بنا خواهند کرد، و بنیانهای ایام سَلَف را بر پا خواهند داشت. و تو را بنا کننده دیوارهای شکسته خواهند خواند و مرمت‌گر کوچه‌ها به جهت سکونت. «اگر شَبّات را زیر پا ننهی و در روز مقدس من خشنودی خود را به جا نیاوری، اگر شَبّات را مایۀ خوشی بشماری و روز مقدس خداوند را محترم بخوانی، اگر آن را حرمت نهی و به راههای خود رفتار نکنی، اگر لذت خود را نجویی و سخنان بیهوده بر زبان نرانی، آنگاه لذت تو در خداوند خواهد بود؛ تو را بر بلندیهای زمین سوار خواهم کرد، و میراث پدرت یعقوب را به تو خواهم خورانید؛» زیرا که دهان خداوند تکلّم کرده است."*

در زمان عیسی مردم نمایش بزرگی از روزه داشتند. پلاس می‌پوشیدند و خاکستر بر سر می­ریختند. مردم می‌دانستند که آنها، بخاطر اینکه مورد لطف خدا قرار گیرند، داوطلبانه رنج می‌برند. امّا عیسی به شاگردانش گفت که چهره‌ای شاد داشته باشند، نه چهره‌ای ترشرو یا غمگین. دلیل این امر این است که مردم قادر به خواندن حالات چهره هستند.

چهره ترشرو نشان دهنده غم و اندوه یا رنج است. وقتی مردم چهره‌ای غمگین می‌بینند طبیعتاً دلیل آن را جویا می‌شوند. سپس ریاکار فرصتی پیدا می‌کند تا با گفتن این جمله که «آه من به نفع این یا آن روزه می‌گیرم» توجه‌ی مردم را به حالت فروتنی خود جلب کند. مردم ممکن است تلاشهای او را تحسین کنند، امّا خدا آن را روسیاهی می‌داند. به نظر می‌رسد که برای قرار گرفتنِ دست پر لطفِ خدا بر سر فرد، فروتنی او لازم است. چهره غمگین همچنین نشان دهنده‌ی ناامیدی و عدم اطمینانِ فرد به خداست. او ایمان ندارد که خدا در این شرایط عمل خواهد کرد.

از طرف دیگر چهره شاد نشان‌دهنده‌ی لذتی است که از درون تراوش می‌کند. فرد شاد سرشار از امید و اطمینان است و ایمان دارد که خدا در این شرایط عمل خواهد کرد. همچنین مردم دوست دارند بدانند که چرا یک فرد شاد است. این امر می‌تواند دلیل نصیحت پطرس رسول در اول پطرس باب 3 آیه 15 باشد "*پیوسته آماده باشید تا هرکه سبب امیدی را که دارید از شما پرسید، او را جواب دهید، امّا به نرمی و احترام*."

عیسی به شاگردانش می‌گوید که همه این اعمال نیکو را در خفا انجام دهند زیرا پدرشان که نهان‌بین است به آنها پاداش خواهد داد. آنها رضایت، جلال و تحسین خود را از او دریافت خواهند کرد. برخلافِ شخص ریاکار، انگیزه شاگرد از اعمال نیکو بر مبنای فروتنی است. او مایل است ببیند که خدا تمجید می‌شود. و اعمال پارسای او بر اساس محبّت به خدا و دیگران است.

انجام اعمال نیک همیشه نیاز به یک قربانی دارد که در صدقه پول است، در دعا وقت است و در روزه غذا یا چیز دیگر. نتيجه نهايى انجام اعمال نیک، پاداش برای كسى است كه آن كار را انجام دهد. برای ریاکار تحسین مردم و برای شاگرد گنجی است که در آسمان برای او ذخیره شده است.

بحث گروهی:

1. چرا بازیگران در جامعه بسیار مورد توجه هستند؟

2. نوع رضایتی را که دریافت می‌کنید توصیف کنید و بگویید چه احساسی در شما ایجاد می‌کند.

نکته درس:

برای اعمال نیک خود پاداش بهتری بگیرید.

فعالیت:

قبل از جلسه بعدی حداقل یک عمل نیکو انجام دهید و آن را به کسی نگویید.

# درس 12

دعا

گفتمان گروهی:

در دوران کودکی آیا دعا کرده­اید و آیا می‌توانید آنها را به خاطر بیاورید؟

مقدمه:

در درس قبل یکی از موضوعاتی که به آن پرداختیم دعا بود. عیسی به شاگردانش گفت که چگونه بر خلاف ریاکاران و غیرایمانداران دعا کنند. در بحبوحه بحث دعا، او دعایی را به شاگردانش می‌دهد که به «دعای ای پدر ما» یا «دعای ربّانی» معروف است. در دعای ربّانی، مفاهیمی منتقل می‌شود که برخلاف روش دعای غیر ایمانداران است و عیسی به طور ویژه در یک جنبه‌ی خاص از آن تمرکز دارد.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دعا

موعظه سر کوه

متی باب 6 آیات 9 تا 15

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

«پس شما این‌گونه دعا کنید: «ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدّس باد. پادشاهی تو بیاید. ارادۀ تو، چنانکه در آسمان انجام می‌شود، بر زمین نیز به انجام رسد. نان روزانه ما را امروز به ما عطا فرما و قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم. و ما را در آزمایش میاور، بلکه از آن شریر رهاییمان ده. [زیرا پادشاهی و قدرت و جلال، تا ابد از آنِ توست. آمین.] زیرا اگر خطاهای مردم را ببخشید، پدر آسمانیِ شما نیز شما را خواهد بخشید. امّا اگر خطاهای مردم را نبخشید، پدر شما نیز خطاهای شما را نخواهد بخشید.

بحث گروهی:

1. آیا فکر می‌کنید در زیاد تکرار کردنِ دعای ربّانی ، ما نیز مانند غیر ایمانداران از وردهای تکراری استفاده می‌کنیم؟ بله یا خیر؟

فرمان­:

* شما اینگونه دعا کنید

درس:

عیسی در مورد دعا آموزش می‌دهد. او از شاگردانش می‌خواهد که معانی روحانی نهفته در کلماتی را که می‌گویند درک کنند. دعا به معنای تکرار بی‌معنی کلمات نیست. دعای ربّانی علاوه بر اینکه یک دعای مؤثر است، روشی عالی برای نزدیک شدن به خدا را نیز فراهم می‌کند که شامل مخاطب ساختن، ستایش کردن و درخواست کردن است.

*"*ای *پدر ما که در آسمانی"*، این نوعی مخاطب ساختن است. با گفتن «پدر ما»، خدا را بعنوان پدر مخاطب قرار داده می‌شود و نشان می‌دهد که شخص در یک خانواده روحانی قرار دارد. و تصدیق می‌کند که هر شاگرد رابطه‌ای مانند یک فرزند با خدا دارد و سایر ایمانداران، برادران و خواهران او هستند. وقتی برای برادران و خواهران دعا می‌شود، محبّت واقعی، نشان داده ‌می‌شود. مخاطب مستقیماً پدر آسمانی است و از این رو نمی‌توان آن را با پدر انسانی شاگردان اشتباه گرفت زیرا برخی از آنها هنوز روی زمین زندگی می کنند. همچنین تصدیق می‌کند که خدا، خالق و پدر آنهاست و عزّت و اطاعت شایسته اوست.

*"نام تو مقدس باد"* این عبارت ستایش است. مقدس به معنای پاک و بی‌گناه است. با گفتن این سخن، شاگردان اعلام می‌کنند که نام خدا پاک و منزه از هر گونه ناپاکی است و از آنجایی که آنها فرزندان خدا هستند، باید بدانند نام او را بر خود دارند که به همراه آن، مسئولیت زندگی کردن با این نام می‌آید.

*"*پادشاهی *تو بیاید. اراده تو چنانکه در آسمان به انجام می‌رسد، بر زمین نیز به‌انجام رسد*.*"* این عبارت اولین درخواست است. شاگردان تشخیص می‌دهند که اراده‌ی خدا بر روی زمین انجام نمی‌شود و از او می‌خواهند که زمین را با گسترش کامل حکومت خود برکت دهد. (بررسی عمیقتری از ملکوت خدا در درس 1۸ آموزش داده خواهد شد.)

سپس به شاگردان دستور می‌دهد که سه چیز دیگر را از خدا درخواست کنند: غذا برای بدن، بخشش برای نفس و هدایت برای روح. *"نان روزانه‌ی ما را امروز به ما عطا فرما"* اولین مورد از این درخواست‌ها است.این درخواستی برای کل مدت حیات شاگردان است، عیسی با استفاده از کلمه «امروز» به این نکته اشاره می‌کند که دعای ربّانی باید هر روز انجام شود. این درخواست تصدیق می‌کند که خدا مهیاکننده نیاز بدن است.

"*و قرضهای ما را ببخش، چنانکه ما نیز قرضداران خود را می‌بخشیم*" درخواست بعدی است. کلمات «قرض» و «*قرضداران»* به کار رفته در این عبارت، می‌تواند مفاهیم گوناگونی را برساند. مفاهیمی که برای قرض استفاده می‌شوند عبارتند از: لغزش، فساد، گمراهی، تجاوز، تخلف، منحرف شدن، سقوط، تقصیر، توهین یا گناه. منظور از کلمه «قرض»، آن چیزی است که باعث آسیب می‌شود. بدهکار کسی است که باعث ضرر می‌شود، از این رو مدیونِ کسی می‌شود که به او آسیب می‌رساند.

این درخواست، مرحله‌ای مهم و اساسی در دستورات عیسی درباره دعا است. عیسی پس از پایان خودِ دعا، دوباره توجه شاگردان را به این عبارت در دعا معطوف می‌کند: «شاگرد به خدا می‌گوید قبلاً همه قرضداران خود را بخشیده است»، پس اگر آنها را نبخشیده باشد به خدا دروغ می‌گوید. جدّیت دروغ گفتن به خدا در مرگ دو شاگرد، حَنانیا و سَفیره در کتاب اعمال رسولان باب 5 آیات 1 تا 11 نشان داده شده است.

برخی ممکن است از آیه بالا اینگونه برداشت کنند: «همانگونه که ما قرضداران خود را می‌بخشیم، قرض­های ما را ببخش.» در انجام این کار، شاگرد همچنان در دام سخنان خود، گرفتار است. در یک برداشت، خدا قرض‌های ما را خواهد بخشید اگر ما قرض‌های دیگران را ببخشیم. پس هنگامی که شاگرد عمل می‌کند خدا خواهد بود. در برداشتی دیگر، به همان اندازه‌ای که ما دیگران را خواهیم بخشید، خدا ما را خواهد بخشید. در این برداشت، خدا به همان شیوه‌ی شاگرد می‌بخشد. بنابراین، اگر شاگرد نبخشد، خدا نیز نخواهد بخشید.

مهم نیست که یک فرد چگونه این آیات کتاب مقدس را می‌خواند. نکته همان است،اگر شاگرد دیگران را نبخشد، خدا او را نخواهد بخشید. وقتی خدا شخصی را نبخشد، چگونه می­تواند کار دیگری برای او انجام دهد، زیرا کل انجیل عیسی مسیح بر اساس بخشش و مصالحه است؟ خدا همیشه حاضر است ببخشد، اما آیا ما حاضر به بخشش هستیم؟

نکته‌ی مهم دیگری در درخواست برای بخشش وجود دارد و در خود دعای ربّانی، پیش از درخواست سوم است که می‌گوید: " *ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده*." خدا نمی‌تواند شاگرد را از شریر رهایی دهد، زیرا شاگرد نمی‌بخشد پس خدا او را نمی‌بخشد تا زمانی که او نبخشد. دلیل اصلی رنج بردن کلیساها از شریر، فقدان بخشش است

آخرین درخواست همچنین اذعان دارد که خدا قادر است شاگردان را از شریر دور نگه دارد و آنها را از شریر رهایی بخشد، به شرط اینکه آنها شروع به بخشش دیگران کنند.

برخی از ترجمه‌های کتاب مقدس شامل دو جمله اضافه است. *"زیرا پادشاهی، قدرت و جلال تا ابدالاباد از آن توست. آمین"* در جمله اول، شاگردان اذعان می‌کنند با کسی که دعا می‌کنند، خداست و او حکمران مطلق، جاودان و قادر به برآوردن خواسته‌های آنهاست.

خدا، که پادشاهی­ او را بر عهده دارد، خوراک روزانه را فراهم می‌کند، قدرتش گناهان را می­بخشد و جلال او انسان‌ها را به وسوسه نمی­کشاند، بلکه آنها را از شریر رهایی می‌بخشد. با جایگزینی کلمه محبّت به جای خدا در جمله قبلی، اینگونه می‌خوانیم: محبّت غذای روزانه را فراهم می‌کند، گناهان را می­بخشد و انسان را به وسوسه نمی‌کشاند، بلکه آنها را از شریر رهایی می‌دهد. آیا این به شما استدلالی درباره هدف یک شاگرد در ملکوت خدا می‌دهد؟

دعا با بیان «*آمین*» به پایان می رسد. بدان معنا که امر قطعی یا حقیقی است.

بحث گروهی:

2. یک نفر را که نبخشیده‌اید نام ببرید و به گروه بگویید چرا؟

نکته درس:

دعای ربانی را روزانه تمرین کنید.

فعالیت:

نام هرکسی را که نبخشیده‌اید روی یک تکه کاغذ بنویسید. تک تک آنها را ببخشید و سپس آن تکه کاغذ را بسوزانید. خاکستر را به باد بسپارید تا جایی که مشرق از مغرب فاصله دارد حمل شود. سپس با درک سخنانی که می‌گویید، دعای ربّانی را بخوانید.

# درس 13

به دست آوردن گنج

گفتمان گروهی:

تجسم فکری به افراد کمک می‌کند تا بهتر یاد بگیرند. اگر صندوقچه‌ای نفیس دارید آن را به جلسه بیاورید و از گروه بپرسید­ که درون آن چه چیزی است. بعد از اینکه به درستی شناسایی شد از گروه بپرسید صندوقچه گنج برای چیست؟ سپس این سؤالات را بپرسید: «در دوران کودکی با ارزش ­ترین دارایی شما چه چیزی بود؟ و چرا؟»

مقدمه:

عیسی موعظه سر کوه را ادامه می‌دهد.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دعا

به دست آوردن گنج

متی باب 6 آیات 19 تا 23

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

*بر زمین گنج میندوزید، جایی که بید و زنگ، زیان می‌رساند و دزدان نَقْب می‌زنند و سرقت می‌کنند. بلکه گنج خود را در آسمان بیندوزید، آنجا که بید و زنگ زیان نمی‌رساند و دزدان نَقْب نمی‌زنند و سرقت نمی‌کنند. زیرا هر جا گنج توست، دل تو نیز آنجا خواهد بود. چشم، چراغ بدن است. اگر چشمت سالم(بسیط) باشد[[65]](#footnote-65) ، تمام وجودت روشن خواهد بود. امّا اگر چشمت فاسد باشد [[66]](#footnote-66)، تمام وجودت را ظلمت فرا خواهد گرفت. پس اگر نوری که در توست ظلمت باشد، چه ظلمت عظیمی خواهد بود!*

فرمان­ها­:

* بر زمین گنج میندوزید.
* بلکه گنج خود را در آسمان بیندوزید.

بحث گروهی:

1. با توجه به متن کتاب مقدس دو مکانی که گنج را می‌توان ذخیره کرد چه جاهایی هستند؟

أ) زمین

ب) آسمان

2. چند گنجینه را نام ببرید که می‌توان روی زمین ذخیره کرد؟

أ) طلا

ب) نقره

ج) جواهرات گرانبها

د) پول

ه) پوشاک

و) خانه

ز) ماشین

ح) اسباب منزل

ی) هر نوع وسیله بازی برای مردان و زنان در سنین مختلف.

**قسمت اول درس:**

مانند اکثر تعالیم عیسی که، او از سطح ابتدایی شروع می‌کند، سپس شنونده را به سطح عمیق‌تری می‌برد و آنگاه به هسته‌ ‌یاصلی موضوع می‌پردازد، این تعلیم نیز از این الگو تبعیت می‌کند. همانطور که شاگردان به اولین جمله او گوش می‌دهند، به راحتی می­توانند معنای آن را درک کنند. «بر زمین گنج میندوزید، جایی که بید و زنگ، زیان می‌رساند و دزدان نَقْب می‌زنند و سرقت می‌کنند.

درابتدا، عیسی درباره گنج صحبت می‌کند، چیزهای گرانبها، نه چیزهای معمولی. او در مورد نیازهای عادی صحبت نمی‌کند. به طور کلی، چیزهایی که ما نیاز داریم به طور منظم و دائمی استفاده می‌شوند. بنابراین بید و زنگ آنها را از بین نمی­برد زیرا بِلا­استفاده نیستند. و دزدها معمولاً برای بردن چیزهایی که گرانبها نیستند ریسک نمی‌کنند. برای مثال، دزدها ممکن است وارد خانه شما شوند و پول بدزدند، اما زیرپوش شما را بر نمی‌دارند.

بحث گروهی:

3. انسان برای به دست آوردن گنج چقدر باید تلاش کند؟

4. چقدر کافی است؟

**قسمت دوم درس:**

فرمان بعدی عیسی، شاگردان را وادار می‌کند تا کمی عمیق­تر فکر کنند. *"بلکه گنج خود را در آسمان بیندوزید، آنجا که بید و زنگ زیان نمی‌رساند و دزدان نَقْب نمی‌زنند و سرقت نمی‌کنند."*

این آیه برای شاگردان چند چالش را بوجود می‌آورد. در چندین نسل‌ گذشته، از مردم عادی گرفته تا فرعون، پس از مرگِ هرکس، اشیاهای گرانبهای او را نیز با وی دفن می‌کردند. اما همه آنها تا به امروز در زمین باقی مانده است. پس چگونه شاگردان گنج­های خود را از زمین به آسمان خواهند برد؟ آیا خدا آنها را بصورت پَرتو به آسمان می‌برد؟

چالش دومی که به ذهنم می­رسد این است که در اولین فرمان به نظر می­رسید که عیسی نمی‌خواست شاگردان انباشته‌کننده یا ذخیره کننده‌ی گنج باشند، اما اکنون، در گفتارش، دقیقا همان چیز را می‌خواهد. اینگونه برداشت می‌شود که او به مکانی که گنج باید درآن ذخیره شود اشاره دارد. اما طلا، نقره و جواهرات گرانبها در آسمان به چه کار می‌آیند؟ مطمئناً منظور عیسی باید چیزی فراتر از این موارد باشد. گنجینه‌های بهشت باید ارزش ابدی داشته باشند.

در سراسر کتاب مقدس به این گنجینه‌های ابدی اشاره شده است و پولس رسول آنها را در اولین رساله خود در اول قرنتیان باب 13 آیه 13 بیان می‌کند. *"*و *حال این سه چیز باقی می‌ماند: ایمان، امید و محبّت."* امّا بزرگترینشان محبّت است. ایمان به طلا، امید به نقره و محبت به جواهرات گرانبها تشبیه شده است. ایمان مثل طلا با آتش تصفیه می‌شود. امید مانند نقره باید با از بین بردن ناخالصی‌ها پاک شود. و محبّت مانند جواهرات گرانبها در اندازه‌ها، شکل‌ها و رنگ‌های گوناگون وجود دارد.

بحث گروهی:

5. برخی از اعمالی که نیاز به ایمان دارند را نام ببرید.

6. برخی از اعمالی که نیاز به امید دارند نام ببرید.

7. برخی از اعمالی که نیاز به محبّت دارند را نام ببرید.

**قسمت سوم درس:**

عیسی این دو فرمان (*"بر زمین گنج میندوزید" و "بلکه گنج خود را در آسمان بیندوزید")* را با این سخن به پایان می‌رساند: *"هرجا گنج تو است، دل تو نیز در آنجا خواهد بود*.*"* او می‌خواهد شاگردانش بفهمند که هر شخص حق انتخاب برای چیزهای دنیوی یا اخروی را دارد. و هر کدام را که انتخاب کند، بر طبق آن عمل خواهد کرد.

آیا انسان می تواند ببیند که چیزهایی مانند: ایمان، امید و محبّت که همیشه جاودانی است از طلا، نقره و جواهرات گرانبها که مادی هستند ارزش بیشتری دارند؟ به گفته عیسی، این بستگی به نوع دید یک فرد دارد که آیا نیک است یا شر، خوب است یا بد، روشنایی مطلق است یا تاریکی مطلق. چشم چیزی را می­بیند که قلب برایش ارزش قائل است!

عیسی در عبارت "*چشم، چراغ بدن است. اگر چشمت سالم باشد ، تمام وجودت روشن خواهد بود. امّا اگر چشمت فاسد باشد ، تمام وجودت را ظلمت فرا خواهد گرفت."* از «چشم سالم» برای اشاره به شخص سخاوتمند استفاده می‌کند. اما «چشم فاسد» نشان دهنده این است که شخص بخیل یا حریص است. در کتاب امثال می‌توان به این موضوع اشاره کرد. در باب 22 آیه 9 می‌فرماید: *"شخص گشاده‌دست خود نیز مبارک خواهد بود، چراکه از نان خود به بینوایان می‌دهد."* به همین ترتیب، در باب 28 آیه 22 می‌گوید: *"مرد تنگ‌چشم در پی ثروت می‌شتابد، بی‌خبر که تنگ‌دستی در انتظار اوست*.*"*

روحی که فرد را کنترل می­کند، سخاوت یا بخیل بودن او را موجب می­شود. برای سخاوتمندی، سه چیز نیاز است: ۱ـ ایمان به خدا، ۲ـ امید به پاداش­های ابدی و ۳ـ محبّت به دیگران است. این موارد به ویژه زمانی که فردی فقیر است بیشتر اثبات می‌شود. در ادامه، عیسی به یک بیوه زن فقیر اشاره می‌کند که دو سکه ناچیز به خزانه معبد اهدا کرد و عیسی گفت که او بیشتر از بقیه هدیه داده است. چرا؟ چون او در حضور خدایش در ایمان ثروتمند بود.

نکته درس:

گنج خود را انتخاب کنید و در مکان مناسب ذخیره کنید.

فعالیت:

اول قرنتیان باب 3 آیات 10 تا 15 را بخوانید.

قبل از جلسه بعدی گروه، عملی را انجام دهید که نیاز به ایمان دارد، عملی­ که نیاز به امید دارد و عملی­ که نیاز به محبّت دارد. سپس آن اعمال را یادداشت کنید و در جلسه بعدی گروه به اشتراک بگذارید.

# درس 14

ترازوی عدالت

گفتمان گروهی:

راجع به یک تصمیم که گرفتید و بعد پشیمان شدید در گروه گفتگو کنید؟

مقدمه:

*"حکم مکنید تا بر شما حکم نشود."* این جمله با درون‌مایه سرزنش، مانند یک تُن آجر بر شنوندگان عیسی فرو می­ریزد. این شاید یکی از چالشی‌ترین قسمت‌های کتاب مقدس باشد که برای بسیاری قابل هضم نیست. اگر این جمله به تنهایی استفاده شود، ممکن است این نوع طرز تفکر ایجاد شود: مسیحیان هرگز نباید در مورد چیزی تصمیم بگیرند. امّا این چنین نیست زیرا در ادامه‌ی این عبارت، آیاتی را می‌بینیم که عیسی درباره دو موضوع مختلف صحبت می کند: «قضاوت در مورد دیگران و تشخیص چیزهای نیک از چیزهای بد و سپس انجام اقدامات مناسب.»

در این درس به موضوع قضاوت دیگران پرداخته خواهد شد و درس بعدی، تشخیص نیک و بد را مطرح خواهیم کرد.

قبل از پرداختن به تفسیر عیسی درباره قضاوت دیگران، بیایید ببینیم برای قضاوت منصفانه و بی طرفانه در مورد شخص دیگری چه عناصری لازم است:

1. قاضی

2. قانون.

3. شاکی.

4. متهم.

5. شهادت شاهدان.

6. حکم.

7. صادر کردن رأی در صورت لزوم.

یک مرجع قانونی، حقوقی، روحانی با اقتدار الهی باید قاضی را تعیین کند. سؤالی که برای شاگردان عیسی مسیح مطرح می‌شود این است: «آیا شما به عنوان قاضی منصوب شده‌اید و اگر چنین است توسط چه کسی؟» طبق کتاب مقدس، یک شخص وجود دارد که از طرف خدا برای داوری منصوب شده است و آن عیسی مسیح است. کتاب اعمال رسولان باب 10 آیات 42 تا 43 می‌گوید:

*"او به ما فرمان داد تا این حقیقت را به قوم اعلام کنیم و شهادت دهیم که خدا او را مقرر فرموده تا داور زندگان و مردگان باشد. پیامبران جملگی دربارۀ او شهادت می‌دهند که هر که بدو ایمان آورد، به نام او آمرزش گناهان خواهد یافت."*

یک مرجع قانونی، حقوقی، روحانی با اقتدار الهی باید قانون وضع کند. قوانین زیادی وجود دارد که توسط یک مرجع وضع شده است و این قوانین مربوط به موارد زیر است: خانواده، کشور، قانون خدا، شریعت موسی و شریعت روح. برای اینکه بتوانیم بر علیه یک متهم، اتهام‌نامه‌ای طرح کنیم مهم است که بدانیم او زیر نظر کدام قانون است. قاضی باید از آن قانون آگاهی کامل داشته باشد و در حریمِ آن رفتار نماید تا بتواند حکم عادلانه­ای صادر کند. به عنوان مثال، برای یک قاضی شهرداری در ایالات متحده نامناسب است که طبق قوانین اسلامی حکم صادر کند. او برای انجام آن منصوب نشده است و از قرآن اطلاعی ندارد، و مطمئناً نمی‌تواند در حریم آن‌ رفتار نماید.

شاکی باید پرونده خود را به قاضیِ مرجع مربوطه برساند. او نمی‌تواند خود، قاضی باشد! زیرا به دلیل تعصب او، در پرونده بی­طرفی وجود نخواهد داشت و عدالت اجرا نمی‌شود. شاکی نمی‌تواند از نظر قانونی متهم را محکوم کند. فقط کسانی که صلاحیت قانونی اجرای حکم بر متهم را دارند می‌توانند بر علیه او اتهامات رسمی را مشخص کنند.

برای اینکه یک محاکمه بی­طرف، منصفانه باشد، شاکی باید مدارک قانع کننده­ای برای محکوم کردن متهم، به نقض قانون بیاورد. معمولاً شواهد به صورت شهادت شاهدین است. طبق گفته پولس رسول در دوم قرنتیان باب 13 آیه 1، *"هر حقیقتی باید با شهادت دو یا سه شاهد تأیید شود*.*"*

قاضی، تنها کسی است که می­تواند حکم بی­گناهی یا مجرم بودن متهم را صادر کند، نه شاکی.

هم شاکی و هم متهم باید به تصمیم قاضی پایبند باشند. اگر متهم مجرم شناخته شود، قاضی به تنهایی مجازات مناسب با جرم ارتکاب شده را تعیین می‌کند. سپس قاضی مجرم را به مجری اجرای احکام می­سپارد. شاکی مجاز به اجرای حکم نیست، بلکه فقط کسانی که به وسیله قاضی تعیین شده­اند،این صلاحیت را دارند.

شاید عیسی این فرمان را به این دلیل صادر کرد که قلب انسانها را می‌شناخت. بیشتر انسانها وقتی می‌بینند دیگری کاری انجام می‌دهد، و در نظرشان اشتباه می‌آید، می‌خواهند به عنوان قانونگذار، قاضی، شاکی، شاهد و جلاد عمل کنند، ولی اکثر آنها نمی­خواهند که دیگران با آنها به همین شیوه رفتار کنند.

بحث گروهی:

1. نظر شما در مورد مقدمه این درس چیست؟

مطالعه آیات کتاب مقدس:

دعا

ترازوی عدالت

متی باب 7 آیات 1 تا 5، لوقا 6 آیات 36 تا 42

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

*پس رحیم باشید، چنانکه پدر شما رحیم است. «داوری نکنید [[67]](#footnote-67) تا بر شما داوری نشود. زیرا به همان گونه که بر دیگران داوری کنید بر شما داوری خواهد شد. محکوم نکنید تا محکوم نشوید. ببخشایید تا بخشوده شوید. بدهید تا به شما داده شود. پیمانه‌ای پُر، فشرده، تکان داده و لبریز در دامنتان ریخته خواهد شد! زیرا با هر پیمانه‌ای که بدهید، با همان پیمانه به شما داده خواهد شد.» و این مَثَل را نیز برایشان آورد: «آیا کور می‌تواند عصاکش کور دیگر شود؟ آیا هر دو در چاه نخواهند افتاد؟ شاگرد، برتر از استاد خود نیست، امّا هر که تعلیم و تربیتش به کمال رسد، همچون استاد خود خواهد شد. «چرا پَرِ‌کاهی را در چشم برادرت می‌بینی، امّا از چوبی که در چشم خود داری غافلی؟ چگونه می‌توانی به برادرت بگویی: ”برادر، بگذار پَرِ‌کاه را از چشمت به در آورم“، ولی چوب را در چشم خود نمی‌بینی؟ ای ریاکار، نخست چوب را از چشم خود به در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا پَرِ‌کاه را از چشم برادرت بیرون کنی.*

فرمان­ها­:

* رحیم باشید.
* داوری نکنید تا بر شما داوری نشود.
* محکوم نکنید تا محکوم نشوید.
* ببخشایید تا بخشوده شوید.
* بدهید تا به شما داده شود.
* نخست چوب را از چشم خود به در آر.

**قسمت اول درس:**

عیسی پس از جملات پی در­ پی آغازین خود، *"داوری مکنید تا بر شما داوری نشود"*، شروع به استحکام بخشیدن مواضع خود می‌کند. او سیستم عدالت در خانواده خدا را توضیح می‌دهد. و اولین بخش از سیستم عدالت خدا را این گونه بیان می‌کند: "زیرا همانگونه که قضاوت کنید، مورد قضاوت قرار خواهید گرفت." به عبارت دیگر، نحوه قضاوت شاگرد نسبت به دیگری تعیین کننده نوع قضاوت خدا نسبت به خودش می‌باشد.

از آنجایی که ما نیز به همان شیوه­ای که دیگران را قضاوت می‌کنیم، مورد قضاوت قرار می‌گیریم، برخی از استدلال­های منطقی باید به ذهن ما خطور کند. یک استدلال ممکن است این باشد: «بر اساس کدام شریعت می‌خواهم که خدا مرا داوری کند، شریعت موسی، یا شریعت روح که شریعت آزادی است؟» استدلال دیگر ممکن است این باشد: «مگر نمی‌خواهم خدا هم قاضیِ من باشد و هم خودش را به جای متهم بگذارد؟ مگر انتظار ندارم خدا به غیراز گوش دادن به شاکی، به سایر شاهدان نیز گوش دهد؟ مگر امیدوار نیستم که او اعتبار آن شاهدان را بررسی کند؟ مگر نمی‌خواهم تا فرصتی برای دفاع از خودم، برایم فراهم باشد؟» آن وقت شاید همین حسن نیت را با دیگران داشته باشیم!

عیسی بخش دوم سیستم عدالت خدا را اینگونه توضیح می‌دهد: *"زیرا به همان گونه که بر دیگران داوری کنید بر شما داوری خواهد شد."*  به عبارت دیگر، رای و حکمی که برای دیگران صادر می‌کنید، همان حکمی است که از خدا دریافت خواهید کرد. *"محکوم نکنید تا محکوم نشوید. ببخشایید تا بخشوده شوید."* شاگردان عیسی باید بر سؤالات بیشتری تأمل کند. آیا می‌خواهم خدا مرا محکوم کند یا مرا ببخشد؟ اگر او مرا محکوم کند، آیا می‌خواهم مجازاتم ملایم باشد یا سخت؟

عیسی نشان می‌دهد که قانون کاشت و درو در حال اجراست، زمانی که می­گوید، *"بدهید تا به شما داده شود. پیمانه‌ای پُر، فشرده، تکان داده و لبریز در دامنتان ریخته خواهد شد!"* انسان نه تنها چیزی را که بکارد درو می‌کند، بلکه چندین برابر به او باز می­گردد. همانطور که یک دانه دانه‌های زیادی تولید می‌کند و هم نان را به خورنده می‌دهد و هم بذر را برای برزگر؛ قضاوت‌های انسان در این دنیا نیز چنین است.

بحث گروهی:

2. بر اساس چیزهایی که به تازگی آموخته‌اید، چگونه دیگران را قضاوت خواهید کرد؟

**قسمت دوم درس:**

سپس، عیسی با گفتن یک مَثَل، به تعلیم خود درباره قضاوت کردنِ دیگران ادامه می‌دهد. او مَثَل را با دو سؤال بدیهی که نیازی به پاسخ ندارند آغاز می‌کند. *"آیا کور می‌تواند عصاکش کور دیگر شود؟ آیا هر دو در چاه نخواهند افتاد؟"* و سپس آن را با دستور *"نخست چوب را از چشم خود به در آر"* به پایان می‌رساند.

از این مَثَل در محتوای مبحث عیسی می‌توان چندین نتیجه گرفت. اول اینکه عیسی، کسی را که در پی قضاوت دیگری است، با فردی نابینا برابر می‌داند. دوم اینکه علت نابینایی او این است که در چشم خود چوبی دارد که اجازه‌ی دیدن به او نمی‌دهد. سوم اینکه، کسی که دیگری را قضاوت می‌کند نباید کسی را هدایت، رهبری یا شاگردسازی کند، زیرا قادر نیست مشکل خود را به وضوح ببیند. چهارم اینکه، کسی که دیگری را قضاوت می‌کند، مسلماً نباید از شخصی مانند خودش پیروی کند، زیرا هر دو کور هستند و در یک دام می‌افتند. و پنجم اینکه، هر دو نابینا باید فردی را بیابند که بینایی دقیقی داشته باشد تا آنها را رهبری کند.

جمله دوم عیسی این است: *"شاگرد، برتر از استاد خود نیست، امّا هر که تعلیم و تربیتش به کمال رسد، همچون استاد خود خواهد شد."* برای یک شاگرد، مهم است که بداند آیا معلم او دیگران را قضاوت می‌کند یا نه، زیرا شاگرد شبیه استاد خود می­شود. به گفته یوحنای رسول، عیسی برای داوری کسی فرستاده نشده است. *"زیرا خدا پسر را به جهان نفرستاد تا جهانیان را محکوم کند، بلکه فرستاد تا به ‌واسطه‌ی او نجات یابند. هر که به او ایمان دارد، محکوم نمی‌شود، امّا هر که به او ایمان ندارد، هم‌ایناک محکوم شده است، زیرا به نام پسر یگانه‌ی خدا ایمان نیاورده است*.*"*[[68]](#footnote-68)

همانطور که بر مبحث دوم عیسی تمرکز می‌کنیم، متوجه می­شویم که یک شاگرد باید کاملاً آموزش ببیند. تربیت از دو بخش تشکیل شده است: یادگیری یک چیز و بکارگیری آن چیز، یا به عبارت دیگر شنیدن و اطاعت کردن. یک فرد آموزش نمی­بیند مگر اینکه هر دو بخش را انجام‌ دهد. فرایند آموزش دیدن زمان‌بر است. و نمی­توان به شاگرد چیزی از معلمش را آموخت که خود معلم قبلاً آن را نمی‌دانسته است. نکته‌ای که مسیحیان باید مدنظر قرار دهند، این است که چه کسی را به عنوان معلم خود می­خواهند: شیطان که در کتاب مکاشفه به عنوان شاکی برادران معرفی شده است یا عیسی مسیح، ناجی جهان؟

عیسی قسمت پایانی مَثَل را اینگونه بیان می‌کند:

"*چرا پَرِ‌کاهی را در چشم برادرت می‌بینی، امّا از چوبی که در چشم خود داری غافلی؟ چگونه می‌توانی به برادرت بگویی: ”برادر، بگذار پَرِ‌کاه را از چشمت به در آورم“، ولی چوب را در چشم خود نمی‌بینی؟ ای ریاکار، نخست چوب را از چشم خود به در آر، آنگاه بهتر خواهی دید تا پَرِ‌کاه را از چشم برادرت بیرون کنی."* (*متی باب 7 آیات 3 تا* *5*)

عیسی می‌خواهد شاگردانش تعالیم و نگرش های او را درک کنند. اول اینکه، هر دو نفر به عنوان خواهر و برادر هم هستند. آنها والدین مشترک دارند. و از آنجایی که عیسی درباره ارزش‌ها در خانواده خدا بحث می‌کند، به شاگردان اطمینان داده می‌شود که او درباره تمام کسانی صحبت می‌کند که خدا را به عنوان پدر قبول دارند.

دوم اینکه، اگر فردی چوبی در چشم خود داشته باشد، مطمئناً برای دیدن یک پَرِ‌کاه در چشم دیگری مشکل خواهد داشت. چون چوب دید او را مسدود می‌کند و در اصل او قادر به دیدن نمی‌باشد، همچنین او باید به سختی نگاه کند تا پَرِ‌کاه را در چشم دیگری ببیند. پس او باید برادرش را از نزدیک زیر نظر بگیرد، بدون‌شک او به دنبال چیز دیگری است.

سوم اینکه، جالب است بدانید فردی که چوب در چشم داشت، تنها بر اساس بینایی خود، پَرِ‌کاه را در چشم دیگری کشف کرد. معمولاً فردی که پَرِ‌کاه در چشم خود دارد قبل از هر کس دیگری متوجه درد آن می‌شود. سپس آن شخص خودش پر کاه را درمی‌آورد یا احتمالاً اگر خودش در انجام آن مشکل دارد از دیگری درخواست می‌کند.

سوالات متعددی در مورد فردی که چوب در چشم خود دارد مطرح می‌شود. چگونه می‌تواند متوجه چوبی در چشم خود نشود؟ آیا او آنقدر نسبت به درد بی­حس شده است که متوجه آن نمی‌شود؟ و اگر او تا این حد بی­حس است، آیا کسی از او برای درآوردن پَرِ‌کاه کمک خواهد خواست، چون برای انجام این کار نیاز به فردی حساس است؟ چرا چوب را از چشمش در نیاورده است؟ آیا او حتی قادر است پس از آنکه پَرِ‌کاه­ها را پیدا کرد آنها را درآورد درحالیکه درآوردن چوب­ها برایش بسیار دشوار است؟ و از آنجایی که او به چوب در چشم خود توجه نکرده است، آیا می‌توان مطمئن بود که واقعاً می‌تواند پَرِ‌کاه­ها را در چشم دیگران تشخیص دهد؟

بحث گروهی:

3. می‌توانیم با پرسیدن چند سؤال از این مثل، به بینش روحانی دست یابیم:

الف) چرا کسی که چوب در چشمش بود اینقدر از نزدیک به هم ایمانش نگاه می‌کرد؟ (به خاطر پیدا کردن ایراد از او)

ب) چرا یک ایماندار می‌خواهد از دیگری ایراد بگیرد؟ (برای اینکه طرف مقابل را بی‌ارزش کند یا بر دیگری قدرت پیدا کند.)

ج) عیبجوها چه مشکلاتی دارند؟ (آنها برای اینکه ارزش خودشان را افزایش دهند به قضاوتِ دیگران می‌پردازند. آنها واقعاً باور ندارند که خدا وظیفه فرزندپروری را انجام می‌دهد و او را عدالت خواه ضعیفی محسوب می‌کنند. آنها بر این باورند که، بهتر از خدا، در مورد آنچه باید انجام شود داوری می‌کنند، از این رو آنها خود را به عنوان قاضی منصوب می‌کنند که علت اصلی این امر از غرور ناشی می شود.)

د) خودتان تصمیم بگیرید؛ انگیزه‌ی اصلی قضاوت در مورد دیگری خیر است یا شر؟

نکته درس:

فقط یک قاضی وجود دارد و من آن قاضی نیستم.

فعالیت:

با وجدانی آگاه، سعی داشته باشید تا دیگری را قضاوت نکنید. آماده باشید تا در جلسه بعدی هر آزمایشی را که در این تلاش با آن مواجه می­شوید به گروه بگویید.

# درس ۱۵

رشد قوه تشخیص

مشارکت گروهی:

* کتابی را که فقط جلدِ آن، جلد کتاب مقدس است را به جلسه گروه بیاورید و در حالی که آنرا به گروه نشان می‌دهید، بپرسید که چیست؟ (به احتمال زیاد پاسخ، «یک کتاب مقدس» است.)
* از همه بخواهید یوحنا باب 7 آیه 24 را در کتاب مقدس خود باز کنند.
* پس از آن، شما شروع ‌کنید به خواندن چند سطر از کتابی که فقط جلدِ کتاب مقدس را داراست.
* سپس از گروه بخواهید که ارتباط آیه ۲۴ در یوحنا باب 7 با آنچه که در جلسه رخ داده، را بیابند.

مقدمه:

در درس قبل مبحث قضاوتِ افرادِ دیگر مطرح شد. به شاگردان عیسی گفته شد که دیگران را قضاوت نکنند. چندین آیه در عهد جدید این مطلب را تأیید می‌کند و ما آنها را در اینجا مرور خواهیم کرد. آیات اول از کتاب رومیان چنین به ما می‌گوید:

*"تو ای آدمی که دیگری را محکوم می‌کنی، هر که باشی هیچ عذری نداری. زیرا در هر موردی که دیگری را محکوم می‌کنی، خویشتن را محکوم کرده‌ای؛ چون تو که داوری می‌کنی، خودْ همان را انجام می‌دهی. ما می‌دانیم که داوری خدا بر کسانی که این‌گونه اعمال را انجام می‌دهند، بر حق است. پس تو ای آدمی که بر دیگران داوری می‌کنی و خودْ همان را انجام می‌دهی، آیا گمان می‌کنی که از داوری خدا خواهی رست؟ یا اینکه مهربانی، شکیبایی و تحمل عظیم او را خوار می‌شماری و غافلی که مهربانی خدا از آن‌روست که تو را به توبه رهنمون شود؟ امّا تو به‌سبب سرسختی و دلِ ناتوبه‌کارت، غضب را نسبت به خود، برای روز غضب می‌اندوزی، روزی که در آن داوری عادلانۀ خدا آشکار خواهد شد. خدا* ***به هر کس مطابق اعمالش سزا خواهد داد***.*"*[[69]](#footnote-69)

در واقع، پولسِ رسول، کسانی که دیگران را قضاوت می‌کنند، به عنوان افرادی سرسخت و دارای دلی ناتوبه‌کار به شمار می‌آورد. آنها خشم را برای خود ذخیره می‌کنند.

در آیه دیگری در کتاب رومیان چنین آمده است:

*"تو کیستی که بر خدمتکار شخصی دیگر حکم می‌کنی؟ استوار ماندن یا فرو‌افتادن او به آقایش مربوط است. و او استوار هم خواهد ماند زیرا خداوند قادر است او را استوار گرداند*."[[70]](#footnote-70) پولس رسول در این مورد ادامه می‌دهد: "*پس تو چرا برادر خود را محکوم می‌کنی؟ و چرا به برادر خود به دیدۀ تحقیر می‌نگری؟ زیرا همۀ ما در برابر مسند داوری خدا حاضر خواهیم شد. چرا که نوشته شده است: «****خداوند می‌گوید: به حیات خودم سوگند که هر زانویی در برابر من خم خواهد شد و هر زبانی به خدا اقرار خواهد کرد****.» پس هر یک از ما حساب خود را به خدا باز خواهد داد."*[[71]](#footnote-71)

یعقوب، برادر خداوند و رئیس کلیسای اورشلیم، در رساله‌ای تحت نام خودش به مسئله قضاوت نکردن دیگران تأکید می‌کند. او می‌گوید: *"ای برادران، از یکدیگر بدگویی مکنید. هر که از برادر خود بد گوید و یا او را محکوم کند، در واقع از شریعت بد گفته و شریعت را محکوم کرده است. و هر گاه شریعت را محکوم کنی، دیگر نه مجری، بلکه داورِ آن هستی! امّا تنها یک شریعتگذار و داور هست، همان که قادر است برهاند یا هلاک کند. پس تو کیستی که همسایۀ خود را محکوم کنی!"*[[72]](#footnote-72)یعقوب در اواخر رساله خود بار دیگر این نکته را تأکید می‌کند، وقتی که می‌گوید: *"برادران، از یکدیگر شکایت نکنید، تا بر شما نیز داوری نشود، زیرا ’داور‘ بر در ایستاده است*.*"*[[73]](#footnote-73) هر یک از این آیات از تعالیم عیسی پیروی می‌کند: *"داوری نکنید تا بر شما داوری نشود. محکوم نکنید تا محکوم نشوید. ببخشایید تا بخشوده شوید*.*"*

شاگردان عیسی نباید دیگران را قضاوت کنند زیرا خدا آنها را به عنوان قاضی تعیین نکرده است. در کتاب اعمال رسولان آمده است: *" در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می‌پوشید. امّا اکنون به همه‌ی مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند. زیرا روزی را مقرّر فرمود که در آن به واسطه مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه داوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است*.*"*[[74]](#footnote-74) و همینطور کتاب رومیان این نکته را تصدیق می‌کند: *"این در روزی به وقوع خواهد پیوست که خدا بنابر انجیلی که من اعلام می‌کنم، رازهای نهان انسانها را به توسط عیسی مسیح به محاکمه کشد*.*"*[[75]](#footnote-75)

و در کتاب عبرانیان نیز اینگونه بیان می‌شود: "*زیرا او را می‌شناسیم که فرموده است:«* ***انتقام از آنِ من است؛ من هستم که سزا خواهم داد****، و نیز:* ***خداوند قوم خود را داوری خواهد کرد****.» آری افتادن به دستهای خدای زنده چیزی هولناک است*.*"*[[76]](#footnote-76)

اگرچه عیسی نمی‌خواهد شاگردانش دیگران را قضاوت کنند، اما از آنها انتظار دارد که حقایق روحانی را تشخیص دهند و بین نیک و بد تصمیم بگیرند. سه کلمه: قضاوت، تشخیص و تصمیم بسیار شبیه به هم هستند. در واقع کلمه قضاوت بارها به جای تشخیص و تصمیم در سراسر کتاب مقدس استفاده شده و تنها با بررسی کاربرد آن در محتوای جملات است که می‌توان به معنای واقعی آن دست یافت.

بعنوان نمونه در انجیل لوقا باب 7 آیات 41 تا 43 زمانی که عیسی مَثَلی را به مردی به نام شمعون می‌گوید، را بررسی می‌کنیم: عیسی گفت*: "شخصی از دو تن طلب داشت: از یکی پانصد دینار، از دیگری پنجاه دینار. امّا چون چیزی نداشتند به او بدهند، بدهی هر دو را بخشید. حال به گمان تو کدام‌یک او را بیشتر دوست خواهد داشت؟ شَمعون پاسخ داد: «به گمانم آن که بدهی بیشتری داشت و بخشیده شد.» عیسی گفت: «درست گفتی*.»" در این مورد شمعون فرد دیگر را قضاوت نکرد، بلکه به درستی یک حقیقت روحانی را تشخیص داد.

«تشخیص دادن» دارای معانی زیر می‌باشد: پی­بردن، فهمیدن یا آشکار­ساختن. ، کشف حقیقت در مورد چیزی یا کسی است که می‌تواند نظر شخصی یک فرد را شکل دهد. هنگامی که حقیقت در مورد موضوعی آشکار می‌شود، ممکن است باعث اقدام فرد راجع به آن موضوع شود. اما لازم نیست منجر به قضاوتِ دیگران گردد که مستلزم صدور حکم یا تصویب رای بر ضد آنان باشد. عیسی این مفهوم را در جمله­ای که بعداً برای شاگردانش بیان می‌کند، شرح می‌دهد: *"دقت کنید، من شما را همانند گوسفندان به میان گرگان می‌فرستم؛ پس همچون مار هوشیار*(با­ درایت) باشید *و مانند کبوتر ساده*(بدون قضاوت).*"* [[77]](#footnote-77)

مطالعه آیات کتاب مقدس:

رشد قوه تشخیص

موعظه سر کوه

متی باب 7 آیه 6

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

آنچه مقدّس است، به سگان مدهید[[78]](#footnote-78) و مرواریدهای خود را پیش خوکان میاندازید،[[79]](#footnote-79) مبادا آنها را پایمال کنند و برگشته، شما را بِدَرند.

فرمان­ها­:

* آنچه مقدّس است، به سگان مدهید.
* مرواریدهای خود را پیش خوکان میاندازید.

بحث گروهی:

1. معیارهای شما برای تشخیص بین خوب و بد چیست؟

درس:

در سرتاسر کتاب مقدس، شاگردان تشویق می‌شوند که عاقل و هوشیار باشند. در واقع، یکی از عطایای روح‌القدس، تشخیص ارواح است، که به کلیسا در تعیین اینکه چه چیزی نیک است و چه چیزی بد، کمک می‌کند. تشخیص نیک و بد از نظر نویسنده کتاب عبرانیان مستلزم آموزش حواس برای تشخیص است.[[80]](#footnote-80) بلوغ در تشخیص از طریق آموزش و تمرین، حاصل می‌شود. در بعضی مَحاکم، قبل از صدور حکم، دو یا چند شاهد لازم است. قبل از تصمیم‌گیری، برای تشخیص صحیح نیک و بد، باید سه مورد زیر را در نظر گرفت. و هر سه مورد باید در یک راستا باشند:

1. اعمال یا کردار فرد

2. سخنان فرد

3. کلام خدا

همانطور که گفته شد، «نمی‌توان یک کتاب را از روی جلد آن قضاوت کرد»، پس نمی­توان نیک و بد را تنها از روی ظاهر تشخیص داد. اعمال یک فرد یا نمای بیرونی یک وضعیت، در تشخیص مهم است، اما نمی‌تواند تنها معیار باشد. به عنوان مثال، اگر ببینیم فردی اسلحه را به سمت دیگری نشانه گرفته، اطلاعات کافی برای تشخیص درست یا نادرست بودن آن نداریم. ما به اطلاعات بیشتری نیاز داریم، یک بار نیقودیموس در مورد تشخیص دقیق به حاکمان اسرائیل یادآوری کرد وقتی که گفت: "*آیا شریعت ما کسی را محکوم می‌کند بدون اینکه نخست سخن او را بشنود و دریابد چه کرده است؟."*[[81]](#footnote-81)عیسی نیز گفت: *"چنانکه شنیده‌ام داوری می‌کنم*.*"* [[82]](#footnote-82)

کلمات، شاخص مهمی هستند برای درک آنچه در قلب وجود دارد. کلمات نشان دهنده‌ی روح و نیتِ هر عمل می‌باشد. عیسی هنگام صحبت با فریسیان به این موضوع اشاره می‌کند. *"زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید. شخص نیک از خزانه‌ی نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آورد و شخص بد، از خزانه‌ی بد دل خود، بدی*.*"* [[83]](#footnote-83)انگیزه ها برای خدا مهم است.

پیش از این، عیسی در موعظه سر کوه، سه نمونه از انجام کارهای نیک را بیان کرد: صدقه، دعا و روزه. افرادی که این کارها را انجام می‌دادند پاداش دریافت می‌کردند. کسانی که این کارها را در نهان انجام می­دادند، پاداش خود را از خدا دریافت می‌کنند. کسانی که این کارها را برای دیده شدن در ملاءعام انجام می‌دادند، از جانب مردم تحسین و تمجید می‌شدند، اما عیسی آنها را به عنوان ریاکار خطاب کرد. او انگیزه آنها را می‌دانست. در کتاب امثال آمده است: *"همۀ راه‌های انسان در نظر خودش راست است، اما خداوند است که دلها را می‌آزماید*.*"*[[84]](#footnote-84)

کلام خدا، همانطور که از طریق کتاب مقدس یا روح‌القدس نازل شده‌است، عامل نهایی در تشخیص نیک و بد می­باشد. آیا اعمال و گفتار یا ظواهر و انگیزه‌ها با کلام خدا مطابقت دارد؟ کتاب عبرانیان می‌گوید: *"زیرا کلام خدا زنده و مقتدر است و برنده‌تر از هر شمشیر دو دم و چنان نافذ که نَفْس و روح، و مفاصل و مغز استخوان را نیز جدا می‌کند، و سنجشگر افکار و نیّتهای دل است*.*"*[[85]](#footnote-85) برای کسانی که در تشخیص خود از کتاب مقدس استفاده می‌کنند، انجام صحیح این کار مهم است و به شناختی فراتر از آگاهی سطحی آنها در مورد کتاب مقدس نیاز است. پولس رسول تیموتائوس را در مطالعه کتاب مقدس تشویق کرد. *"سخت بکوش تا مقبول خدا باشی، همچون خدمتکاری که او را سببی برای شرمساری نیست و کلام حقیقت را به درستی بکار می‌بندد*.*"*[[86]](#footnote-86)

عیسی در بخش اول تعلیم خود درباره تشخیص، دو فرمان به شاگردانش صادر می‌کند که مستلزم تشخیص نیک و بد و سپس انجام اقدامات مناسب است. *"آنچه مقدّس است، به سگان مدهید و مرواریدهای خود را پیش خوکان میاندازید، مبادا آنها را پایمال کنند و برگشته، شما را بِدَرند."* این فرمان­ها توانایی شاگردان را برای درک کتاب‌ مقدس و بکارگیری دقیق آن محک می‌زند. در معنای عامیانه، بجز یک کودک یا یک فرد ساده‌لوح، دیگر هیچکس به انجام مثالی که عیسی اشاره می­کند حتی فکر هم نمی­کند. حیوانات ارزش چیزهای مقدس یا گرانبها را نمی­دانند، پس چرا در وهله اول به آنها چیزهای مقدس یا مروارید گرانبها بدهیم. عقل سلیم حکم می‌کند که خوراکشان به آنها داده شود.

امّا، اکثر مردم با شنیدن فرمان­ها متوجه می‌شوند که منظور عیسی چیزی بیشتر از یک تعبیر عامیانه می‌باشد. آنها درک می‌کنند که عیسی از تمثیلی برای دو فرمان­، استفاده کرده تا حقیقت روحانی عمیق تری را به شاگردان برساند. بنابراین برای دانستن اینکه عیسی درباره چه چیزی صحبت می‌کند و سپس، انجام دقیق آن، نیاز به درک عمیق‌تری داریم که بیش از درک مفهومی است که مستقیماً در مَثَل مشاهده می‌شود

در دنیای طبیعی، کودکان بلافاصله شروع به استفاده از حواس پنج گانه خود می‌کنند، اما چندین سال طول می‌کشد تا آنها به طور کامل رشد کنند. دراین فرآیندِ بلوغ طبیعی، نیاز به یادگیری کلمات برای برقراری ارتباط با حواس است. و کودکان همچنین باید یاد بگیرند که اندیشه‌ها و ایده‌‌ها را برای تصمیم‌گیری‌های خردمندانه به هم مرتبط کنند. در بیشتر جوامع، کودکان تا زمانی که به سن بلوغ نرسند در قبال تصمیمات خود پاسخگو نیستند. به عنوان مثال، یک کودک سه ساله ممکن است سعی کند که جواهرات مادرش را به خوک به جای غذا بدهد، اما یک بچه دوازده ساله حتی به آن فکر نمی‌کند. همین اصل برای شاگردان نیز صادق است. وقتی شخصی در ملکوت خدا تولد دوباره یافته است، حواس روحانی او شروع به رشد می‌کند، و آنها برای برقراری ارتباط، کلام را می­آموزند و از طریق کتاب مقدس برای پرورش اندیشه‌ها و مفاهیم کلام خدا استفاده می‌کند.

برای اینکه بفهمیم منظور عیسی خداوند از صدور این دو فرمان از نظر روحانی چیست، با برخی از مشاهدات کلی شروع می­کنیم.

1. فرمان­ها، بیشتر مخصوص شاگردان نابالغ صادر می‌شوند، زیرا یک فرد بالغ در وهله اول حتی به انجام چنین کاری فکر نمی‌کند. انسان بالغ حواس خود را برای تشخیص نیک و بد تربیت کرده است.

2. در این مَثَل دادن یا انداختن نشان دهنده تلاش برای غذا دادن به حیوانات است.

3. سگ و خوک حیوان هستند. آنها ذات یکسانی با کسی که به آنها غذا می‌دهد ندارند: در این مورد غذا دهنده یک شاگرد است. بنابراین حیوانات نمی‌توانند سمبل ایمانداران به عیسی مسیح باشند.

4. کلمه «مقدس» نشان دهنده چیزی است که متعلق به خدا یا وقف اوست.

5. اصطلاح «مرواریدهای شما» نشان دهنده چیز با ارزشی است که فردی که خوراک می‌دهد مالک آن است.

فرمان اول مربوط به دادن چیزی مقدس به سگ است. در کتاب امثال به سگها اشاره شده است: *"مانند سگی که به استفراغ خود برمی گردد، احمقی است که حماقت خود را تکرار کند*.*"*[[87]](#footnote-87) از طریق این آیه متوجه می‌شویم که یک سگ به یک احمق تشبیه شده است. و احمق طبق کتاب مقدس بیش از یک فرد ابله یا نادان است. او کسی است که به خدا ایمان ندارد. مزامیر باب 14 آیه 1 می گوید: *"احمق در دل خود می‌گوید که خدایی نیست*.*"* در مثل، سگ و احمق هر دو به استفراغ خود باز می گردند، که شامل چیزی است که خورده‌اند یا از آن سهمی داشته­اند و آن را رد کرده‌اند.

عیسی در این تعلیم می‌گوید که حیوانات آنچه را که شاگردان به آنها می‌دهند زیر پا می‌گذارند یا تحقیر می‌کنند و سپس به سوی شاگردان بر می‌گردند تا آنها را نابود کنند. اشاره‌ای به این موضوع در کتاب امثال آمده است: *"هر که‌ استهزاکننده‌ را تأدیب‌ کند، به استقبال بی‌حرمتی می‌رود، و هرکه‌ مرد شریر را توبیخ کند، بد می‌بیند. استهزاکننده را توبیخ مکن، مبادا از تو نفرت کند‌، اما مرد حکیم‌ را توبیخ‌ کن، که‌ تو را دوست‌ خواهد داشت‌*.*"*[[88]](#footnote-88) کسی که تمسخر می‌کند و فرداحمق هر دو یکی هستند. نکته‌ی که در مورد این مثال وجود دارد این است که «چیزی را که متعلق به خداست به کسی که از قبل خدا را رد کرده است ندهید». (مثل عشای ربانی، عطایای روحانی، خودتان، و موارد دیگر)

فرمان دوم شامل انداختن مروارید جلوی خوک است. از کتاب مقدس می­آموزیم که مروارید با حکمت یا حقایق گرانبها مرتبط است. کتاب ایوب باب 28 آیه 18 میگوید: *"و کسب حکمت از مروارید بالاتر است*.*"* در کتاب امثال باب 11 آیه 22 به خوک اشاره شده است، *"زن زیبایی که بی­خرد است، مانند حلقه طلایی در پوزه خوک(گراز) است*.*"*

زن بی­خرد، زنی است که فاقد سلیقه، درک، منطق، ذکاوت، مصلحت‌اندیشی، اخلاق، بصیرت یا فهم باشد. او مردم را به گناه وسوسه می‌کند. این اشاره به شخصیت او در کتاب امثال باب 9 آیات 13 تا 18 آمده است. *"زن‌ نابخرد یاوه‌گو است‌، جاهل‌ است‌ و هیچ‌ نمی‌داند، و بر در خانه‌ خود می‌نشیند، بر کرسی‌ای در بالاترین نقطه‌ی شهر‌، و رهگذارن را ندا می‌دهد، آنان‌ را که‌ مستقیم به‌ راه‌ خود می‌روند: ای ساده‌لوحان، بدین سو آیید! وبه کم‌عقلان گویید «آب دزدیده‌ شیرین‌ است‌، و نانی که پنهان خورده شود لذیذ.» اما نمی‌دانند که‌ مردگان‌ در آنجایند، و دعوت‌شدگانش‌ او در اعماق گور*.*"* نکته‌ی مَثل گراز این است که *"****حکمت را به کسی که نمیتواند آن را درک کند یا بفهمد نده"****.* (به یاد داشته باشید که ترس[[89]](#footnote-89) (احترام) خداوندآغاز حکمت است، امثال باب 9 آیه 10)

خلاصه:

بسیاری از مسیحیان راستین می‌خواهند چیزهای خداپسندانه‌ای را که دارند به اطرافیانشان نیز بدهند. اما عیسی به شاگردانش دستور می‌دهد که در دادن برخی چیزهای مقدس و ارزشمند، از قبیل انجیل، عشای ربانی، حکمت، دستورالعمل‌ها و عطاهای روحانی به دیگران عاقل و هوشیار باشند. او اذعان نمود که برخی از مردم نه تنها آنچه را که شاگرد می‌خواهد به آنها بدهد را رد می‌کنند، بلکه در واقع آن را تحقیر می‌کنند و به سمت شاگرد برمی‌گردانند. عیسی برای شاگردانش مرزهایی تعیین می‌کند تا در آن حدود زندگی کنند، زیرا او آنها را دوست دارد و می‌خواهد از آنها حفاظت کند. پس هر یک از ما باید به هشدارهای او توجه کنیم و از فرمان­های او اطاعت نمائیم.

فعالیت:

مرقس باب 7 آیات 24 تا 30 را بخوانید و به سؤالات زیر پاسخ دهید. به طور خلاصه دلایل پاسخ‌های خود را توضیح دهید.

ایمان زن غیر یهودی

متی باب 15 آیات 21 تا 28، مرقس 7 آیات 24 تا 30

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

عیسی آنجا را ترک گفت و در منطقۀ صور[[90]](#footnote-90) و صیدون کناره جست. روزی زنی کنعانی[[91]](#footnote-91) از اهالی آنجا، نزدش آمد و فریادکنان گفت: *"*سرور من، ای پسر داوود، بر من رحم کن! دخترم سخت دیوزده شده است.*"* آن زن غیریهودی و اهل فینیقیّه[[92]](#footnote-92) از سوریه بود امّا عیسی هیچ پاسخی نداد، تا اینکه شاگردان، پیش او آمدند و از او خواهش کرده‌ و گفتند: *"*او را مرخص فرما، زیرا فریادزنان از پی ما می‌آید.*"* در پاسخ گفت: *"*من تنها برای گوسفندان گم‌گشتۀ بنی‌اسرائیل فرستاده شده‌ام.*"* امّا آن زن آمد و در مقابل او زانو زد و گفت: *"*سرور من، مرا یاری کن!*"* او در جواب گفت: *"*نان فرزندان را گرفتن و پیش سگان[[93]](#footnote-93) انداختن روا نیست.*"* ولی زن گفت: *"*بله، سرورم، امّا سگان نیز از خرده‌هایی که از سفرۀ صاحبشان می‌افتد، می‌خورند!*"* آنگاه عیسی گفت: *"*ای زن، ایمان تو عظیم است! خواهش تو برآورده شود!*"* در همان دم دختر او شفا یافت.

1. آیا زن اهل فینیقیّه، همانند یک گراز (بی‌خرد) بود؟ (نه، او ارزش را تشخیص داد و رفت تا آن را از عیسی دریافت کند.)

2. آیا زن اهل فینیقیّه، همانند سگ (احمق) بود؟ (اگرچه عیسی در ابتدا آن زن را به سگان نسبت داد، اما زن به او ثابت کرد که یک ایماندار است.

أ) او خدا را شناخت و احترام داشت.

ب) او نیکویی و رحمت خداوند را فراخواند.

ج) او فرزندان خدا را شناخت و به آنها احترام گذاشت.

د) او جایگاه خود را شناخت، با تواضع و احترام به خدا، انتخاب های او آن را پذیرفت.

ه)او به عیسی اطمینان داد که هر چیزی را از دست او می‌پذیرد و به او برنمی‌گرداند.)

3. عیسی چگونه قضاوت خود را انجام داد؟ (به وسیله آنچه شنید.

أ) *من از خود کاری نمی‌توانم کرد، بلکه بنا بر آنچه می‌شنوم داوری می‌کنم و داوری من عادلانه است، زیرا در پی انجام خواست خود نیستم، بلکه انجام ارادۀ فرستندۀ خود را خواهانم*. (یوحنا باب 5 آیه 30)

ب) *زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید. شخص نیک، از خزانۀ نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آوَرَد و شخص بد، از خزانۀ بد دل خود، بدی. امّا به شما می‌گویم که مردم برای هر سخن پوچ که بر زبان برانند، در روز داوری حساب خواهند داد. زیرا با سخنان خود تبرئه خواهید شد و با سخنان خود محکوم خواهید گردید*. (متی باب 12 آیات 34 تا 37)

ج) نادان نیز اگر خاموش بماند، حکیمش می‌شمارند، آن که دهانش را بسته نگاه می‌دارد، فهیم شمرده می‌شود. (امثال باب 17 آیه 28).)

# درس ۱۶

چگونه زیستن تا ابد

گفتمان گروهی:

آیا تا به حال، به هنگام تلاش برای رسیدن به یک مقصد جدید گم شده‌اید؟ اگر چنین است، مراحلی را که پس از گم شدن برای رسیدن به مقصد انجام دادید شرح دهید.

مقدمه:

در درس قبلی عیسی شروع به تعلیم شاگردانش در مورد «تشخیص روحانی» کرد. او از آنها خواست که حقایق روحانی را دریابند و به کار گیرند. در این درس، او آنها را تعلیم می‌دهد تا از نظر روحانی تشخیص دهند که چگونه حیات ابدی داشته باشند.

«حیات ابدی» یا «زندگی جاودانی» چیزی فراتر از چگونگی نجات و رفتن یک فرد به آسمان است. این شامل حیاتی است که در آن یک شخص زندگی خود را تا ابد می‌گذراند، باید دید خدا حیات را چگونه می­بیند. برطبق فرهنگ عبری انسان تا نَفَس دارد حیات دارد. و مادامی که نَفَس می‌کشد باید زندگی­ای در خور عزّت خدا داشته باشد، زیرا خدا خالق و نگهدارنده حیات اوست. این تصور که انسان روی زمین به گونه‌ای زندگی می‌کند، و زمانی که به آسمان می‌رود به گونه‌ای دیگر، در فرهنگ عبری وجود ندارد.

عیسی پس از تعلیم به شاگردان که زندگی کردن در «حیات جاودانی» چگونه است (نداشتن خشم نسبت به برادر، وفادار بودن، بله شما بله بودن، دعا کردن، بخشش و غیره)، به موضوع اصلی خود باز می‌گردد. *"زیرا به شما می‌گویم، تا پارسایی شما برتر از پارسایی علمای دین و فَریسیان نباشد، هرگز به پادشاهی آسمان راه نخواهید یافت"* [[94]](#footnote-94)عیسی پنج فرمان متوالی صادر می‌کند که به شنوندگانش سرنخ‌هایی در مورد ورود به ملکوت آسمان[[95]](#footnote-95) می‌دهد.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

چگونه زیستن تا ابد

موعظه سر کوه

متی باب 7 آیات 7 تا 14

*گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

بخواهید، که به شما داده خواهد شد؛ بجویید، که خواهید یافت؛ بکوبید، که در به رویتان گشوده خواهد شد. زیرا هر که بخواهد، به دست آوَرَد و هر که بجوید، یابد و هر که بکوبد، در به رویش گشوده شود. کدام‌یک از شما اگر پسرش از او نان بخواهد، سنگی به او می‌دهد؟ یا اگر ماهی بخواهد، ماری به او می‌بخشد؟ حال اگر شما با همۀ بدسیرتی‌تان، می‌دانید که باید به فرزندان خود هدایای نیکو بدهید، چقدر بیشتر پدر شما که در آسمان است به آنان که از او بخواهند، هدایای نیکو خواهد بخشید. پس با مردم همان‌گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند. این است خلاصۀ تورات و نوشته‌های انبیا. «از درِ تنگ داخل شوید، زیرا فراخ است آن در و عریض است آن راه که به هلاکت منتهی می‌شود و داخل‌شوندگانِ به آن بسیارند. امّا تنگ است آن در و سخت است آن راه که به حیات منتهی می‌شود، و یابندگان آن کم‌اند.

فرمان­ها­:

* بخواهید، که به شما داده خواهد شد.
* بجویید، که خواهید یافت.
* بکوبید، که در به رویتان گشوده خواهد شد.
* پس با مردم همان‌گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند.
* از درِ تنگ داخل شوید.

درس:

وقتی برای اولین بار انجیل متی باب 7 آیات 7 تا 14، را می‌خوانیم، به نظر می­رسد که عیسی درباره سه موضوع مختلف صحبت می‌کند: دعا، حکم طلایی، و داخل شدن از در تنگ که به حیات منتهی می‌شود.[[96]](#footnote-96) امّا پس از کمی تا‌یمل، یک تصویر بزرگتر نمایان می‌شود. و آن تصویری است از اینکه «مردم چگونه باید از دید خدا زندگی کنند». چگونه زیستن تاابد، یک نقطه شروع، یک مسیر و یک مقصد دارد.

گاهی اوقات استفاده از یک مثال روزمره، باعث درک آسانتر یک مثال روحانی می‌شود. بنابراین یک مثال برای شما می‌آوریم:

وقتی مردم می‌خواهند به خانه شخصی بروند که قبلاً به آنجا نرفته­اند، ابتدا درخواست آدرس می‌کنند. بعد مسیرهای رسیدن به مقصد را بررسی می‌کنند. برخی افراد برای جلوگیری از گم شدن یا سردرگمی همراهشان نقشه می‌برند، و بعضی تلفن همراه خود را برمی‌دارند! و در نهایت به هنگام رسیدن به مقصد، برای وارد شدن در می‌زنند.

عیسی گفت، اولین قدم برای چگونه زیستن تا ابد این است که راهنمایی بخواهیم. و سپس اعلام کرد که کسی که باید از او درخواست راهنمایی کنیم خداست، یعنی پدر. عیسی به شنوندگان خود اطمینان می‌دهد که هر که از خدا بخواهد دریافت خواهد کرد، زیرا خدا نیکوست. *"بخواهید، که به شما داده خواهد شد*.*"* یعقوب باب 1 آیه 5 نیز می‌گوید: *"اگر از شما کسی بی بهره از حکمت است، درخواست کند از خدایی که سخاوتمندانه بدون ملامت به همه عطا می‌کند، و به وی داده خواهد* شد*."*

همچنین به این نکته اشاره شده است، اما نه بصورت جامع، که فرد برای رسیدن به حیات جاودانی، ممکن است از شخصی غیر از خدا، راهنمایی بخواهد، به همین خاطر دو راه، دو در و دو مقصد وجود دارد. درخواست راهنمایی از خدا نشان می‌دهد که شخص دارای قلبی پاک است، قلبی که سرشار از ایمان و وابسته به وعده‌های خداست.

قدم دوم این است که به دنبال پیروی از رهنمودها ، یا راههای رسیدن به مقصد باشید. عیسی رهنمودها یا «راه» رسیدن به مقصد را کاملاً آسان و قابل دسترس بیان می‌کند: *"پس با مردم همان‌گونه رفتار کنید که می‌خواهید با شما رفتار کنند. این است خلاصۀ تورات و نوشته‌های انبیا*.*"* بوسیله این طرز رفتار با دیگران ثابت می‌شود که شخص دارای تفکر صحیح است، او دیگران را با خود مساوی می­داند و غرور مانع او نمی­شود. این راه، راهی باریک است! عیسی به شنوندگان خود اطمینان می‌دهد که هر کسی که به دنبال پیروی از این رهنمودها یا یافتن راه باریک باشد، آن را خواهد یافت. *"بجویید، که خواهید یافت."*

قدم آخر این است که از در صحیح وارد شوید. عیسی نشان می‌دهد که دو دروازه یا در وجود دارد که افراد می­توانند از آنها عبور کنند. یکی دری است که به حیات ابدی منتهی می‌شود، دیگری دری است به سوی هلاکت. عیسی به شاگردانش می‌گوید که اگر می­خواهند زندگی جاودانی داشته باشند باید از درِ تنگ وارد شوند، در غیر این صورت هلاک خواهند شد. درِ تنگ فقط به عرض یک انسان است و هر بار، یک شخص می تواند از آن عبور کند. و آن در، عیسی است! در انجیل یوحنا باب 10 آیه 9 عیسی اعلام می کند: *"من در هستم! هر که از من داخل گردد، نجات خواهدیافت، و آزادانه به درون خواهد آمد و بیرون خواهد رفت و چراگاه خواهد یافت."* هر کسی که دربِ عیسی را بکوبد، در به رویش باز خواهد شد.

تمام الوهیتِ پدر، پسر و روح‌القدس در رساندن مردم به زندگی جاودانی نقش دارند. پدر راه را نشان می­دهد، روح‌القدس در راه ما را هدایت می‌کند و پسر در را می­گشاید. مسیر رسیدن به زندگی جاودانی ساده است: 1ـ به خدا توکل کنید 2ـ از روح‌القدس پیروی کنید و 3ـ از طریق عیسی بروید. برای آسان‌تر کردن این کار، خدا نقشه‌ای به نام کتاب مقدس ارائه می‌کند تا در صورت گم شدن افراد، آنها بتوانند به راه صحیح برگردند. او همچنین افرادی را در طول مسیر مستقر می‌کند برای تغییر مسیر کسانی که از راه خارج می‌شوند. آنها رسولان، انبیا، *مبشران*، شبانان و معلمان می‌با‌شند. و خداوند برای تکمیل هدایت فرزندانش، روح‌القدس را فرستاد تا در درون قوم خود زندگی کند، بنابراین آنها یک خط ارتباط مستقیم با او خواهند داشت.

نتیجه دیگری که می‌توان از درس عیسی درباره زندگی جاودانی به دست آورد، این است که اگر شخصی راهنمایی­های لازم برای زندگی کردن را از پدر نپرسد، صرفاً چیزی را که دیگران معتقدند راه زندگی است، پیدا خواهد کرد. مطمئناً دیگران زندگی دائمی نداشته‌اند، این جهان را خلق نکرده‌اند و چشم اندازی ابدی ندارند، پس چگونه می­توانند راه را بشناسانند؟ راه آنها عریض و پیدا کردنش آسان است(راه هلاکت).

مردم دنبال کنندگان هستند. مانند گوسفندان، برای امنیت و علوفه به دنبال چوپانخواهند رفت. اما آنان همچنین ممکن است یک بز را دنبال کنند تا ذبح شوند. عیسی فرمود او شبان نیکوست و روح‌القدس را برای رهبری و هدایت گله خود فرستاد. او همچنین فرمان­های خود و مردمِ خداشناس را به آنها داد تا در این راه کمک کارشان باشند. از طرف دیگر بز (شیطان) می­خواهد مردم، راه دنیا را بروند و از پیامبران معلمان دروغین برای فریب آنها استفاده می‌کند.

حیات جاودانی، با وارد شدن به یکی از دو در، تنگ یا عریض به دست می­آید. عیسی گفت که او در تنگ (درب) برای گوسفندان است. و در یوحنا باب 6 آیه 37 عیسی گفت: *"هر آنچه پدر به من بخشد، نزد من آید؛ و آن که نزد من آید، او را هرگز از خود نخواهم راند*.*"* از سوی دیگر، درِ عریض به هلاکت منتهی می‌شود، به خوبی تبلیغ می‌شود، به راحتی پیدا می‌شود و افراد زیادی می‌توانند در یک زمان از آن عبور کنند.

مقایسه‌ای از این دو در را می‌توان در دنیایی که در حال حاضر در آن زندگی می­کنیم ببینیم. دری که به هلاکت منتهی می‌شود را می‌توان به ورودی سالن­های سینما، پارک­های تفریحی و مسابقه‌های ورزشی تشبیه کرد. جمعیت بسیار زیاد است، مردم فشار می­آورند تا وارد شوند و بسیاری می­توانند در یک زمان وارد شوند. از سوی دیگر دری که به حیات جاودانی منتهی می‌شود را می‌توان به ورودی خانه‌ها تشبیه کرد. جمعیت کم است، هیچکس در صف نمی‌ایستد و معمولا یکی یکی داخل می‌شود.

دری که به حیات جاودانی منتهی می‌شود در مقایسه با دری که به هلاکت منتهی می‌شود کوچک است و عده کمی هستند که آن را می‌یابند. با این حال، بسیاری از مردم می­توانند از یک درِ تنگ در مدت زمان طولانی وارد شوند. وقتی کسانی که یک بار وارد آن شده­اند این راه رسیدن به در را به دیگران نشان می‌دهند، در می‌تواند شلوغ‌تر شود و راحت‌تر پیدا گردد.

بحث گروهی:

1. وقتی فرد گم می‌شود چه سرنخ­هایی از خود به جا می‌گذارد؟

2. پاسخ شما به افرادی که گم شده‌اند یا راه را اشتباه می‌روند چیست؟

3. به نظر شما خدا باید چه کاری انجام دهد تا بتواند افراد بیشتری را نجات دهد؟

4. خدا چه کاری می‌تواند انجام دهد تا شما، برای گمشدگان در یافتن راه حیات جاودانی مؤثرتر باشید؟

نکته درس:

اگر می­خواهید به مقصد جدیدی برسید دستورالعمل های کسانی را که قبلاً آنجا بوده‌اند دنبال کنید.

فعالیت:

برای دریافت آن چیزی که شما از طرف خدا نیاز دارید، تا در نشان دادن نحوه زندگی جاودانی به گمشدگان موثرتر باشید، دعا کنید.

# درس 17

بررسی میوه­

گفتمان گروهی:

میوه مورد علاقه شما چیست و چگونه کیفیت آن را بررسی می‌کنید؟

مقدمه:

هنگامی که عیسی به پایان موعظه سر کوه نزدیک می‌شود، همچنان به شاگردانش توصیه می‌کند که، تفاوت بین نیک و بد را بدانند و آن را تشخصیص دهند. او به آنها هشدار می‌دهد که مراقب پیامبران دروغین باشند. سپس نحوه تشخیص درست و غلط آنها را توضیح می‌دهد.

پیامبر، در تعریفی ساده، شخصی است که اراده خدا را به مردم اعلام می‌کند. آنها معمولاً دارای عطایای ماوراء­طبیعی هستند که از آن به عنوان نشانه­ها و عجایب، برای مردم در مورد صحت شهادتشان استفاده می‌کنند. یکی از عطایای رایج، توانایی خارق‌العاده برای پیشگویی رویدادهای آینده است. از این رو بارها به آنها رائی(غیبگو) گفته شده. از آنجایی که مسئولیت اصلی آنها آشکار ساختن اراده خدا است، می‌توانند در کنار معلمان طبقه‌بندی شوند. برخی از پیامبران و معلمان راستین، و برخی دروغین هستند.

خدای یکتای حقیقی از مردم می‌خواهد که به پیامبران و معلمان او توجه کنند، زیرا آنها همراه عطایا فرستاده شده­اند تا مردم را در پیمودن راه پارسایی یاری کنند. اما، به قوم اسرائیل گفته شد که پیامبران را بیازمایند تا ببینند آیا دروغ می‌گویند یا خیر. این آزمودن­ها را می‌توان در باب­های سیزدهم و هجدهم کتاب تثنیه یافت. دو آزمایش وجود داشت و عدم موفقیت در هر دو آزمایش، منجر به مرگ پیامبر می‌شد.

اولین آزمایش شامل سخن گفتن در نام خداوند بود. حتی اگر نشانه یا عجایبی همانطور که پیامبر اعلام کرد، اتفاق بیافتد، اما اگر به مردم بگوید که خدایان دیگر را عبادت کنند، او پیامبری دروغین است.

آزمایش دوم شامل پیامبری است که سخنان خود را بیان می‌کند. حتی اگر پیامبری به نام خداوند نزد مردم بیاید، اما نشانه یا عجایب او آنطور که گفته، محقق نشود، او پیامبری دروغگو است.

مطالعه آیات کتاب مقدس:

متی باب 7 آیات 15 تا 29، لوقا باب 6 آیات 43 تا 49

بررسی میوه­ها

موعظه سر کوه

متی باب 7 آیات 15 تا 20، لوقا باب 6 آیات 43 تا 45

***گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"***

از پیامبران دروغین برحذر باشید. آنان در لباس گوسفندان نزد شما می‌آیند، امّا در باطن گرگان درّنده‌اند. آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت. هیچ درخت نیکو، میوۀ بد به‌بار نمی‌آوَرَد و هیچ درخت بد، میوۀ نیکو نمی‌دهد. هر درختی را از میوه‌اش می‌توان شناخت. نه از بوتۀ خار می‌توان انجیر چید، و نه از بوتۀ تمشک، انگور! شخص نیک از خزانۀ نیکوی دل خود نیکویی برمی‌آورد، و شخص بد از خزانۀ بدِ دل خود، بدی. زیرا زبان از آنچه دل از آن لبریز است، سخن می‌گوید. هر درختی که میوۀ خوب ندهد، بریده و در آتش افکنده می‌شود. بنابراین، آنان را از میوه‌هایشان خواهید شناخت.

ادامه موعظه سر کوه

متی باب 7 آیات 21 تا 29، لوقا باب 6 آیات 46 تا 49

***گزیده‌ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"***

نه هر که مرا ’سرورم، سرورم‘ خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که ارادۀ پدر مرا که در آسمان است، به جا آوَرَد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: ”سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوّت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟“ امّا به آنها به‌صراحت خواهم گفت، ”**هرگز شما را نشناخته‌ام. از من دور شوید، ای بدکاران!**“**[[97]](#footnote-97)** پس هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل کند، همچون مرد دانایی است که خانۀ خود را بر سنگ بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادها وزید و بر آن خانه زور آورْد، خراب نشد زیرا بنیادش بر سنگ بود. امّا هر که این سخنان مرا بشنود و به آنها عمل نکند، همچون مرد نادانی است که خانۀ خود را بر شن بنا کرد. چون باران بارید و سیلها روان شد و بادها وزید و بر آن خانه زور آورْد، ویران شد، و ویرانی‌اش عظیم بود! چون عیسی این سخنان را به پایان رسانید، مردم از تعلیم او در شگفت شده بودند، زیرا با اقتدار تعلیم می‌داد، نه مانند علمای دین ایشان.

فرمان:

* از پیامبران دروغین برحذر باشید.

درس:

با اعطای روح‌القدس در روز پنطیکاست پس از رستاخیز عیسی از مردگان، قدرتی به کلیسا داده شد تا نبوت کند و نشانه‌ها و عجایب را به عمل آورد. اما، این فرصتی را برای پیامبران و معلمان دروغین فراهم می‌کند تا در عدم آگاهی، به درون قوم خدا خزیده و آنها را نابود کنند. عیسی این زمانِ فریب را پیش بینی کرد و به شاگردان هشدار داد که در روزهای آخر پیامبران دروغین خواهند آمد و بسیاری را گمراه خواهند کرد. عیسی با علم به اینکه برخی قادر خواهند بود هم در نام او سخن گویند و هم نشانه‌ها و عجایبی را به عمل آورند، به شاگردان خود دستور داد تا از روش سومی برای آزمایش پیامبران و معلمان استفاده کنند: «بررسی ویژگی‌ها». *"آنها را از میوه‌هایشان خواهید شناخت."*[[98]](#footnote-98)

تشخیص این پیامبران دروغین دشوار است زیرا آنها خود را به عنوان اعضای گله عیسی در می­آورند اما در باطن گرگان درنده‌اند. از درس قبلی متوجه شدیم که در مَثَل، سگها کسانی هستند که در قلب خود خدا را رد کرده‌اند و گرگها بخشی از خانواده سگها هستند. پولس رسول در مورد این اشخاص با کلیسای افسس صحبت کرد. *"می‌دانم بعد از رفتنم، گرگهای درّنده به میان شما خواهند آمد که به گله رحم نخواهند کرد. حتی از میان خودِ شما کسانی بر خواهند خاست و حقیقت را دگرگون خواهند کرد تا شاگردان را به پیروی خود از راه به در کنند."*[[99]](#footnote-99)بر اساس کتاب یهودا آیه 11 به نظر می­رسد که پیامبران و معلمان دروغین سه ویژگی اساسی مشترک دارند. یهودا می‌گوید: *"زیرا که به راه قائن رفته‌اند و در پی سود، به گمراهی بَلعام گرفتار آمده و در طغیان قُورَح هلاک گشته‌اند*.*"*

قائن، بَلعام و قُورَح چندین چیز مشترک با یکدیگر دارند. هر یک از آنها خدا را از نزدیک می‌شناختند، سخنان او را می‌شنیدند و از سوی خدا در مقامی برجسته قرار داشتند. هر کدام خدا را عبادت کردند و برای او هدایایی ارائه کردند. اما خدا از هیچ یک از آنها راضی نبود. انگیزه هر یک از آنها طمع بود و می­خواستند با انجام کارهایی به روش خود، بر اقتدار خدا غلبه کنند. و هر یک از آنها مسئول مرگ قوم خدا بودند.

قائن[[100]](#footnote-100) اولین فرزند متولد شده از یک زن و مرد بود. او داستان سقوط آدم و حوا در اطاعت نکردن از خدا، عواقب آنها و لعنت بر زمین را می­دانست. و همچنین او از آمرزش و رحمت خدا نسبت به پدر و مادرش آگاه بود، آنگاه که خدا پوست­هایی را برای برهنگی آنها مهیا ساخت. با این حال، قائن زمانی که از محصول زمینی که خدا لعنت کرده بود، هدیه آورد، سعی کرد با اعمال دستان و عرق پیشانی خود مورد لطف خدا قرار گیرد اما خدا هدیه قائن را رد کرد، و هدیه برادر کوچکترش هابیل، که نخست‌زاده گله‌هایش را آورده بود، پذیرفت.

هابیل خدا را جلال داد. او برای اقتدار خدا احترام قائل بود و به روشهای او در انجام کارها اعتماد داشت. او دریافت که لطف خدا با تلاش انسان به دست نیامده، بلکه به خاطر شکرگزاری از نعمت‌هایی که خدا داده حاصل شده است. هابیل مجبور نبود با عرق پیشانی خود روی زمینی که خدا لعنت کرده بود کار کند تا هدیه خود را بیاورد. او فقط باید خدا را به خاطر گوسفندانش شکر می‌کرد. آنها غذا، نوشیدنی و لباس هابیل را فراهم کردند. سپس، بدون هیچ تلاشی از سوی هابیل، گوسفندان به طور طبیعی برای هدیه به خدا افزایش یافتند و بر دارایی او افزودند. چون قائن به مورد لطف قرارگرفتن برادرش طمع ورزید او را به قتل رساند.

بَلعام،[[101]](#footnote-101) نبّی خدا بود. او قادر بود که دقیقاً صدای خدا را بشنود، آینده را پیشگویی کند، و قدرت برکت دادن یا لعنت کردن قوم را داشت.

بالاق، پادشاه موآبیان، بلعام را اجیر کرد تا اسرائیل را لعنت کند. اما خدا او را از این کار بازداشت. نخست، بلعام توسط الاغ خود مورد سرزنش قرار گرفت و دوم اینکه خدا فقط به او اجازه داد که اسرائیل را برکت دهد. اما بلعام به طلای پادشاه طمع داشت. بلعام علیرغم آگاهی از اراده خدا در این مورد، پادشاه را برای نابودی اسرائیل راهنمایی کرد. پادشاه باید زنان موآب را برای فریب مردان اسرائیل بفرستد. زنان می­بایست قلب مردان را به پرستش و خدمت خدایان موآب برمی‌گرداندند و بدین ترتیب باعث می‌شدند که خدا قوم خود را به خاطر گناهشان نابود کند. این نقشه عملی شد و بسیاری از افراد قوم خدا از بین رفتند.

قورح[[102]](#footnote-102) اسرائیلی بود. او از نسل لاوی بود که قبیله او به عنوان کاهنان خدمت می‌کردند. او متعلق به قبیله قَهات‌ بود که از احترام زیادی برخوردار بودند زیرا خدا آنها را برای حمل اثاثیه و ظروف مقدسی که برای پرستش در خیمه استفاده میشد انتخاب کرده بود. قورح رهبر قوم خود بود. او خدا را می‌شناخت، همه معجزاتی را که خدا به‌وسیله موسی انجام داده بود و اینکه خدا موسی را برای رهبری قوم انتخاب کرده بود، دیده بود. با این حال او طغیان نمود زیرا طمع به قدرت و اقتدار موسی داشت. شورش او منجر به هلاکت خود، خانواده‌اش و دویست و پنجاه رهبر دیگر اسرائیل و خانواده‌های آنها شد.

پس از بررسی کوتاه زندگی این مردان، متوجه می‌شویم که تمرکز اصلی آن‌ها بر روی جلال خودشان بوده است. اعمال آنها نشان می‌دهد که انگیزه آنها منفعت شخصی بوده است نه محبّت به خدا و انسان.

در کتاب مقدس، قائن، بلعام و قورح به‌عنوان نمونه‌هایی هستند که انگیزه‌هایِ نادرست آنها در سه بخش مجزای انسان (جسم، نفْس و روح) روی داد.

راه قائن مربوط به بخش جسم از بدن می‌شود. ارضای امیال جسمانی است و از طریق 1ـ زندگی نامقدس در میان قوم خدا مشهود است. راه بلعام مربوط به قسمت نَفْس از بدن می‌شود گمراهی او ارضای امیال نفس به وسیله طمع است و از طریق 2ـ تعالیمی که موجب سقوط قوم خدا می­باشد مشهود است. راه قورح مربوط به قسمت روح از بدن می‌شود. اساس طغیان قورح، غرور و گله و شکایت از خدا، رهبرانش و راه‌های اوست. و از طریق 3ـ ایجاد تفرقه در قوم خدا مشهود است.

عیسی به وضوح به شاگردانش می­گوید که هر کسی که اعلام می‌کند عیسی خداوند است، دلیل بر آن نمی‌شود که به او تعلق دارد. او به شاگردانش در مورد خطای مربوط به نجات که به کلیسا رخنه خواهد کرد، هشدار می­دهد. طبق گفته پولس رسول در کتاب رومیان باب ۱۰ آیات ۸ تا ۱۱ راه نجات توضیح داده شده است. *"چه می‌گوید****؟ اینکه این کلامْ نزدیکِ تو، در دهان تو، و در دل توست****.*[[103]](#footnote-103) *این همان کلامِ ایمان است که ما وعظ می‌کنیم، که اگر به زبان خود اعتراف کنی «عیسی خداوند است» و در دل خود ایمان داشته باشی که خدا او را از مردگان برخیزانید، نجات خواهی یافت. زیرا در دل است که شخص ایمان می‌آورد و پارسا شمرده می‌شود، و با زبان است که اعتراف می‌کند و نجات می‌یابد. چنانکه کتاب می‌گوید: «هر که بر او توکل کند، سرافکنده نشود."*

پولس رسول به سادگی و به درستی راه نجات را بیان می‌کند. اما انسانها این حقیقت را منحرف خواهند کرد. در دومین رساله خود، پطرس رسول به شنوندگان خود هشدار می‌دهد که افراد جاهل و ناپایدار، آنچه را که پولس رسول تعلیم می‌دهد را تحریف خواهند کرد، همانطور که با دیگر نوشته‌های مقدّس چنین می‌کنند، و این موجب هلاکت آنها می‌شود. سپس به آنها اخطار می‌دهد که مراقب خود باشند مبادا به راه بی‌دینان گمراه شوند و پایداریشان را از دست بدهند. بعد از آن، آنها را تشویق می‌کند تا در فیض و شناخت خداوند و نجات دهنده خود عیسی مسیح رشد کنند.[[104]](#footnote-104)

انحرافی که پطرس در مورد آن صحبت می‌کند مربوط به الوهیت عیسی مسیح است. طرز نگرش، به این واقعیت که عیسی خداوند است را در بر می‌گیرد. مردم به سادگی کلمات "عیسی خداوند است" را می‌گویند و معتقدند که نجات خواهند یافت. برای آنها این جمله به یک طلسم جادویی یا به یک بلیط برای رفتن به آسمان تبدیل شده است. در حالی که حقیقت ماجرا این است که وقتی شخصی اعتراف می­کند که عیسی خداوند است، در واقع بیان می­کند که هر کاری را که خداوندش به او فرمان دهد را انجام خواهد داد. وقتی انسان به فرمان خداوندش عمل نکند نشان می‌دهد که شخصی ریاکار است، چیزی را می‌گوید و چیز دیگری را انجام می‌دهد. عملکرد او شخصیت او را آشکار می‌کند. او واقعاً در قلب خود باور ندارد که عیسی خداوند است وگرنه آنچه که عیسی می‌گوید را انجام می­دهد. همانطور که یعقوب در رساله خود می‌گوید: *"*ایمان *بدون اعمال مرده است*.*"*

عیسی این را تأیید می‌کند وقتی می‌گوید: "*هرگز شما را نشناختم! ای بدکاران از من دور شوید*.*"*[[105]](#footnote-105) کسانی که انجیل فیض را به انحراف می‌کشانند، با اعلام اینکه دیگر زیر شریعت نیستند، بلکه زیر فیض‌اند، عمل می‌کنند. این برای آنها بدین معناست که آنها آزادند و به هر شکلی که انتخاب کنند می‌توانند زندگی کنند، که این یک انحراف است. در اصل آنها می‌گویند که هیچ اقتداری بالاتر از خودشان وجود ندارد و می­توانند هر کاری که در نظرشان صحیح است را انجام دهند. هیچ کس به عنوان خداوند در زندگی آنها نیست.

پولس رسول در رساله خود به رومیان باب 6 آیات 14 و 15، اعلام می‌کند که پیروان عیسی مسیح دیگر زیر شریعت نیستند، بلکه زیر فیض هستند. هنگامی که محتوای کل رساله خوانده می‌شود، فهمیده می‌شود که شاگردان عیسی دیگر ملزم به پیروی از شریعت موسی نیستند. اما به وسیله فیض خدا آنها ملزم به پیروی از شریعت روح هستند. زندگی تحت شریعت روح، این است که هر چیزی که شخص می‌گوید و انجام می‌دهد، باانگیزه محبت به خدا و دیگران باشد.

پولس رسول با تقابل شریعت موسی و روح مسیح در رساله خود به غلاطیان، موضوع را روشن تر می‌کند. در غلاطیان باب 5 آیه 18، او بیان می‌کند که شخصی که توسط روح القدس هدایت می‌شود تحت شریعت نیست. اما او به همین جا بسنده نمی‌کند. اظهارات بعدی او نشان می‌دهد که آیا روح‌القدس او را هدایت می‌کند یا جسم خود شخص. *"اکنون اعمال جسم آشکار است، یعنی زنا و فسق و ناپاکی و فجور، و بُت­پرستی و جادوگری و دشمنی­ها و نزاع و کینه و خشم و تعصّب و نفاق و بدعتها، و حسد و قتل و مستی و لهو و لعب و امثال اینها که شما را خبر می‌دهم، چنانکه قبل از این دادم، که کنندگان چنین کارها وارث ملکوت خدا نمی‌شوند. لیکن ثمره روح، محبّت و خوشی و سلامتی و حلم و مهربانی و نیکویی و ایمان و تواضع و پرهیزکاری است، که هیچ شریعتی مانع چنین کارها نیست*.*"*[[106]](#footnote-106)

عیسی به وضوح این سوءبرداشت از انجیل را در مَثَل خود از سازنده دو خانه آشکار می‌کند. هر دو شخص برای محافظت از خود در برابر طوفان خانه­هایی ساختند. طوفان نشان دهنده خشم یا داوری خداست زیرا او به تنهایی نیروهای طبیعت را کنترل می‌کند. خانه­ها نشان دهنده وسیله­ای هستند که انسانها توسط آن از خشم یا داوری خدا نجات می­یابند. خانه‌ی (نجات) یکی از آنها بر پایه‌ی شن یا ماسه بود، که معادل فقط شنیدن سخنان عیسی است. امید این شخص برای نجات از بین رفت. خانه‌ی (نجات) شخص دیگر بر پایه صخره بود، که هم با شنیدن و هم انجام سخنان عیسی برابری می‌کند. امید این فرد به نجات کافی بود.

در انجیل یوحنا باب 12 آیات 47 تا 50، عیسی این حقیقت را تکرار می‌کند. *"و اگر کسی سخنان مرا بشنود، امّا از آن اطاعت نکند، من بر او داوری نمی‌کنم؛ زیرا نیامده‌ام تا بر جهانیان داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را نجات بخشم. برای کسی که مرا رد کند و سخنانم را نپذیرد، داوریْ دیگر هست؛ همان سخنانی که گفتم در روز بازپسین او را محکوم خواهد کرد. زیرا من از جانب خود سخن نگفته‌ام، بلکه پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و از چه سخن برانم. و من می‌دانم که فرمان او حیات جاویدان است. پس آنچه من می‌گویم درست همان‌چیزی است که پدر گفته است تا بگویم*.*"*

نکته درس:

هر سخنی که کسی می‌گوید را باور نکنید، بلکه ثمره یا میوه‌ی آن سخن را بررسی کنید.

فعالیت:

عیسی از شاگردانش می‌خواهد که با بررسی ثمره‌ی سخنان دیگران، خوب و بد را تشخیص دهند و بدون قضاوت دیگران، آنچه را که خوب است، برای خود برگزینند. با استفاده از کتاب مقدس می‌توانیم شروع به تشخیص پیامبران و معلمان دروغین کنیم.

1. آیات زیر از کتاب مقدس را به ترتیب یکی یکی بخوانید.

أ) یهودا

ب) دوم یوحنا باب 1 آیات 7 تا 11

ج) اول یوحنا باب 2 آیات 18 تا 23، باب 4 آیات 1 تا 6، و باب 5 آیات 1 تا 5،

د) دوم پطرس باب 2 آیات 1 تا 22

2. رفتارهای پیامبران و معلمان دروغین در هر قسمت از کتاب مقدس را شناسایی کنید.

3. هر رفتار را زیر یکی از سه ویژگی‌های شخصیتی (جسمانی، نفسانی و روخانی)، که قائن، بلعام یا قورح مطابق آن رفتار کردند، را لیست کنید.

طریق قائن (خواهش­های جسمانی و زندگی نامقدس در میان قوم خدا)

1. افراد خدانشناس که فیض خدای ما را به فجور تبدیل می‌کنند.

2. بدن را نجس می­کنند.

3. به فکر خودشان هستند.

4. آنها دنیوی و فاقد روح هستند.

5. آنها به دنبال هوای نفسانی خود هستند و بخاطر آنان راه حق تباه خواهد شد.

6. جسم را در امیال فاسدش غرق می­کنند.

7. عیاشی در روز را مسرت می‌شمارند.

8. چشمانی پر از زنا دارند و از گناه بازداشته نمی‌شوند.

9. راه مستقیم را ترک می‌کنند.

10. با امیال نفسانی فریب می‌دهند.

گمراهی بلعام (طمع و تعالیمی که باعث سقوط قوم خدا می‌شود)

1. تنها استاد و خداوند ما، عیسی مسیح را انکار می‌کنند.

2. متکبرانه صحبت می‌کنند، به خاطر کسب منفعت، چاپلوسی دیگران را می‌کنند.

3. عیسی مسیح را که در جسم آمده است اقرار نمی‌کنند.

4. در تعلیم مسیح پایدار نیستند.

5. به سخن رسولان گوش نمی‌دهند.

6. آنها مسیح بودن عیسی را انکار می‌کنند.

7. آنها ایمان ندارند که عیسی پسر خداست.

8. در خفا بدعت‌های مهلک می­آورند.

9. بخاطر طمع خود با سخنان دروغ از شما سوءاستفاده خواهند کرد.

10. قلبی دارند که با طمع تربیت شده و نَفْس‌های ناپایدار را به دام می‌کشند.

11. در حالی که در فساد به سر می‌برند، وعده آزادی می‌دهند.

طغیان قورح (گله و شکایت از خدا، رهبران و طریق او. غرور باعث تفرقه در قوم خدا می‌شود)

1. امتناع کردن از اقتدار.

2. عظمت فرشتگان را ناسزا می‌گویند.

3. اینان گله­مندان هستند و عیب جویی می­کنند.

4. مسخره کنندگانی هستند در پی شهوات ناپسند خود.

5. کسانی که باعث تفرقه می­شوند.

6. آنها در کلیسا باقی نمی‌مانند.

7. فرمان­های خدا را رعایت نمی‌کنند.

8. اقتدار را خوار می‌شمارند.

9. جسور هستند.

10. خودخواه‌ هستند.

# مروری بر نسبتِ عیسی با شاگردانش

1. یعقوب\* (جیکوب): برادر عیسی. مولف رساله عهد جدید: "یعقوب". (متی باب 13 آیه 55، مرقس باب 6 آیه 3)

2. یهودا\* (جودا): برادر عیسی. مولف رساله عهد جدید: "یهودا". (متی باب 13 آیه 55، مرقس باب 6 آیه 3)

3. یعقوب، پسر زبدی\* (جیکوب): پسر خاله عیسی، پسر خواهر مریم باکره، سالومه (مرقس باب 15 آیه 40، باب 16 آیه 1).همچنین به عنوان "بوآنِرجِس" یکی از "پسران رعد" شناخته می شود. (متی باب 4 آیات 18 تا 22، مرقس باب 1 آیات 14 تا 20، لوقا باب 5 آیات 1 تا 11، مرقس باب 3 آیه 17)

4. یوحنا \* (یوهانان): پسر خاله عیسی، پسر خواهر مریم باکره، سالومه (مرقس باب 15 آیه 40، باب 16 آیه 1). همچنین به عنوان "بوآنِرجِس" یکی از "پسران رعد" (مرقس باب 3 آیه 17)، «شاگردی که عیسی او را دوست میداشت» (یوحنا باب 13 آیه 23، باب 19 آیه 26، باب 21 آیه 7، باب 21 آیه 20)، شاگرد سابق یحیی تعمید دهنده. نگارنده عهد جدید «انجیل یوحنا»، «اول یوحنا»، «دوم یوحنا»، «سوم یوحنا» و «مکاشفه». (متی باب 4 آیات 18 تا 22، مرقس باب 1 آیات 14 تا 20، لوقا باب 5 آیات 1تا 11، مرقس باب 3 آیه 17)

5. یعقوب، پسر حلفی\* ("جیکوب"): پسر عموی عیسی، پسر برادر یوسف، کْلِئوپاس (لوقا باب 24 آیات 13 تا 35). (همسر کْلِئوپاس مریم ("ماریام") بود. او همچنین به عنوان "مریم دیگر" هنگام مصلوب شدن عیسی و بر سر قبر گشوده شده شناخته می شود. - (متی باب 27 آیه 61، باب 28 آیه 1، لوقا باب 24 آیات 9 و 10). همچنین به عنوان یعقوبِ کوچک یا یعقوب پسر حلفی ("کْلِئوپاس") شناخته می‌شود. (متی باب 4 آیات 18 تا 22، مرقس باب 1 آیات 14 تا 20، لوقا باب 5 آیات 1 تا 11)

6. تدّی\*: پسر عموی عیسی، پسر برادر یوسف، کْلِئوپاس (لوقا باب 24 آیات 13 تا 35). (همسر کْلِئوپاس مریم ("ماریام") بود. او همچنین به عنوان "مریم دیگر" هنگام مصلوب شدن عیسی و بر سر قبر گشوده شده شناخته می‌شود. – (متی باب 27 آیه 61، باب 28 آیه 1، لوقا باب 24 آیات 9 و 10). همچنین به نام یهودا پسر یعقوب یا یهودا نه اسخریوطی شناخته می‌شود.

7. شمعون\*: پسر عموی عیسی، پسر برادر یوسف، کْلِئوپاس (لوقا باب 24 آیات 13 تا 35). (همسر کْلِئوپاس مریم ("ماریام") بود. او همچنین به عنوان "مریم دیگر" هنگام مصلوب شدن عیسی و بر سر قبر گشوده شده شناخته می‌شود. – (متی باب 27 آیه 61، باب 28 آیه 1، لوقا باب 24 آیات 9 و 10). همچنین به عنوان غیور شناخته می شود.

8. شمعون\* (که توسط عیسی به « پیتر » / «پطرس» / «صخره» تغییر نام داد): با دو پسر خاله عیسی، یعقوب و یوحنا، پسران سالومه، خواهر مریم باکره، و برادر اندریاس، در یک کار و کسب ماهیگیری شریک می‌شوند. همچنین به عنوان شمعون بن یونا شناخته می شود (متی باب 16 آیه 17). مولف رساله های عهد جدید: «اول پطرس» و «دوم پطرس». (متی باب 4 آیات 18 تا 22، مرقس باب 1 آیات 14 تا 20، لوقا باب 5 آیات 1تا 11).

9. اندریاس\*: با دو پسر خاله عیسی، یعقوب و یوحنا، پسران سالومه، خواهر مریم باکره و برادر شمعون («پطرس ») و شاگرد سابق یحیی تعمید دهنده، در یک کار و کسب ماهیگیری شریک می‌شوند. (متی باب 4 آیات 18 تا 22، مرقس باب 1 آیات 14 تا 20، لوقا باب 5 آیات 1تا 11).

10. متی\*: رئیس باجگیران در کفرناحوم بود. او بدون شک مالیات را از ماهیگیران، از جمله یعقوب، یوحنا، پطرس و اندریاس، هنگامی که صیدهای خود را برای فروش در بازار می‌آوردند، دریافت می‌نمود. او همچنین ممکن است مقام سلطنتی کفرناحوم بوده باشد که عیسی پسرش را شفا داد. همچنین به عنوان "لاوی" شناخته می‌شود. مولف عهد جدید "انجیل متی". (متی باب 9 آیات 9 تا 13، مرقس باب 2 آیات 13 تا 17، لوقا باب 5 آیات 27 تا 32)

شاگردان باقی‌مانده هیچ رابطه ثبت شده نزدیکی با عیسی ندارند: فیلیپس\*، برتولما، پسر تلمای\*، توما\* و یهودای اسخریوطی\* .

\* متی باب 10 آیات 1 تا 4، مرقس باب 3 آیات 13 تا 19، لوقا باب 6 آیات 12 تا 16

# تعاریف «تورات»

# ۱ـ شریعت به هدف زدن است در حالی که گناه به هدف نزدن است

# ۲ـ راه رفتن با خدا به چه معناست؟

# ۳­ـ ای بدکاران

شریعت به هدف زدن است در حالی که گناه، نزدنِ به هدف است

*بینش­هایی از زبان عبری*

شریعت! چنین کلمه دشواری، کلمه­ای که بسیاری از مسیحیان آن را دوست ندارند و از آن بیم دارند. اما آیا همیشه اینطور بود؟ چرا داوود از «شریعت» لذت می‌برد؟ (مزامیر باب 1 آیه 2، باب 119 آیات 70 ، 77 ، 174) چرا پولس، رسولی که سخنانش درست درک نشده بود، چنین چیزی می‌گوید؟ "برحسب انسانیّت باطنی به شریعت خدا خشنودم." (رومیان باب 7 آیه 22). مطالعه کلمات ساده در نسخه‌های خطی اصلی کتاب مقدس می‌تواند به ما کمک کند تا شریعت خدا را در نور جدیدی درک کنیم.

کلمه­ای که معمولاً در نسخه های فارسی ما، از کتاب مقدس به "**شریعت**" ترجمه می‌شود در زبان اصلی عبری "تورات" است و از ریشه کلمه "Yarah" گرفته شده است:

شماره کشف اللغات عبری **H8451** - **תּורה** - **tôrâh**

از **H3384**; یک قاعده یا اساسنامه، به ویژه ده فرمان موسی یا کتب پنجگانه موسی: شریعت.

(واژه نامه عبری **Brown-Driver-Briggs**- قانون، جهت، دستورالعمل)

شماره کشف اللغات عبری **H3384 – ירה – yârâh**

ریشه اصلی کلمه شریعت؛ به طور مستقیم به عنوان آب جاری (یعنی بارش باران) می‌باشد؛ به طور غیرمستقیم قراردادن یا پرتاب کردن (مخصوصاً یک تیر، یعنی شلیک کردن). و به صورت استعاری اشاره کردن (مثلاً با نشانه گرفتن انگشت)، تعلیم دادن: – (+) تیرانداز، پرتاب کردن، راهنمایی، اطلاع رسانی، آموزش، گذاشتن، نشان دادن، شلیک کردن، تعلیم دادن (معلم، تعلیم)، بواسطه است.

(واژه نامه عبری **Brown-Driver-Briggs**- انداختن، شلیک کردن، پرتاب کردن ، جاری شدن)

با نگاهی به تعاریف ارائه شده در کشف‌اللغات عبری و واژه نامه عبری **BDB** ، مشخص می‌شود که تورات و کلمه ریشه آن **Yarah** به «راهنمایی و دستورالعمل» مرتبط است. و نه تنها به این معانی مرتبط است، بلکه به معنای "پرتاب یک تیر" یا "هدف گرفتن" است. چند نمونه از کاربرد کلمه "**Yarah**" در زیر آورده شده است:

پیدایش باب 46 آیه 28 باری،یعقوب یهودا را پیشاپیش خود نزد یوسف فرستاد تا او را به جوشِن راهنمایی‌کند. (**H3384)**

اول سموئیل باب 20 آیه 20 و من سه تیر به کنار آن سنگ پرتاب خواهم کرد گویی هدفی را نشانه گرفته‌ام. (**H3384)**

مزمور باب 64 آیه 7 امّا خدا تیرها بر ایشان خواهد افکندو به ناگاه مجروح خواهند شد.(**H3384)**

خروج باب 4 آیه 12 پس‌ حال‌ برو و من‌ با زبانت‌ خواهم‌ بود، و هر آنچه‌ باید بگویی‌ به تو خواهم‌ آموخت. (**H3384)**

لاویان باب 10 آیه 11 و همۀ فرایضی‌ را که‌ خداوند به واسطه‌ی‌ موسی‌ به بنی‌اسرائیل گفته است، به آنان بیاموزید.(**H3384)**

مزامیر باب 119 آیه 102 از قوانین تو روی نمی‌گردانم، زیرا که توخود مرا تعلیم داده‌ای. (**H3384)**

از آنجایی که معنای تورات را بررسی کردیم، اجازه دهید به کلمه دیگری که در کتاب مقدس می‌باشد و با آن ارتباط نزدیک دارد نگاه کنیم. کلمه "**گناه**". کلمه ای که معمولاً در نسخه‌های فارسی ما از کتاب مقدس به عنوان "**گناه**" ترجمه می‌شود در عبری "**Chattaah**" است و از ریشه کلمه "**Chatta**" گرفته شده است:

شماره کشف اللغات عبری **H2403 – חטּאת – chaṭṭâ’âh**

از **H2398**; یک جرم (گاهی اوقات گناه معمولی) و مجازات، فرصت جستن، قربانی یا کفاره. همچنین (به طور مشخص) مجرم: - مجازاتِ (گناه)، تطهیر ( تجسم گناه)، گناه (گناهکار، قربانی گناه).

(واژه نامه عبری **Brown-Driver-Briggs**- گناه، گناهکار، قربانی گناه)

شماره کشف اللغات عبری **H2398 – חטא -châṭâ’**

ریشه اصلی؛ به طور مستقیم از دست دادن؛ از این رو (به صورت غیرمستقیم و کلی) گناه کردن; با استنباط تاوان دادن، فقدان، کفاره دادن، توبه کردن، (از روی انگیزه) گمراه کردن، محکوم کردن: - سرزنش کردن، پاک کردن، مرتکب شدن [گناه]، با تقصیر، آسیبی که داشته است، ضرر، از دست دادن، تخطی کردن (متخلف ساختن)، قربانی برای گناه، پاک کردن، تطهیر (خود)، مصالحه کردن، (مسبب گناه ، گناه کردن) (گناهکار ،گناه نمودن)، متجاوز.

(واژه نامه عبری **Brown-Driver-Briggs**- گناه کردن، از دست دادن، گم کردن راه، اشتباه رفتن، متحمل گناه شدن، تاوان دادن، تطهیر نمودن از ناپاکی)

با نگاهی به تعاریف ارائه شده در کشف اللغات عبری و واژه نامه عبری BDB ، واضح است که Chatta’ah و کلمه ریشه آن Chatta به "گمشده و بیراهه رفتن" مرتبط است. که دلالت بر "به هدف نزدن" دارد. مثالی در زیر ارائه شده است:

داوران باب 20 آیه 16 در میان این همه، هفتصد مرد برگزیده‌ی چپ‌ دست‌ بودند که‌ هر یک از ایشان می‌توانست مویی را بی آنکه خطا کند با سنگ فلاخن‌ بزند. (**H2398**)

رابطه بین گناه و شریعت

طبق توضیح یوحنا در نامه اول خود، گناه = شکستن شریعت (اول یوحنا باب 3 آیه 4 "هرکس در گناه زندگی می‌کند، برخلاف شریعت عمل می‌کند، گناه به واقع مخالفت با شریعت است.")

در حالی که «شریعت» به معنای «تیراندازی»، «هدف گرفتن»، «راهنمایی کردن» و «تعلیم دادن» است، «گناه» به معنای «از دست دادن» یا «بیراهه رفتن» است. اگر این استدلال را به صورت تصویری در نظر بگیریم، «تورات» تیراندازی است که هدفی را نشانه می‌گیرد و به هدف میزند، در حالی که «گناه» همان تیرانداز است که "به هدف نمی­زند". اگر دستورات کامل خدا را نشانه نگیریم، می‌توانیم هدف را از دست بدهیم و در نتیجه به «گناه» می‌افتیم.

*مطالعه کلام توسط Key2Changes.com*

راه رفتن با خدا به چه معناست؟

راه رفتن با خدا در اصل به معنای من با خدا راه می روم نیست، آیا می‌توان گفت شبیه یک رقص است، معنی اصلی آن چیست؟

معنی شریعت در تورات همان کلمه "راه رفتن" است، شریعت یهود به هیچ یک از اصطلاحات حقوقی خطاب نمی‌شود. شریعت یهود به معنی «قدم زدن» می‌باشد. در اینجا ما ماهیت ایمان را آنگونه که باید بر اساس کتاب مقدس درک و زندگی کنیم، کشف می­کنیم. زندگی با ایمان نه تنها زندگی در عمل است، بلکه وفادارانه زیستن است.

(*ریشه ایمان*) کلمه Emunah *است*، که از دو بخش Emun "تمرین"، Neeman "وفاداری" تشکیل شده است. ایمان کتاب مقدسی ما را به سمت یک رابطه زنده با خدا هدایت می‌کند، این ماهیت عهد است. یک رابطه واقعی رابطه‌ای پویا است که در آن لحظات صمیمی، لحظات دوری و فراز و نشیب وجود دارد اما راه رفتن با خدا، از صمیم قلب «وفادار» بودن در رابطه با خداست. ما دوست داریم، نهایت نیکویی را بچشیم. و ما خودمان را با این "دیدگاه" در یک جهت هماهنگ می‌کنیم و سپس راه رفتن آغاز می‌شود، هر بار یک قدم. ما همه‌ی پاسخ‌ها را نداریم. چیزهای ناشناخته و اسرار زیادی وجود دارد، اما همیشه به اندازه کافی به ما داده می‌شود تا بتوانیم قدم بعدی را برداریم.

بیایید به کلمه "اسرائیل" نگاه کنیم. معنی کلمه «اسرائیل» «مبارزه» است، اما کلمه «اسرائیل» از دو بخش تشکیل شده است، یکی «مستقیم» و بخش بعدی «خدا» را داریم، پس بیایید در مورد آنچه این کلمات به ما می‌گوید بیندیشیم، زندگی بر اساس ایمانِ اسرائیل چیست؟ این است که "دیدگاه" خودمان را در مقابل دیدگاه خدا را قرار دهیم، و "مستقیم" حرکت کنیم، ما یک مسیر داریم، چشمانمان ما به ملکوت خدا، عالی‌ترین سطح آرمان‌ها و ارزش هایمان است که هرگز تباه نمی‌شوند، با تمرکزی مثل لیزر(که تمرکزش به چپ و راست منحرف نمی‌شود) زندگی خود را، "مستقیم" پیش ببریم.

پیش نیاز این دنیا مبارزه است، و تعریف اسرائیل «مبارزه و چیره شدن» است، ما کلیدهایی داریم که چگونه در روزهای سخت استقامت کنیم و چیره شویم. و این کلیدها به عنوان هدیه به ما داده شده‌است. ما به چالش کشیده می‌شویم و تا انتهای محدودیت های خود و فراتر از آن تحت فشار قرار می‌گیریم و به نظر می‌رسد این یکی از اهداف اساسی زندگی است که فراتر از خودمان رشد کنیم. در مبارزه من باید بیشتر از آنچه هستم بشوم، شاید هدف اینجاست که بیشتر از آنچه هستیم رشد کنیم. به همین دلیل است که اسرائیل "مبارزه را در آغوش بکشید یا مبارزه را تجسم ببخشید" نامیده می‌شود، وقتی در مبارزه چیره می‌شوید و پیروزمندانه بیرون می‌آیید، بزرگتر و قویتر به‌نظر می‌رسید. زندگی با ایمان چیزی نیست که بتوانید بصورت اتفاقی یا ظاهری بگویید: "من ایمان دارم"، ایمانی که قرار نیست دوام بیاورد،اما در "ایمانِ" کتاب مقدسی، شما با جهان می‌جنگید، با جهان و با خود در جهت خدا مبارزه می‌کنید، و در این مبارزه قدرت و شخصیت و همچنین ارزش باطنی خود را کشف می‌کنید; چالش‌های زندگی قرار است به ما ضربه بزند و کاری از دست ما بر نمی­آید، اما در مقابله با سختیهای زندگی، می‌توان کاری شریف، تحسین برانگیز، قابل درک، شایسته، پرجلال، قدرتمند، مفید و درست انجام داد. همانجا، که نورِ اسرائیل است. در این مبارزه می­توانید نور این عطای شگفت انگیز را به جهان بتابانید. ایمان تلاشی برای متقاعد کردن خود به وجود یک نیروی متعال نیست که بتوان به آن ایمان داشت . این یک رویکرد ظاهری از ایمان است، این رویکرد برای حل یک مشکل علمی است. پیامبران دانشمند نبودند. من ایمان ندارم که که خدا را دوست دارم، من با عشق به خدا زندگی می‌کنم و از وفاداری و عملم، رابطه عمیق تری ایجاد می­شود. ایمان یک زندگی متعهد در عمل به محبت است. یک عهد. خدا با ما عهد می‌بندد. عهد یک تعهد است. متعهد بودن در عمل، در کردار، وفادار بودن در زندگی خود، ریشه کلمه ایمان به معنای "وفاداری" است، وفادار بودن به صدای درونی‌ای که در شماست، در درون همه ما خطابی وجود دارد. شریعت خدا در قلب ما نوشته شده‌است اگر آن را باز کنیم و به داخل نگاه کنیم.

ابراهیم چه داشت، «یک خطاب»، دور شدن از مذهب سازمان‌یافته، و این بازگشت به یک رابطه بود، بازگشت به یک «راه رفتن با خدا» با قلبی پاک و ساده، راه رفتن و زندگی در همسویی با خدا، با بالاترین آرمانی که می‌توان تصور کرد، که آن ایمانِ کتاب مقدسی است.ایمانی که در آن محبت به عنوان نیروی محرکه زندگی است، با شخصیتی تزلزل‌ناپذیر و با شجاعتی مثل یوشع، که برای پیروزی و فتح سرزمین اسرائیل مبارزه کرد.

ما نمی‌دانیم که وقتی به سوی نیکویی والاتر، و در پی عالی‌ترین‌ مسیر خود، و به دنبال سرانجامی نیکو شروع به هدف گیری می‌کنیم، چه میزان قدرت جدید در زندگی کسب می‌کنیم.آنجاست که معنای زندگی را درمی­یابیم، زمانی که زندگی همراه با شخصیت را آغاز کنیم و همسو با خدا با آرمان های خود قدم برداریم، اتفاقات نیکویی رخ خواهد داد و برکت خواهیم یافت.

این همیشه به این معنی نیست که شما در هر تلاش یا هر پروژه‌ای موفق خواهید شد، اما "متعهدید" هستید. زندگی "متعهد" در کنار "راه رفتن با خدا"، که تضمین می‌کند که هر روز در پی رسیدن به این هدف، برکت خواهید داشت، حتی اگر هدف هرگز محقق نشود هر کس باید یک استراتژی داشته باشد که چگونه قصد دارد زندگی خود را سپری کند، "استراتژی و راه رفتن کتاب مقدسی" اینگونه است، راه رفتنی سازش ناپذیر، "مستقیم همراه خدا". این معنای عمیق‌تر وعده­های کتاب مقدسی است:

"کسی که اسرائیل را برکت دهد، متبارک خواهد شد" (به این معنی که) اگر در زندگی متعهد به داشتن سرانجامی نیکو باشید، و متعهد به ساختن صهیون باشید، نیکویی را به زندگی خود جذب خواهید کرد، این ماهیت راه رفتن با خدا می­باشد. زندگی کردن در گام زدن به سمت خدا. ما عهد و تعهد به سرانجامی نیکو داریم. در سمت راست خود وسوسه‌ها را داریم و در سمت چپ خود شک­ها را داریم، و ایمان کتاب مقدسی این است که بدون اهمیت دادن به آنها، با آن دید و رویا(راه رفتن با خدا) همسو باشیم. این ماهیت وفاداری به پادشاه است.

مرحله بعدی چیست، شریعت بر قلب ما نوشته می شود. به چه معناست؟ به اشتباه می­گویند این یک نبوت است که از قبل تحقق یافته است، باید دوباره تحقق یابد، باید در نسل ما محقق شود. این یک پیغام است. قلبت را باز کن. در درون شما چیزی وجود دارد که شما را به یک موجود والاتر فرا می خواند، و اگر همه ما صدای آن را بشنویم، اگر همه با آن زندگی کنیم، سرنوشت مشترکی را متجلی می­کنیم که همه در آن گرد آورده شده‌ایم. از کوه‌های یهودا گرفته تا راکی کلرادو، مانند یک سرنوشت است، خانه‌ای برای دعا برای همه امت­ها، که برکتی برای همه آنها خواهد بود. بنابراین، «برای راه رفتن با خدا»، باید راه رفتنمان ما را به آن دید و رویای نبوی نهایی هدایت کند. با تورات او همسو باشیم، باشد که همه ما با تمامی قلب با خدا قدم برداریم، همه‌ی راه را تا اورشلیم بازسازی شده جدید.

*گزیده ای از آموزش صوتی یک خاخام یهودی در مورد تعریف کتاب مقدسی از "تورات"*

ای بدکاران

متی باب 7 آیات 21 تا 23

*گزیده ای از آیات کتاب مقدس از "به دنبال من بیا: پیامی از جانب خدا"*

نه هر که مرا ’سرورم، سرورم‘ خطاب کند به پادشاهی آسمان راه یابد، بلکه تنها آن که ارادۀ پدر مرا که در آسمان است، به جا آوَرَد. در آن روز بسیاری مرا خواهند گفت: ”سرور ما، سرور ما، آیا به نام تو نبوّت نکردیم؟ آیا به نام تو دیوها را بیرون نراندیم؟ آیا به نام تو معجزات بسیار انجام ندادیم؟“ امّا به آنها به‌صراحت خواهم گفت، ”هرگز شما را نشناخته‌ام. از من دور شوید، ای بدکاران!“**[[107]](#footnote-107)**

قانون شکنی (ترجمه : anomia Strong’s No. 458 –) ترجمه صریح: بدون قانون; بی قانونی؛ بی اعتنایی کامل به شریعت خدا (*کلام مکتوب و زنده او*). اول یوحنا باب 3 آیه 4، "هرکه گناه را به عمل می‌آوَرَد، برخلاف شریعت عمل می‌کند زیرا گناه شکستن شریعت است.» در حالی که «شریعت» به معنای «تیراندازی»، «هدف گرفتن»، «راهنمایی کردن» و «تعلیم دادن» است، «گناه» به معنای «از دست دادن» یا «بیراهه رفتن» است.

اگر این استدلال را به صورت تصویری در نظر بگیریم، "تورات" (تعلیم و دستورالعمل خدا) تیراندازی است که هدفی را نشانه می‌گیرد/ و به هدف میزند، در حالی که «گناه» همان تیراندازی است که "به هدف نمی­زند". اگر دستوالعمل­های کامل خدا ("تورات") را هدف نگیریم، ممکن است نشانه را از دست بدهیم و در نتیجه به «گناه» بیفتیم. (به عنوان مثال دوم تسالونیکیان باب 2، مرد شریر).

عیسی به وضوح به شاگردانش می‌گوید صرفاً هر کسی که اعلام می‌کند عیسی خداوند است، در واقع به او تعلق ندارد. او به شاگردانش در مورد خطای نجاتی که در کلیسا رخنه خواهد کرد، هشدار می‌دهد.

هم پولس رسول (در رومیان باب 10 آیات 8 تا 21، "*اما همه از انجیل اطاعت نکردند*") و هم پطرس (در دوم پطرس باب3 آیات 16 تا 18، در این زمینه هشدار می دهند "*مراقب باشید که مبادا به گمراهی شریران ربوده شده، از پایداریِ خود بیفتید*.") در مورد این گمراهی، در مورد ربوبیت عیسی مسیح صحبت کنید، که فقط این خط فکری را که عیسی خداوند است و با گفتن آن نجات می‌یابند در بر می‌گیرد. مردم به سادگی کلمات "*عیسی خداوند است*" را می‌گویند و معتقدند که نجات خواهند یافت. برای آنها این جمله به یک طلسم جادویی یا به بلیط رفتن به آسمان تبدیل ­شده‌است. در حالی که حقیقت ماجرا این است که وقتی شخصی اعتراف می­کند که عیسی خداوند است، در واقع بیان می­کند که هر کاری را که خداوندش به او فرمان دهد انجام خواهد داد. وقتی انسان به فرمان خداوندش عمل نکند نشان می دهد که شخصی ریاکار است، یک چیزی می‌گوید و چیز دیگری انجام می‌دهد. عملکرد او شخصیت او را آشکار می‌کند. او واقعاً در قلب خود باور ندارد که عیسی خداوند است وگرنه آنچه عیسی گفته را انجام می‌دهد. همانطور که یعقوب (در یعقوب باب 2 آیه 17) میگوید: "ایمان *بدون اعمال مرده است*."

در یوحنا باب 12 آیات 46 تا 50، عیسی این حقیقت را تکرار می‌کند:

*"من چون نوری به جهان آمده‌ام تا هر که به من ایمان آوَرَد، در تاریکی نماند. اگر کسی سخنان مرا بشنود، امّا از آن اطاعت نکند، من بر او داوری نمی‌کنم؛ زیرا نیامده‌ام تا بر جهانیان داوری کنم، بلکه آمده‌ام تا آنها را نجات بخشم. برای کسی که مرا رد کند و سخنانم را نپذیرد، داوریْ دیگر هست؛ همان سخنانی که گفتم در روز بازپسین او را محکوم خواهد کرد. زیرا من از جانب خود سخن نگفته‌ام، بلکه پدری که مرا فرستاد به من فرمان داد که چه بگویم و از چه سخن برانم. و من می‌دانم که فرمان او حیات جاویدان است. پس آنچه من می‌گویم درست همان چیزی است که پدر گفته است تا بگویم*."

*گزیده هایی از درس 17: بررسی میوه، در صفحات 136-145*

بیاموزیم که عیسی به ما چی تعلیم می‌دهد که انجام دهیم،و به چه معناست و چگونه در زندگی امروزی ما به کار می رود، همانطور که به وسیله روح گام بر میداریم!

*صیّاد انسان­ها*، مسیحیان را با موضوع شاگرد شدن عیسی مسیح آشنا می‌کند و 17 درس اول را که او به شاگردانش تعلیم داد را پوشش می‌دهد. با فرمانش مبنی بر « به دنبال من آیید» آغاز می‌شود، و عیسی پایه مستحکمی از دستورالعمل‌ها را به جهت رشد شخصیت مسیح در درون افراد می‌گذارد.

*• تعالیم عیسی زندگی من را کاملاً متحول کرده است. (****M.M.****)*

*• عیسی شما را دعوت می کند که با او راه بروید و از او بیاموزید. (****J.G.****)*

*• من بیش از 30 سال است که به کلیسا می‌روم و قبلاً چنین چیزی نشنیده بودم. چرا کلیساها این را تعلیم نمی‌دهند؟ (****J.R.****)*

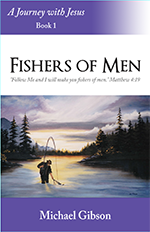
مایکل گیبسون پس از ایمان آوردن به عیسی مسیح در سن 33 سالگی، به شدت از کسی می‌خواست که او را در ایمان شاگرد کند. اما او کسی را پیدا نکرد، او شاگرد و سپس معلم کلام خدا شد.

این آیات به صورت ویژه توجه او را جلب کرد، «*بروید... شاگرد سازید... آنان را تعمید دهید... ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام رعایت کنند*.» (متی باب 28 آیات 19 و 20) از آن به بعد، او اولین کتاب خود، «دنبال من آیید» را (در سال1996) نوشت، که مجموعه‌ای از چهار انجیل در یک روایت است و در عین حال هر یک از 263 دستورالعملی که عیسی به شاگردانش فرمان داده و تعلیم می دهد را برجسته می‌کند. سپس، او مجموعه تعلیمی سه قسمتی، «سفری با عیسی مسیح» و بسیاری کتاب‌های دیگر را نوشته است که به تجهیز ایمانداران برای انجام کار خدمت کمک می‌کند.

Key2Changes.com

3472 Research Parkway, Ste 104 PMB 436

Colorado Springs, CO 80920



*اطاعت از فرمان­های عیسی کلید دوم تغییرات در زندگی افراد است*

1. اول یوحنا باب 14 آیه 15 [↑](#footnote-ref-1)
2. انجیل یوحنا باب 15 آیه 10 [↑](#footnote-ref-2)
3. انجیل متی باب 28 آیه 20 [↑](#footnote-ref-3)
4. انجیل متی باب 10 آیات 24 تا 25 [↑](#footnote-ref-4)
5. رومیان باب 12 آیه 2 [↑](#footnote-ref-5)
6. توبه به زبان ساده یعنی؛ انجام این کاری را به روش خود متوقف کنید و به روش خدا شروع کنید. [↑](#footnote-ref-6)
7. مرقس باب 4 آیه 24 و لوقا باب 8 آیه 18 [↑](#footnote-ref-7)
8. اشعیا باب 28 آیه 10 [↑](#footnote-ref-8)
9. انجیل یوحنا باب 16 آیه 13 [↑](#footnote-ref-9)
10. کتب مقدس به معنای "آنچه نوشته شده است" می باشد. [↑](#footnote-ref-10)
11. افسسیان باب 4 آیات 11 تا 13 [↑](#footnote-ref-11)
12. انجیل مرقس باب 16 آیه 16 [↑](#footnote-ref-12)
13. 13 لاوی. یک نام عبری به معنی «پیوستن» است. او در بین مردم به متی معروف بود. ترجمه‌ی کلمه‌ی عبری Matityahu، به معنی «هدیه از طرف خدا». متی مأمور اصلی جمع آوری مالیات در کفرناحوم بود. او بدون شک مالیات را از ماهیگیران، از جمله یعقوب، یوحنا، پطرس و اندریاس دریافت کرده بود، هنگامی که صید خود را برای فروش در بازار می‌آوردند. او همچنین ممکن است مقام سلطنتی کفرناحوم بوده باشد، که عیسی پسرش را شفا داد. او همچنین نویسنده انجیل متی است. [↑](#footnote-ref-13)
14. اولین شاگردان. رابطه عیسی با شاگردانش چگونه بود؟ درک این روابط منحصر به فرد یک الگو برای همه شاگردسازان آینده می‌باشد، زیرا عیسی به شاگردان خود در مأموریت بزرگ فرمان می‌دهد: "*بروید، شاگرد سازید، ایشان را تعلیم دهید که همه اموری را که به شما حکم کرده‌ام بجا آورند*." متی باب 28 آیات 19 تا 20ـ مقاله را در صفحه 146 ببینید (مروری بر نسبتِ عیسی با شاگردانش). [↑](#footnote-ref-14)
15. لوقا باب 11 آیه 28 [↑](#footnote-ref-15)
16. متی باب 17 آیه 5 [↑](#footnote-ref-16)
17. هنگامی که پادشاهی اسرائیل ، متشکل از ده قبیله شمالی اسرائیل، در سال 721 پیش از میلاد توسط آشوری‌ها شکست خورد، اکثر مردم به اسارت درآمدند و به مناطق مختلف امپراتوری آشور فرستاده شدند. در حدود 677 سال قبل از میلاد، آشوریان به فرمان آسرحدون مردم دیگر امتها را به سرزمینی که ده قبیله شمالی آن را تخلیه کرده بودند، آوردند تا از تبدیل مجدد آن به بیابان جلوگیری شود. آن غیر اسرائیلی‌ها به عنوان «سامریان» شناخته شدند. [↑](#footnote-ref-17)
18. ساعت ششم یعنی حدود ظهر [↑](#footnote-ref-18)
19. آب حیات. این اصطلاح به معنای جاری شدن آب از چشمه یا نهر است. بیشتر از یک منبع دائمی صحبت می کند تا آب ذخیره شده. [↑](#footnote-ref-19)
20. کوه. کوه جرزیم [↑](#footnote-ref-20)
21. روح و راستی. "به مسیح عیسی فخر می‌کنیم و بر جسم اعتماد نداریم." فیلیپیان باب 3 آیه 3 [↑](#footnote-ref-21)
22. اشعیا باب 55 آیه 5 [↑](#footnote-ref-22)
23. اشعیا باب 55 آیات 10 و 11 [↑](#footnote-ref-23)
24. موعظه سر کوه. اگرچه این عبارات اشاره به موعظه بر روی کوه دارد، اما در واقع پس از پایین آمدن عیسی و شاگردانش از کوه، به یک مکان هموار، اتفاق افتاد. در اینجا عیسی «شریعت**»** خود را برای پیروان خود توضیح می‌دهد، همانطور که موسی هنگام پایین آمدن از کوه سینا نزد بنی اسرائیل انجام داد. [↑](#footnote-ref-24)
25. حبقوق باب 3 آیات 17 تا 19 [↑](#footnote-ref-25)
26. فیلیپیان باب 1 آیات 27 تا 30 [↑](#footnote-ref-26)
27. پیمانه یا سبد. [↑](#footnote-ref-27)
28. انجیل یوحنا باب 8 آیه 12 [↑](#footnote-ref-28)
29. فیلیپیان باب 2 آیات 14 تا 16 [↑](#footnote-ref-29)
30. تورات. برای توضیح کامل به مقاله صفحه ۸۷ در مقاله‌ی «شریعت رسیدن به هدف است در حالیکه گناه هدف از دست دادن هدف است» مراجعه کنید. [↑](#footnote-ref-30)
31. شریعت یا نوشته‌های انبیاء. عیسی به همه چیزهایی که پدرش وضع کرده بود (شریعت) و همه آنچه پدرش می‌خواست به وقوع بپیوندد(نوشته‌های انبیاء) رجوع می‌کرد. شریعت به تعریف ساده، *تعلیم و تربیت* از سوی خداست ، اما بیش از آن، یک الگوی رفتاری تعیین شده‌ی الهی برای زندگی بر روی زمین است. همچنین «الگوی رفتاری» خود خدا را توصیف می‌کند، شیوه‌ای که او تصمیم می‌گیرد با خلقت خود ارتباط برقرار کند. هنگامی که ما زندگی خود را در پی دستورات تورات منظم می‌کنیم، ما نه تنها اراده خدا را انجام می‌دهیم، بلکه از «رفتار» او نیز تقلید می‌کنیم و رابطه الهی با خلقت را به شرایط انسانی/فیزیکی منتقل می‌کنیم. به قول *خاخام‌ها*: «شیوه خدا مانند شیوه گوشت و خون (انسانی) نیست. شیوه گوشت و خون این است که او به دیگران دستور می‌دهد که این کار را انجام دهند، اما خود او این کار را نمی‌کند. آنچه را که خدا به *قومش* می‌گوید که انجام دهند و رعایت کنند، همان چیزی است که خود او انجام می‌دهد.» (chabad.org/media/pdf/17098.pdf)؛ برای مثال اول یوحنا باب ۱ آیات 3 تا 6 "و از این می‌دانیم که او را می‌شناسیم، اگر احکام او را نگاه داریم. کسی که گوید او را می‌شناسم و احکام او را نگاه ندارد، دروغگو است و در وی راستی نیست. لکن کسی که کلام او را نگاه دارد، در واقع محبّت خدا در وی کامل شده است و از این می‌دانیم که در وی هستیم. هرکه گوید که، در وی می‌مانم، به همین طریقی که او سلوک می‌نمود، او نیز باید سلوک کند.) [↑](#footnote-ref-31)
32. باطل. (نیامدم) کاملاً باطل کنم، (نیامدم) از هم بپاشانم، (نیامدم) سرنگون کنم، (نیامدم) از بین ببرم (هم به معنای واقعی کلمه و هم به صورت استعاری)، (نیامدم) یوغ را باز کنم، بی لگام کردن یک اسب سواری یا حیوان گله. همچنین نیامدم تا به طور کنایه‌ای آن را سرنگون کنم، بیهوده جلوه بدهم ، سلب کامروایی نمایم، نهادهای خدا را بی ارزش سازم ،به آن اَشکال حکومتی و حقوقی بدهم. (مترادف: سلب نیرو ، منسوخ کردن ، لغو کردن ، دور انداختن.) ، (biblehub.com/lexicon/matthew/5-17). [↑](#footnote-ref-32)
33. به انجام رسانیدن. باید اطاعت شود (مانند بلافاصله یا ناگهان کاری ترک کردن) همانطور که باید باشد (biblehub.com/lexicon/matthew/5-17) (برای مثال متی باب 3 آیات 13 تا 15: "آنگاه عیسی از جلیل به اُرْدُن نزد یحیی آمد تا از او تعمید یابد. امّآ یحیی او را منع نموده، گفت، من احتیاج دارم که از تو تعمید یابم و تو نزد من می‌آیی؟ عیسی در جواب وی گفت، الآن بگذار زیرا که ما را اینچنین مناسب است تا تمام پارسایی را به کمال رسانیم. پس او را واگذاشت.") (برای مثال حزقیال باب 36 آیات 25 تا 27: "و آب‌ پاک‌ بر شما خواهم‌ پاشید و طاهر خواهید شد. و شما را از همه‌ نجاسات‌ واز همه‌ بتهای‌ شما طاهر خواهم‌ ساخت‌. و دل‌ تازه‌ به‌ شما خواهم‌ داد و روح‌ تازه‌ در اندرون‌ شما خواهم‌ نهاد. و دل‌ سنگی‌ را از پیکر شما دور کرده‌، دل‌ گوشتین‌ به‌ شما خواهم‌ داد. و روح‌ خود را در اندرون‌ شما خواهم‌ نهاد و شما را به‌ فرایض‌ خود سالک‌ خواهم‌ گردانید تا احکام‌ مرا نگاه‌ داشته‌، آنها را بجا آورید.") و (غلاطیان باب 5 آیه 25: " اگر به روح زیست کنیم، به روح هم رفتار کنیم.") [↑](#footnote-ref-33)
34. فسخ کردن. لغو کردن ، کم کردن. بی اعتبار اعلام کردن (یک توافقنامه ، تصمیم یا نتیجه رسمی)، (biblehub.com/lexicon/matthew/5-19); (برای مثال رومیان باب 3 آیه 31: "پس آیا شریعت را به ایمان باطل می‌سازیم؟ حاشا! بلکه شریعت را استوار می‌داریم."). (رومیان باب 2 آیه 12:"... زیرا آنانی که بدون شریعت گناه کنند، بی‌ شریعت نیز هلاک شوند و آنانی که با شریعت گناه کنند، از شریعت بر ایشان حکم خواهد شد.") [↑](#footnote-ref-34)
35. تعاریف شریعت کتاب مقدسیِ مشابه. برای مثال متی باب 28 آیه 20: "به آنان تعلیم دهید که هر آنچه به شما فرمان داده‌ام، به‌جا آورند." فرمان دادن: دستور دادن، امر به انجام، حکم کردن، سرزنش ملایم یا دوستانه، توصیه یا هشدار در برابر خطا یا سهل­انگاری، (biblehub.com/lexicon/matthew/28-20.htm)، به‌جا آورن: نگه داشتن، رعایت کردن ، پیوسته نگهداری و مراقبت کردن، حفاظت کردن، (biblehub.com/lexicon/matthew/28-20.htm). و (برای مثال تثنیه باب 30 آیات 11 تا ۲۰: "زیرا امروز به شما فرمان می‌دهم که یهوه خدای خود را دوست بدارید و در راه‌های او گام بردارید و فرمانها و فرایض و قوانین او را نگاه دارید، تا زنده بمانید و بر شمارتان افزوده گشته، و یهوه خدایتان شما را برکت دهد." فرایض: (به قول خاخام ها) شریعت الهی ابتدا به ما داده شد که در ده فرمان و به دست خدا در دو لوح سنگی حک شده بودند. وقتی چیزی نوشته می­شود، جنس ماده‌ی حروف نوشته شده( یعنی جوهر) یک ماهیت جداگانه از جنس ماده‌ای است که بر روی آن حک شده‌اند (یعنی کاغذی از جنس پوست). از طرف دیگر، حروف حک شده روی سنگ در آن، جا و فرم گرفته‌است: حروف ها از سنگ هستند و سنگ از حروف‌ها می­باشد. به همین طور، این نمودی از تورات می­باشد که در روح ما «مرکب» شده است. ما آن را درک می کنیم، احساسات ما توسط آن برانگیخته می‌شود و تبدیل به «سبک زندگی» یا حتی «شخصیت» ما می‌شود. اما چیزی‌های اضافی خودمان باقی می‌ماند. اما یک بُعد در تورات وجود دارد که احکام است که در وجود ما حک شده است و یک بعد تورات وجود دارد که پیوند با خدا را بیان می‌کند و این همان ذات روح یک ایماندار است (chabad.org/parshah/article\_cdo/aid/2832/jewish/Reasoning-The-Stone.htm)، (برای مثال خروج باب 31 آیه 18، خروج باب 32 آیه 16، ارمیا باب 31 آیه 33، دوم قرنتیان باب 3 آیات 3 تا 9) [↑](#footnote-ref-35)
36. به عمل آوردن (انجام دادن، اجراکردن). ساختن یا انجام دادن . پیروی از برخی روشها در بیان به وسیله اعمال احساسات و افکار ذهنی؛ به طور کلی، نحوه عمل را توصیف میکند: به طور صحیح عمل کردن، انجام قانون، برآوردن خواسته های آن، (انجام) کارهایی که قانون امر می‌کند. (مترادف: *پایبند بودن، موافقت کردن، برقرار کردن، ماندن، تحمل کردن، موجب شدن، متعهد شدن بدون تاخیر*)، (biblehub.com/lexicon/matthew/5-19). [↑](#footnote-ref-36)
37. پارسایی. به درستی، *تایید قضایی (حکم تایید)؛* در عهد جدید، *تأیید خدا ("تأیید الهی")؛ اشاره به آن چیزی است که خداوند* (بعد از آزمودن آن) *درست می داند*، یعنی آنچه در نظر او تأیید می شود; **وضعیت کسی که باید همانطور که او هست باشد، نیکی مطلق. شرط مقبول شدن نزد خدا; گام برداشتن در راه نیکی مطلق معادل انسان صالح، یا پارسا**، (biblehub.com/lexicon/matthew/5-20); (برای مثال دوم تیموتائوس باب 3 آیه 16 *"تمامی کتب از الهام خداست و بجهت تعلیم و تنبیه و اصلاح و تربیت در نیکی مطلق مفید است")،* عمل نیکو کردن، زندگی صالحانه داشتن (برای مثال اول یوحنا باب 2 آیه 29 *"اگر دریافته‌اید که او پارساست، پس می‌دانید آن که پارسایی را به‌عمل می‌آورد، از او زاده شده است.")،* اول یوحنا باب 3 آیه 7 "فرزندان، *کسی شما را گمراه نسازد. هر که پارسایانه عمل می‌کند، پارساست، چنانکه او پارساست."* اول یوحنا باب 3 آیه 10 " *فرزندان خدا و فرزندان ابلیس این‌گونه آشکار می‌شوند: آن که پارسایانه عمل نمی‌کند، از خدا نیست، و چنین است آن که برادر خود را محبت نمی‌کند."* اول پطرس باب 2 آیه 24 " *او گناهان ما را در بدن خویش بر دار حمل کرد، تا برای گناهان بمیریم و برای پارسایی زیست کنیم، همان که به زخمهایش شفا یافته‌اید. زیرا همچون گوسفندانی گم‌گشته از راه بودید، امّا اکنون به‌سوی شبان و ناظر جانهایتان بازگشته‌اید."* [↑](#footnote-ref-37)
38. لوقا باب 24 آیه 27 [↑](#footnote-ref-38)
39. انجیل یوحنا باب 1 آیات 1 تا 3 [↑](#footnote-ref-39)
40. متی باب 5 آیه 37 [↑](#footnote-ref-40)
41. اصطلاح «پادشاهی آسمان» در سراسر انجیل متی به کار رفته و به معنای «پادشاهی خدا» است. بسیاری از یهودیان به عنوان یک فرضیه دینی از نام "خدا" استفاده نمی­کنند، بنابراین به جای آن از یک مترادف جایگزین استفاده میکنند. ملکوت خدا به سادگی به معنای فرمانروایی خدا یا حاکمیت خدا بر قومش است. [↑](#footnote-ref-41)
42. غلاطیان باب 5 آیات 13 تا 18 [↑](#footnote-ref-42)
43. راقا. "بی ارزش" یا "نالایق(به هیچ دردی نخوردن)". [↑](#footnote-ref-43)
44. احمق. کتاب مقدس می گوید احمق کسی است که در دل خود می گوید: "خدایی نیست." مزامیر باب 14 آیه 1 [↑](#footnote-ref-44)
45. مزامیر باب 14 آیه 1 [↑](#footnote-ref-45)
46. اگر چشم راستت تو را می‌لغزاند، آن را به‌در‌آر و دور افکن. "دست از حسادت بردارید." (آرزوی چیزی که مال تو نیست) [↑](#footnote-ref-46)
47. اگر دست راستت تو را می‌لغزاند، آن را قطع کن و دور‌افکن. "دست از دزدی بردارید." (گرفتن چیزی که مال تو نیست) [↑](#footnote-ref-47)
48. نام عبری «عهد جدید» «**Brit Hadashah** » است. نگاهی عمیق تر به عهد جدید و نحوه مشارکت مسیحیان در آن را می توان در کتاب های من با عنوان «مسیحیت 101» و «درک بهتر پیش رفتن» یافت. [↑](#footnote-ref-48)
49. متی باب 5 آیات 31 تا 32 [↑](#footnote-ref-49)
50. یوحنا باب 8 آیات 1 تا 11 [↑](#footnote-ref-50)
51. تثنیه باب 22 آیه 22 اگر مردی‌ یافت‌ شود که‌ با زن‌ شوهرداری‌ همبستر شده‌ باشد، پس‌ هر دو یعنی‌ مردی‌ که‌ با زن‌ خوابیده‌ است‌ و زن‌، کشته‌ شوند. پس‌ بدی‌ را از اسرائیل‌ دور کرده‌ای‌. [↑](#footnote-ref-51)
52. پیدایش باب 1 آیه 27**.** ایشان را مرد و زن آفرید [↑](#footnote-ref-52)
53. پیدایش باب 2 آیه 24. از این‌ سبب‌ مرد پدر و مادر خود را ترک‌ کرده‌، با زن‌ خویش‌ خواهد پیوست‌ و یک‌ تن‌ خواهند بود**.** [↑](#footnote-ref-53)
54. تثنیه باب 24 آیات 1 تا 4. زن را طلاقنامه دهند و جدا کنند**؟** [↑](#footnote-ref-54)
55. ارمیا باب 3 آیه 8 (کتاب هوشع نیز به طور جامع به این موضوع می پردازد) [↑](#footnote-ref-55)
56. امثال سلیمان باب 20 آیه 3 [↑](#footnote-ref-56)
57. متی باب 5 آیات 25 تا 26 [↑](#footnote-ref-57)
58. تثنیه باب 15 آیات 6 تا 11 [↑](#footnote-ref-58)
59. اول یوحنا باب 4 آیه 8 و 16 [↑](#footnote-ref-59)
60. خراجگیران. (جمع کنندگان مالیات). این افراد که به عنوان باجگیرشناخته می­شدند، از دید یهودیان افراد خوبی نبودند. آنها مردم محلی بودند که مأمور جمع آوری مالیات برای رومیان بودند. بیشتر اوقات آنها در میزان پولی که از مردم جمع آوری می­کردند منصف نبودند. [↑](#footnote-ref-60)
61. کامل. "تمام و کمال" یا "کاملاً بالغ". [↑](#footnote-ref-61)
62. آگاپه. انجام دادن فعالانه آنچه خداوند ترجیح می‌دهد، همیشه توسط خدا مشخص شده است - یک "مهر متمایزی که مستلزم انتخاب و برگزیدن است" (https://biblehub.com/lexicon/matthew/5-44.htm). صرفاً به عنوان محبتی تعریف می‌شود که به جای آنچه خواسته شده است، آنچه را که لازم است می‌دهد (یعنی عطوفتی که خدا، در فراهم آوردن نجات برای مردم، با فرستادن پسرش نزد آنها و تسلیم کردن او به مرگ نمایان کرده است. اول یوحنا باب 4 آیه 8، " *و کسی که محبّت نمی‌نماید، خدا را نمی‌شناسد زیرا خدا محبّت است*." و یوحنا باب 15 آیات 9 و10، "*همچنان که پدر مرا محبّت نمود، من نیز شما را محبّت نمودم؛ در محبّت من بمانید. اگر احکام مرا نگاه دارید، در محبّت من خواهید ماند، چنانکه من احکام پدر خود را نگاه داشته‌ام و در محبّت او می‌مانم. این را به شما گفتم تا خوشی من در شما باشد و شادی شما کامل گردد*.») [↑](#footnote-ref-62)
63. به سر خود روغن بزن و صورت خود را بشوی . یهودیان هنگام روزه داری خاکستر بر سر خود می‌گذارند. فقط برای مواقع شادی روی سرشان روغن می‌زنند. [↑](#footnote-ref-63)
64. تنها روزه غذایی که خدا اعلام کرد سالی یک بار در روز کفاره بود. (روز کیپور) [↑](#footnote-ref-64)
65. چشم بسیط (نیک) باشد. معنی آن «سخاوتمند بودن» است. امثال باب 22 آیه 9 می‌گوید: «*شخصی‌ که‌ نظر او باز باشد، مبارک‌ خواهد بود، زیرا که‌ از نان‌ خود به‌ فقرا* می‌دهد.» [↑](#footnote-ref-65)
66. چشم فاسد است. معنی آن «خسیس بودن» است. امثال باب 28 آیه 22 می‌گوید: «*مرد تنگ‌نظر در پی‌ دولت‌ می‌شتابد و نمی‌داند که‌ نیازمندی‌ او را درخواهد یافت‌*.» [↑](#footnote-ref-66)
67. داوری مکنید. عیب­جو مباش. این بدان معنا نیست که ما نباید افرادی عاقل و فهیم باشیم که بتوانیم قضاوت درستی کنیم. [↑](#footnote-ref-67)
68. یوحنا باب 3 آیات 17 و 18 [↑](#footnote-ref-68)
69. رومیان باب 2 آیات 1 تا 6 [↑](#footnote-ref-69)
70. رومیان باب 14 آیه 4 [↑](#footnote-ref-70)
71. رومیان باب 14 آیات 10 تا 12 [↑](#footnote-ref-71)
72. یعقوب باب 4 آیات 11 و 12 [↑](#footnote-ref-72)
73. یعقوب باب 5 آیه 9 [↑](#footnote-ref-73)
74. اعمال رسولان باب 17 آیات 30 و 31 [↑](#footnote-ref-74)
75. رومیان باب 2 آیه 16 [↑](#footnote-ref-75)
76. عبرانیان باب 10 آیات 30 و 31 [↑](#footnote-ref-76)
77. متی باب 10 آیه 16 [↑](#footnote-ref-77)
78. آنچه را که مقدس است به سگان مدهید. کسانی که در دل خود می‌گویند: «خدا وجود ندارد»همانند سگها احمق در نظر گرفته می‌شوند. امثال باب 26 آیه 11 نیز به این نکته اشاره می‌کند: "*همانطور که سگ به استفراغ خود باز می گردد، احمق نیز حماقت خود را تکرار می کند*." نکته این است که چیزهایی را که مربوط به خدا هستند به احمقها درمیان نگذارید، زیرا آنها به هر حال اعتقاد ندارند که خدا وجود دارد. [↑](#footnote-ref-78)
79. مرواریدهای خود را پیش خوکان میاندازید. خوکان کسانی هستند که فاقد خرد، و توانایی لازم برای تصمیم گیری صحیح هستند. امثال باب 11 آیه 22 میگوید: «*زن زیبایی که بی­خرد است، مانند حلقه طلایی در پوزه خوک است*.» نکته این است که به زنانی که هیچ درایتی از خود نشان نمی­دهند، چیز با ارزشی ندهید، زیرا به هر حال نمی‌دانند با آن چه کنند. [↑](#footnote-ref-79)
80. عبرانیان باب 5 آیه 14 [↑](#footnote-ref-80)
81. یوحنا باب 7 آیه 51 [↑](#footnote-ref-81)
82. یوحنا باب 5 آیه 30 [↑](#footnote-ref-82)
83. متی باب 12 آیات 34 و 35 [↑](#footnote-ref-83)
84. امثال باب 21 آیه 2 [↑](#footnote-ref-84)
85. عبرانیان باب 4 آیه 12 [↑](#footnote-ref-85)
86. دوم تیموتائوس باب 2 آیه 15 [↑](#footnote-ref-86)
87. امثال سلیمان باب 26 آیه 11 [↑](#footnote-ref-87)
88. امثال سلیمان باب 9 آیات 7 و 8 [↑](#footnote-ref-88)
89. ترس از خدا. کلام خدا را بالاتر از همه کلمات دیگر نگه دارید. [↑](#footnote-ref-89)
90. صور شهری واقع در فنیقیه (لبنان کنونی) در ساحل دریای مدیترانه. حدود 56 کیلومتری شمال غربی کفرناحوم است. [↑](#footnote-ref-90)
91. کنعان نوادگان کنعان که بوسیله نوح لعنت بر آنان قرار گرفت که خطاب شدند تا نژادی از غلامان باشند. این قوم زمانی در سرزمین اسرائیل ساکن بودند، اما زمانی که خدا به بنی‌اسرائیل این سرزمین را داد، رانده شدند. [↑](#footnote-ref-91)
92. فینیقیّه شخصی که از ناحیه فنیقیه که مجذوب پادشاهی سوریه شده بود آمده بود. [↑](#footnote-ref-92)
93. سگها. در اینجا منظور حیوانات خانگی است نه سگهای وحشی [↑](#footnote-ref-93)
94. متی باب 5 آیه 20 [↑](#footnote-ref-94)
95. اصطلاحات «پادشاهی آسمان» و «پادشاهی خدا» یکسان هستند و می توانند به جای یکدیگر استفاده شوند. هر دو به سادگی به معنای «مکانی که خدا در آن حکومت می‌کند» است. بحث عمیق تر در مورد پادشاهی خدا یا ملکوت آسمان در مقدمه درس 18 است. [↑](#footnote-ref-95)
96. در دروس دیگر تک به تک به این موضوعات پرداخته می شود. [↑](#footnote-ref-96)
97. "ای بدکاران از من دور شوید".لاویان باب 26.قانون شکنی در اینجا به معنای زندگی بدون شریعت یا تخطی از شریعت است. پیروان عیسی مسیح هنوز تحت شریعت هستند. شریعتِ روح مسیح، استاندارد یک زندگی والاتر، روح شریعت. [↑](#footnote-ref-97)
98. متی باب 7 آیه 16 و آیه 20 [↑](#footnote-ref-98)
99. اعمال رسولان باب 20 آیات 29 و 30 [↑](#footnote-ref-99)
100. داستان قائن در پیدایش باب 4 آیات 1 تا 8 آمده است [↑](#footnote-ref-100)
101. داستان بلعام در اعداد باب 22 آیات 1 تا 21، باب 25 آیات 1 تا 3 و باب 31 آیه 16 آمده است. همچنین مکاشفه باب 2 آیه 14 را ببینید. [↑](#footnote-ref-101)
102. داستان قورح در اعداد باب 16 آیات 1 تا 35 آمده است. [↑](#footnote-ref-102)
103. تثنیه باب 30 آیات 11 تا 20 [↑](#footnote-ref-103)
104. دوم پطرس باب 3 آیات 16 تا 18 [↑](#footnote-ref-104)
105. متی باب 7 آیه 23 [↑](#footnote-ref-105)
106. غلاطیان باب 5 آیات 19 تا 23 [↑](#footnote-ref-106)
107. " **ای بدکاران از من دور شوید". لاویان باب 26.** قانون شکنی در اینجا به معنای زندگی بدون شریعت یا تخطی از شریعت است. پیروان عیسی مسیح هنوز تحت شریعت هستند. . . شریعت روح مسیح، استاندارد یک زندگی والاتر، روح شریعت. [↑](#footnote-ref-107)